

۵۰ ریال

جمهور

جمعه ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ - شماره ۲۱ - سال سی و هفت

نظرها پیراهون لایحه تازه مطبوعات

آخرین روزهای
آزادی مطبوعات



Ketabton.com

شاهکار سماور مدرن ایرانی ریگال

کارخانجات معلم ریگال که با برخورداری از پیش فهمترين نکولوزي زمان مکي از بيرترکس سازندگان لوارم آبيزخانه و وسائل برقی خانگي مي باشد اين يار پديده ش جديده طابق با مست اصيل ابراسي به شما تقديم مي کند :



سماورہ قی ریگاں

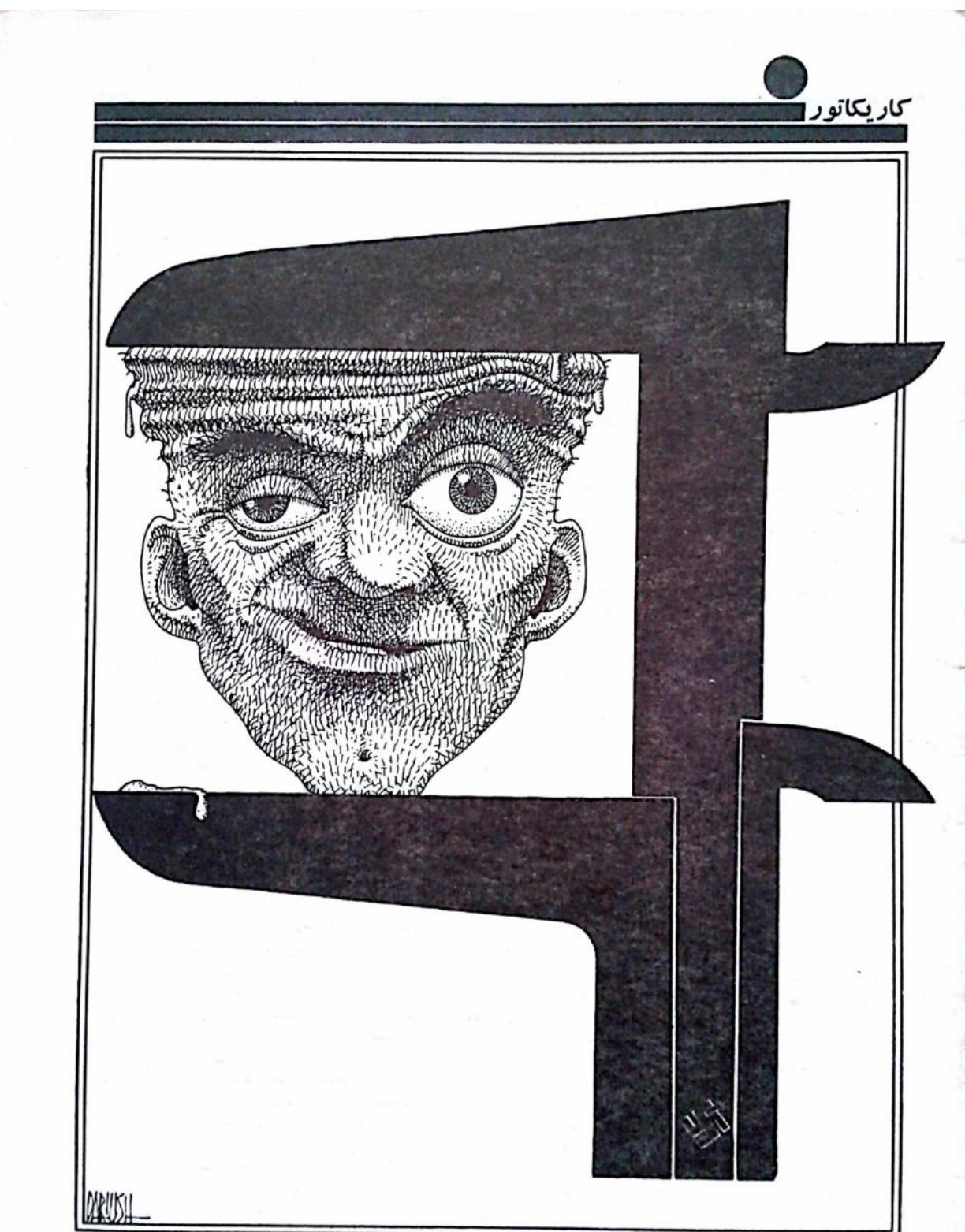
- با پیشرفت نرسیدن بدبندی های تکنولوژی برای تهیه بهترین
 - جای اصلی ایرانی.
 - بادریوش مخصوصی که جای را کاملاً دم کرده و هرگز نمیجوشاند
 - محبیزه سیستم حرارتی دلخواه برای جوش آوردن سریع آب
 - بادسگاه کنترل انواع میکروجودت نام شدن آب خاموش شده
 - وار سوختن سماور جلوگیری می کند.
 - با پوشت داخلی مخصوص که هرگز جرم سیکلرید.
 - با سیستم نام انواع میکرو که در مصرف برق صرفه جویی ممکن است.

بساط چای شما با سماور بیگان پا صفات را است

Regal

نمایندگی انصاری در ایران: شرکت ساختی کالاری با مسئولیت محدود
میران - خیابان ناصر آباد شماره ۲۵۷ - ساختمان کالاری - تلفن: ۰۲۶۲۷۷ - ۰۲۶۲۷۸ - ۰۲۶۲۷۹
هرگز پیش: بازدید از کالاری - خیابان نهادار - خیابان آستان - تلفن: ۰۲۶۱۶۶۷

کاریکاتور



کاریکاتور

تلفن خوانندگان



- آن فرهنگ پاسانی ، بِرْجَم ، شاهنامه و ...
 - مقالای آقای دکتر بزیدی . همیشور مصاچی شاملو را خواندم ، واقعاً جالب بود چطور آقای دکتر بزیدی ، هیجکدام از اتهامات شاملو را جواب نداد . بود و فقط به سیک برادرینی صدر سفطه کرده بود ؟
 - این نظر شاست ؟
 - بله ، تهفظت مثُر من بلکه نظرگروهي از دانشجویان و استادان است .
 - من نه عنوان یک سوپیالیست . که افتخار داشتن تعلیمات آن همه اعتبارات به محمود رضا بهلوی و خاندان سلطنت و همسر بردانی را کی داد . آنهه ...
 - آقا نکستوال ؟
 - واقعًا تصور نمی کنید خوب بود به مخاطر آبروی مت ایران ، توپیخی مانند دکتر بزیدی درباره مساجد فوق الماده ، حال شاملو را بالمسای و زیر امور خارجه جاب نمی کردید ؟
 - آقا . من نیک دختر دبیرستانیم . امسال دیلم می گیرم .
 - تازه واقعیت را دریافتیم .
 - چو اتفاقیست ؟
 - این که بیهوده نایاب فضایت کرد و بمنابعات گوش داد .
 - این حرف ما به حساب توبه ام بگذارید .
 - چرا توبه متکه چه گردید ؟
 - من پیش از اتفاق ، درباره سردبیر و بعضی اعضا های تحریریه فعلی تهران مصوّر ، حرفاها شنیدم و باور داشتم ، اما ... هر را ببخشد .
 - اختیار دارید خانم ؟
 - آقا مطلب تلقنی کوتاهی درباره لاجوردیها نوشت بودید ، چرا ادایه ندادید .
 - همانطور که دلت گردید تلقن یک خواننده مثل شما بود و خبر و نظر نمی بود .
 - بله ، ولی وقتی آن خواننده گوشی را دست شما داد ، خوب بود تحقیق می کردید و خیرآفرین هم می دادید که دارند خون ما را دریشیم می کنند .
 - چشم ...
 - آقا ببخشد . درملکت ما او سولا درجهان غیر از سیاست و سایل سیاس چیزی نمی گذرد ؟
 - چرا . چطور مگه ؟
 - هدی منحات و مطالع شما ، سایل سیاس است ، آنهم مقالات و گزارشها و عکس های خواندنی . از فرهنگ و ادب و شعر ، حتی نایشنامه ها و داستان های کوتاه جای کنید .
 - آقا . بنده ساکن خیابان تخت طاووس هستم . جلو داشکنده الهیات آن برجم را دیده اید ؟
 - نه . کدام برجم ؟
 - بزرگ نه . از همین حالا خوب است جلوی اینکارها را بگیرند . و گرنه فردای دیر است .

کلام نخست



صاحب امتیاز و مدیر مسئول عبدالله والا
هفدهم لاهه مستقل سیاسی
و اجتماعی
شماره مسلسل ۱۶۴۷
نشانی: خیابان حرمد جوین -
کوچه نفوی شماره ۲۱
تلفن هات: تهریه ۸۲۳۳۴۶۸
آگهی ها ۳۱۱۵۱۵
۳۱۲۸۳۹ - ۳۱۲۸۳۸

سردپیر مسعود بهنود
معاون کمیسری سپرسوس علی نژاد
دیپر صفحات جهان شهرلا شریعت‌مدد اردی
دیپر عکس کارهای ملستان
محمد صداد عکسها از
فتح الله والا
مدیر داخلی آگهی ها
 صالحی خانفر ختم
شهرستانها

دوستان که تبرخورده بود ، به بیمارستانها .
و فی‌سرداران حمله می‌کردند و چهارها بناه مسوار دند ،
بیش ما ، هنوز در دیبارخانه سندیکای ما -
سندیکای نویسندها و خبرنگاران مطبوعات ساز
آخر سریزه‌ای که برآن گرفتند و داخل شدند ،
درست جا نمی‌افتد ...

جلال را که دیدم یاد آن روزی اف adam که
در خیابان رامسر حلو در سندیکای آف اف اف
بودم ، تا بجهه‌ای بیشتری بتواند در آن دو تا
آناق چاکیرند ... هر دی رسید ، با تخت راه
می‌رفت ، بنظر تیمار بارنشتی می‌آمد ، کلاه
بوسی بررسی بود ، از آنها که قابل تصور بود
مدال همایون را در آناق یافرای اش گذاشت .
رزق دست در زیر پل او گزده بود و آرام آرام
می‌گذشتند ، اما کار نه دو دقیقه بیش آنچه
پرسیجی بی که شفار می‌نوشت ، تبرخورده بود .
آنچه تکاهی عاقله اند شفیه به تابلو اندخت و

بما . گفت نویسندها و خبرنگاران مطبوعات . باید
اینها (یعنی ما) را تبریز باران کرد ! رحمان گفت :
چی می‌شکه ؟ گفتیم : هیچی . مرد غریب می‌زد ، فخش
می‌داد و بیرفت ، و ما مانده بودیم که عیسی
نذردار ، اینها در اقلیت اند ، بت با ماست . و
ملت با ما بود ، وقتی اعتصابیان طولانی شد ،
دیدیم ملت با ماست . اما حالا ...

آقای وزیر ارشاد می‌باشد ! - از هنگاران
وزیر کشور که آن موقع برای ما احمدخان صدر
احجاجیده‌گردی بود بپرسید چند باری که به آن
دو تا آنالک آمد چه روحیه‌ای دید . ما آتش
بودیم ، با نوبدم - حالا با وضعی که برای
بجهه‌ای کهنه بیش آمده ، با پیش تویس لایحه‌ی
اشک آور ماندیم . هنوز گویی هرچه تلغی آن را
حسن می‌کنم .

سندیکای ما نمی‌بود ، قلب آن محله -

خیابان تربیا و خیابان رامسر ، با بجهه‌ای مبارز

از صبح تا غروب با هم زندگی می‌کردیم ، دیگر

شده بودیم افراد آن محله . دل‌گذشت از سندیکا

و وقتی به خانه چه مشکل بود ...

با بجهه‌ای معلم نصار می‌نوشتم روى

اتومبیل‌ها می‌جساندیم : مرگ بر شاه ! ، با آنها

برای دادن خون می‌رفتیم . و با آنها همسراه

هفته بیش وقتی جلال سرفراز ، از خوب‌ترین
روزنامه‌نویس ، شاعر ، همایان و نظرس به دیدارهای
آمد . من به جای همه آنها که کیهان را اشغال
کردند و جلال‌ها ، رحمن هانچه‌ها و همه
بجهه‌ای مبارز کیهان را کنار نهادند ، خجالت
گشیم ، من به جای آن که از خانه راندشان و
راهشان نداد ، شرمنه شدم ...

یاد روزهای اعتضاب اثام . همه آنها که در اعتضاب

بودند ، بقیه شغقول کار بودند ، الان هم به

سلامتی هیچ مشکل ندارند و مشغولند ! - کار

نیود ، یول نیود ، گلوله بود ، مصباتیت بود ،

گمای که می‌ریختند ، با آن هیبت ترساورد ، مثل

سریزدان امریکائی در وتنام ... نرس هم بود .

اما بهترین روزهای عمرمان بود . به آیین زندگی

بودیم . روزی صبا در سندیکا مسابقه گذاشت :

«از اعتضاب که در آمدیم ، اولین شماره روزنامه

نیشن اولن چی باشد؟» رحمان در آمد که : نو

کلمه است ! بجهه‌ها خندیدند : دو روز روزنامه‌ی

با تیتر بزرگ دو گلخانی می‌دهیم - یعنی که

«شاه رفت» و «امام آمد» - و ما آنجان‌هی خندیدیم ،

انگار این دو روزنامه را که دادیم ، بهشت را

خریدیم .

روزی که بجهه‌ها حمله کردند به سفارت

امرازکا ، ما از محل سندیکا ، در میان آن باران

گلوله رفتیم . راسته هم از جان گذشت بودند ...

خوساری (حمد) و من جلو در مشارک تو گاز

اشک آور ماندیم . هنوز گویی هرچه تلغی آن را

حسن می‌کنم .

سندیکای ما نمی‌بود ، قلب آن محله -

خیابان تربیا و خیابان رامسر ، با بجهه‌ای مبارز

از صبح تا غروب با هم زندگی می‌کردیم ، دیگر

شده بودیم افراد آن محله . دل‌گذشت از سندیکا

و وقتی به خانه چه مشکل بود ...

با بجهه‌ای معلم نصار می‌نوشتم روى

اتومبیل‌ها می‌جساندیم : مرگ بر شاه ! ، با آنها

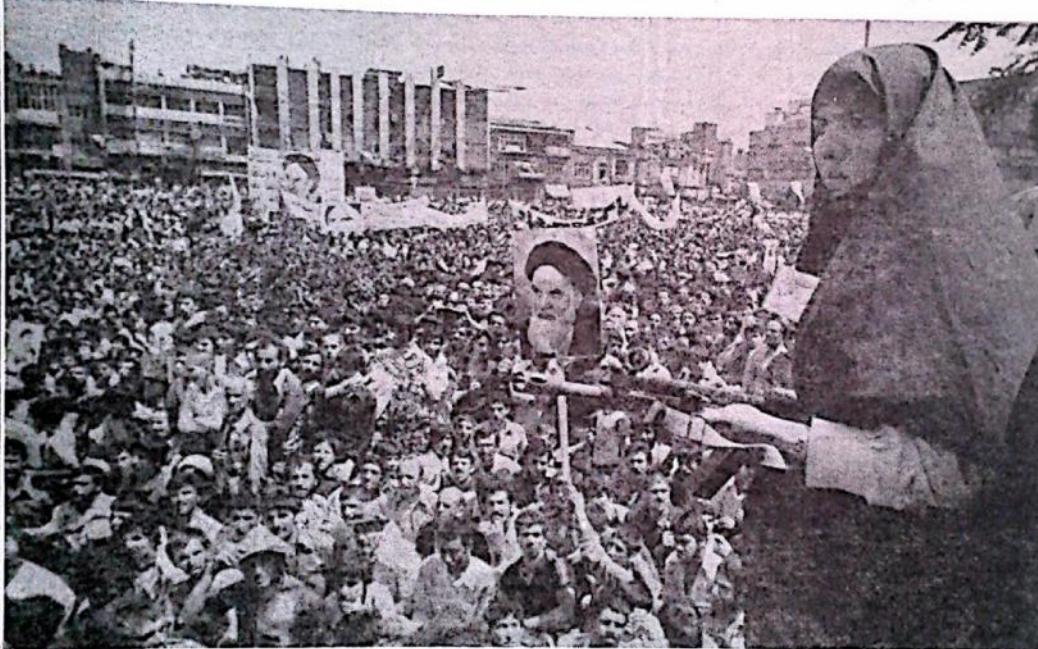
برای دادن خون می‌رفتیم . و با آنها همسراه

فهرست

۳۵	۱۶	محاجه با ابرح اسکندری	۳	کاریکاتور
۴۰	۱۹	سینما	۴	تلن خوانندگان
۴۱	۲۰	افغانستان به کجا می‌رود؟	۵	کلام نخست
۴۲	۲۲	مطبوعات پس از انقلاب	۶	صفحات اخبار ایران
۴۸	۲۶	نامه	۶۰	مناله‌ساحید شاملو
۵۰	۳۰	پراکنده‌ها	۱۴	مقاله مسعود هنود
	۳۴		۱۱	صفحات وزیر قابو مطبوعات

هفته، هفته گرامیداشت ۱۵ خرداد،
فروکش کردن و قایع خرمهر و برقراری
صلاح و آشتی در خوزستان، ملی شدن
بایان‌ها، طرح مسائل مطبوعات در قالب
لایحه قانون مطبوعات، بحث‌های
گنگ بر سر قانون اساسی، بزرگداشت
استاد طهری و از همه مهمتر بزرگداشت
علی علیه السلام، شیر مرد اسلام بهمناسب
اداروزش بود.

نگاهی دوباره به هفته ملی کردن بانکها



در حاشیه رخدادهای ۱۵ خرداد، ماید این نکته را نیز ذکر کرد که «کنفرانس وحدت» (منشکل از ۱۲ سازمان رزمnde از جمله پیشکار) به همین مناسبت میتسبیک در سال ورزش پیل تکنیک تهران برگزار کرده بود که مطابق معمول با مراسم خود مردم گروه حرب ابانه عزاء شد و آنها مشارک های مختلف و گاه اعمال و قیمهانه گوشتیدند چله را برهم زنند - خیر نیز نگار تهران مصوّر نهاده موسوی - که برای تهییه گزارش در این جلسه حضور داشت نوشته است که وقتی خواستم با آنها صحبت کنم و یقینم چسرا می خواهد جلسه برگداشت ۱۵ خرداد را بهمن، گفتد ماید ماقابلیتی بنی صدر است - برپید با ایشان صحبت گشید ۱

کنند و در دولت هشت تصفیه کرد، و گویا اشاره به حسن نزیه داشتند که پیش از آن از رفقار حکومتیان کوئی نسبت به مردم، انتقاد کرده بود. در معین روز امام حسین در قسم در یک سخراوی پیرهیجان و دریاد ماندنی سه حقوقدانان و روشنگران منتقد تاخت و گفت که یکی از شاهدا در میان جمعت نسبت و پیایشید با مردم همراهی و همدردی شوید. نیز خطاب به مردم گفت: «حالک مرسر من اگر بخواهم از شما استفاده عوامی کنم، و به این ترتیب بار دیگر اثبات کرد که رهبر انبالا، هیجان انقلابی است و هنچ قصد اشغال پست ریاست جمهوری نمایار و خیال همه کسانی را که از این جهت پاره احت بودند، راحت گرد.

در آغاز هفتادی که بهمن معمور ریر جای رفت و دیگر امکان انسکاوس رویدادها را نداشت، میرگدای شهادت ۱۵ خرداد پیش آمد و مردم پس از ۱۶ سال روز شنبه توائید خاطره آن رشادتها و شهادتها را که بخطاب دین و منکت، بخطاب رفع ستم از رهبر مذهبی آن روزگار که اکون رهبر مذهبی - ساس و رهبر انبالا است، و برای آزادی شان داده شد، گرامی دیدارند. مردم تهران در هشت تعلق گشته هم امدد و از آنرا هم میدان توپخانه شدند و در آنها در یک مشتبک عظم شرک گردند. از نکات روحانی و گفتن این روز نکهای ارقلعه‌مانه جمعت سود که از دولت می خواست که آنهای را که نمی توانند خود را با اعلان اسلامی خواهند

در مقاله‌ای ملی کردن بانکها را «یک گام انقلاب» توصیف کرد و ضمن تشرییع وضع و حال بانکها و نحوه گردآوری سرمایه و سودآوری آن، این حرکت را تاریخی دانست.

در همین شاره روزنامه اطلاعات واکنش «جیس‌منهایان بانک» نیز درج شد، بود که در آن بانک معروف آمریکائی از دولت ایران غرامت خواسته بود زیرا این بانک بزرگ‌بین‌المللی در چند بانک غیردولتی ایران سرمایه‌گذاری کرده است.

سازمانهای سیاسی نیز از ملی شدن بانکها استقبال کردند. از جمله جنبش ملی مجاهدین و «جاما» در بیانیه مشترک، این اقدام دولت را مستodd و نوشتند: «ادامی به غایت مردم را می‌توان موقوفیت برای صلح استاندار خوزستان به حساب آورد»؛ زیرا در موارد شبه معمولاً کار به دخالت مستقیم دولت و روحانیت و... کشیده است.

ملی شدن بانکها

اعتراض اشرف دهقانی

با وجود اقدامهای انقلابی دولت که در برخی زمینه‌ها، اندک‌اندک چهره نشان می‌دهد، در زمینه سیاسی دولت همچنان غیر انقلابی و گاه ضد انقلابی‌رنگار می‌کند. دستگیری وزندانی کردن حداد شیبانی؛ چریک فدائی خلق، بدون ارائه سندی که مکان دلیل آن را تربیاند و باوجود همه لذت‌گیرانی که در این زمینه ارسوی گروههای مختلف وارد شدند، از آن حمله است. علاوه بر حداد شیبانی، اکنون ۶۰ سوابیلت زیر در بارداشت دولت یا کمیته یا هر قدرت دیگری که به هر حال منعول آن موضع دولت است، بسیار بیرون. علاوه بر این کانون زندانیان سیاسی خبر از بارداشت دون از گردداندگان انتصابات عظیم صفت نفت داده است، بنامهای شیرمعیل حیانی و محمد حداد خانی.

در باره بارداشت حداد شیبانی که اکنون تردید کو ماه از بارداشت وی می‌گذرد، آخرین واکنش از سوی اشرف دهقانی چریک فدائی که مقاومهاین در زندان و فرازش از زندان، او را در رده فهرمانان افسانه‌ای، «تجانده است، شان داده شده است. اشرف دهقانی در اعلامیه ندد و شدیداللحنی علیه دولت، نوشت:

خلفهای بارز ایران حداد شیبانی و صده زمینه نظیر او با عزمی راسخ و استوار در بدزیرین شرایط حیات جامعه ما، جان برگ مبارزه کردد و از این بس نیز می‌کشد.

شق آنها به مردم، نیروی لایرانی اس

پاشد.

در ماده دوم بر دستگیری مسین فاجعه و محکمه آنها تاکید شده است و بس در ماده بعدی فرار شده است، خانواده‌های شهداء و مقتولین تحت سرپرستی دولت فرار گیرند.

با امضای این توافقنامه برقراری امنیت و حفظ انتظامات شهر و روستا زیر نظر شهریانی و ژاندارمری منطقه انجام‌گیرد و کلیه توراهای کشته‌ها، و کانون‌ها و سایر سازمانها و جبهه‌های انتظامی بومی متول می‌شوند.

توافقنامه دارای مواد دیگری هم هست و از

آنچه از حمله به خانه‌ایت الله شیرخانی آنچه از ناسف گرده است. روپرها اضطری این موافقنامه را می‌توان موقوفیت برای صلح استاندار خوزستان به حساب آورد؛ زیرا در موارد شبه معمولاً کار به دخالت مستقیم دولت و روحانیت و... کشیده است.

نهادن بیهان شدند.



آرامش در خوزستان

از خبرهای خوش هفته گذشته، برقراری صلح و آتش در خوزستان بود. پس از آن روزنامه انقلابی دولت انتشار داد و در آن نوشت: «دولت بازگران با انتکار ملی کردن سانکتا نوبی‌گذاری بین تضمیم و بی‌مزدگی را می‌دهد». اول خود زیر عنوان «ملی کردن بانکها شناختی از مرحیت انقلابی دولت» انتشار داد و در آن روزنامه بامداد روزنامه دیگر صحیح تهران، خبر را به نحو چشگیری منتشر کرد، جنابه من خواسته است چن و سوری مردم را به اسلام اطلاع مردم برساند.

روزنامه افراد، روزنامه دیگر صحیح تهران،

خبر را به نحو چشگیری منتشر کرد، روزنامه‌ها خبر

روز پنجشنبه ۱۷ خرداد ماه، روزنامه‌ها خبر

توافقنامه آرامش در خوزستان را منتشر کردند.

برآسان این توافق فرار شده است انتخاب و

انتخاب افراد در مناغل سازمانهای دولتی

برینهای مدرک‌های اسلامی و معیار شایستگی و

صلاحیت و ایمان و اعتقاد به صواب انتظام

اسلامی ملت ایران از برادران عرب و غیر عرب

آیت‌الله شریعتمداری و سازمان مجاهدین:

مجلس مؤسسان باید تشکیل شود

بیانیه سازمان مجاهدین خلق آمده است:

از مهمترین رویدادهای هفته گذشته یکی از فواین اساسی به هیچ‌وجه در رژیم قوای اسلامی نیستند بلکه منبع اخراج و روح حاکم بر قواین عادی می‌باشد و بعارت دیگر برای قواین معمولی نقش «مادر» را باید می‌نگند. جراحت که قواین معمولی از قانون اساسی را تند می‌شود و از آن سرچشمه می‌گیرد. بهمن دلیل در حایلکه در قواین معمولی از «عاده» ۱ و ۲ و ۳... صحبت می‌شود در قانون اساسی بجای ماده با «اسل» «واجهم»، مانند اصل ۱۰۴... این نیز روش است که تمام مصوبات قانونی مجلس قانون گزاری بعدی تا آنجا اختبار و تقویت دارد که مخالف اصول قانون اساسی نباشد. والا خود بخود منطق است.

پس قانون اساسی حیاتی ترین سند سیاسی، اجتماعی و اقتصادی... موجود در یک کشور است که همه مسائل و مشکلات دیگر با ارجاع به آن حل می‌شوند.

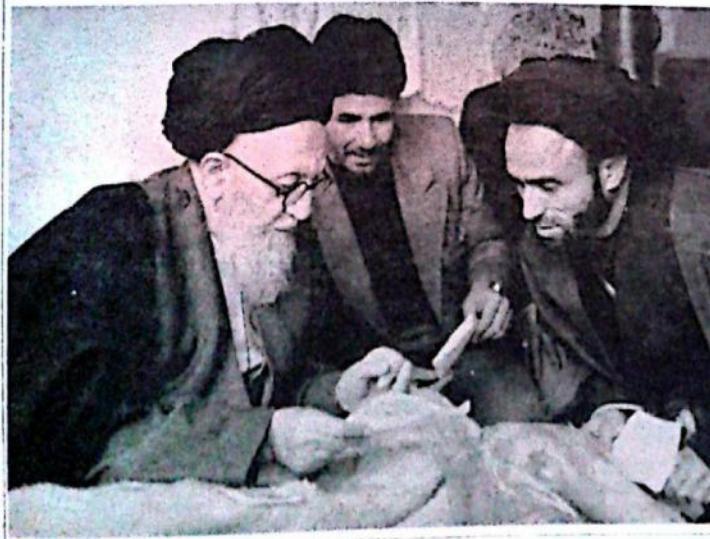
بنابراین مجلس موسان از آنجا که تعیین کننده اساسی نظام جدید می‌باشد و از آنجا که تصویب کننده قانون اساسی است در حقیقت مجلس تعیین سرنوشت می‌باشد، نه تنها سرنوشت ما و لعل حاضر بلکه سرنوشت نسل‌های بعد از ما.

آن بود که حضرت آیت‌الله شریعتمداری، مرجع تقیید شیعیان و سازمان مجاهدین خلق ایران، خواستار تشکیل مجلس موسان شدند و صورت های آن را برسرورند. این در حالی است که عنای سی کرده‌اند تا فانجه مجلس موسان را پخواهند و قانون اساسی را شتابزده (وهول‌هولکی) در نموده خود از صوب بکناراند. حضرت آیت‌الله شریعتمداری ضرورت تشکیل مجلس موسان را در مصاخصه‌ای با روزنامه آیندگان پادآورند و در این باره چنین گفت: «بطور خلاصه می‌گوییم: مجلس موسان باید تشکیل شود، عقیده من این است که قطعاً عدم تشکیل مجلس موسان از شناخته بسیار بزرگ است». حضرت آیت‌الله بحث از متعاقب تولد های ایران این سخنان کوتاه و موجز از قاطعه‌تیسی پرخوردار است که شاید پیش از این در سخنان آیت‌الله شریعتمداری نبود. نیز سخنه آن است که حضرت آیت‌الله بحث از متعاقب تولد های ایران دفاع می‌کند و در بسیاری زمینه‌ها با نیروهای مترقب همگامی دارند.

در همین حال سازمان مجاهدین خلق ایران با انتشار بیانیه‌ای با تکیه بر سخنان امام خمینی تشکیل مجلس موسان را خواستارشده است. در

که هیچ سدی را بارای مقاومت نا آن نست و آگون نز علی‌غمبهه توپله‌های عمال امیر بالسم و ارتقایع ناز به سازره در راه آزمان‌های والای خود ادامه خواهد داد. منات و شکایتی انتقامی آنها بالآخر از آن است که ایستونه اعمال ضد انتقامی و دبیه توپله‌گران قادر باشد تا در عمر انتقامی شان خلی وارد آورد. «حداد» باید آزاد شود. این حق بیک انتقامی است، این حق هر کسی است که در راه متعاقب واقعی خلق خویش مبارزه کرده است و مبارزه می‌کند. اما اگر قدرتمندان روز از این مهم سر باز رزند باز جباراک. حمام شیانی چربک قدرانی خلق است. بکنار نا بار دیگر یک چربک قدرانی خلق، آلیه تمام‌نای برخوردهای ارتقایع با انتقامیون صدق باشد. بکنار نا ند محض محکومت ارتقایع در پیشگاه تاریخ گرد. پس چه باک حتا اگر در منع اینان به هنادت رسد. تا همه شما بازهم بیشتر دست‌های آگشته بهخون مرتعین توپله‌گر را بینید. ما میدانیم وقتی که مردم ما وقتی شما حقیقت را بدایند، «هر قطوه خون مغرباً می‌نودد». ما دیدیم شما خلق مبارز چگونه انتقام فرزندان راستین خویش را از هزاران و کاله‌لیان و قدرتمندان روز گرفتید، ما به قدرت شما می‌اندیشیم و میدانیم و اینان داریم که روزی خواهد رسید که عمال امیر بالسم و توپله‌گران مرتعج قصاص اینهمه بی‌عدالتی را در مقابل شما پس خواهد داد.

دولت و نظامیان



سرنگام، پس از مدتها روش شد که دولت اجازه نخواهد داد نظامیان در احزاب سیاسی عضویت بیانند. چندی بود که این ماجرا و کشکش بررسی صوت نظامیان در حزب یا مبارز نبودن به این کار، ادامه داشت تا اینکه روز شنبه ۱۹ خرداد، روزنامه‌ها از قول امیر انتظام، سخنگوی دولت، نوشته‌ند که نظامیان نمیتوانند، در احزاب سیاسی شرکت خویند. امیر انتظام در این باره گفته است که اصولاً در هیچ جای دنیا چه در کشورهای کمونیستی و غیرکمونیستی اجازه نمیدهدند افراد ارش مادام که مشغول خدمت در ارتش هستند ۲ در احزاب سیاسی شرکت کند و با ایدئولوژی‌های مختلف سر و کار داشته باشند و دلیل آن هم واضح است زیرا وقتی اختلافاتی می‌گیرد که ارتش دخالت کند، ارتش نه ایجاد می‌کند که ارتش دخالت کند، ارتش نه چند قسم پاره پاره خواهد شد... ■

به جای گزارشی از تظاهرات
اعتراض به دستگیری ۹ سویاپیست

این درد را به که گوئیم

بررس درستی و یا نادرستی اعتقادات این یا آن گروه خاص است که ماله ، ماله آزادی است و اینکه بود نیروهای دموکراتیک و متفقی در دفاع از زندانی غصیدن را آیین تووان شنایه از نوع حریف باله دیگر داشت ؟ و نظر نسبت قضیه در این است که انتقاد از نیروهای مبارز که پاداران دموکراسی اند ، در این مقطع نه درست است و نه به صلح است . اما آدمی از خود می برد که این قلم که دفاع از این نیروها را هبیت و طیفه نطقی کرده است از سر دل - افسرگی ، چگونه بیود نیروهای را که باید می بودند توجیه کند ؟ مگر نه اینکه دفاع از هر زندانی غصیدن ؟ دفاع از آزادی است و دستگیری هر انان بخاطر اعتقادشان زندانی کردن انسانیت است .

در پایان با احترام و بیوزش خواهش از اینکه گزارش روای مسول نیافت و غیرقابل جاب شد تنها توجهی که می توان آورد ایست که ماجرا در ذات خود متفاق است و در عین حال مرسم . و دریغ و حسرت می ماند و لعنت مه آنانکه آزادی را دستایه دکانهای شنک نظرانه خود فرار دادند تا حرمتن را بگاهند .

این درد را به که گوئیم ؟
با احترام گزارشگران :
فرشیده ابازری - حسین رهرو

مأمور شده است در مراجعت اولیه گفته است که « این ۹ نفر کوشالی لازم دارند و شاید بعداز مدتی آنها را آزاد کنیم » لیکن پس از اینکه آذایان علی هاشمیان و مصطفی هروی و کسانی دادگستری که از تهران برای رسیدگی به موضوع به اهواز رفته اند و با آذایان خلخالی و ستاریان ملاقات کرده اند ، آقای ستاریان علیرغم اتهامات نظر اولیه ، اتهامات دستگیرشگران را جرائم جیلی سکلینی اظهار کرده و در عین حال اجازه ملاقات با آنها را هم نداده است . دو نفر از زندانیان هم اگرتون در زندان کارون هستند و از ۷ نفر بقیه ما هیچگونه اعلامی ندارند . آقای مدنی استاندار نیز در ملاقات باوکلای آقای دادگستری از خود ملب متوسل کرده اند و گفته اند که اساساً اخباری نداشتند و دادرای انقلاب مسؤول این گونه امور است .

ما حایات پاسداران مسلح .
نتیجه : فرار تظاهرکنندگان و پسروری اسلام ۱
والله ظاهرا باید کمی هم چاشنی تحلیل امس در ناره ظهور فاشیم ، تجدید حیات دیکاتوری در قالب انحصار طلبی و ضرورت آزادی به آن بیفارشیم و اینکه در فضای مدارا طهره گرم خمام پر درخت فلسطین من شاهد سایش برادری باشیم و شکوفایی آزادی که باسته این انقلاب است و نمی توانیم چنین گزارش را بنویسیم چرا که اینبار ترازی دیدن در ناره تصاد اقلیت و قدرت به در زیر فناور « حرب اشنه » ، که از دون آدم را من فرسود و چرا که نه ؟ آمانکه می توانستند و باید از این تظاهرات دفاع کنند ، آمانکه خود زیر نشانند ، آمانکه رسالت بسازند هند دیکاتوری را بردوش دارند آمانکه می توانستند گام کمی بالاتر از زندان قالمی اختلافات غصیدنی ، به مفهوم دموکراسی بیندیشند و بیندیشیدند ، آمانکه خود زیر نشانند دموکراسی تبعیض آمیز را به دموکراسی واقعی تبدیل کنند ، اقلیت را تنها گذاشتند چرا که دفاع از آزادی اینبار نه به صلح است بود و نه به صرفه ای .
و آقای سردبیر ، می بینید که آزادی گام چه مقاومیتی دارد ، سخن نه بررس اعتبار و نه

آقای سردبیر روز شنبه ۱۹ خرداد ما مأمور نهیه بیک گزارش خبری در ناره ، تشكیل صفت اعتراض به دستگیری می دلیل ۹ نفر از انصاری حزب کارگران سویاپیست بودیم . رقصم جلو نخت وزیری محل تشكیل اجتماع و مایش بینی حمله « حرب اشنه » و همان داستانی که دیگر نه ناره است و نه دیدیم ، اما تکرار آن از نظر این نمی کاهد و هر چار سترنی به جای می گذارد و خشارتنی با یاد آن خونها که ریخته شد و آزووها که بر سرمان آورد . و ظاهرا ما باید گزارش بنویسیم با این مضمون .

موضوع .
تظاهرات برای آزادی فعالیت سیاسی .
شعارها (پیاده رو سمت چپ) :
ححاد شنبانی را آزاد کنید سه نفر کارگران متنت نفت و ۲۱ نفر کارگران بورد را آزاد کنید ۹ نفر سویاپیست را آزاد کنید به کشان خلق عرب خانه دعید .
شعارها : (پیاده رو سمت راست) :
پرچم غیر اسلام پرچم غیر خلق است ۹ حد اغلابی اعدام باید گردند . و ...
مدت : ۱۰ الی ۱۵ دقیقه .
نوع حسركت : حمله ۲۰ الی ۳۰ نمر
دحزب‌الله‌ی به ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر تظاهر کنده

نایندگان مطبوعات ضمن تحریج جریان دستگیری و اتهامات ۹ نفر از انصاری حزب ، مواضع حزب را در مردم مایل جاری ملکت بیان گردند .

هرمز رحیمان گفت : « نفر از کادرهای خوب ما در اهواز روز چهارشنبه ۹ خرداد بدون دلیل توسعه کیته اهواز دستگیر و نایانگاهه ما اطلاع داریم یکی از آنها بنام محمد شهرابی شکنجه شده و اموال کلیه این افراد ضبط می شود . اهتمامی از قبیل شرک در تظاهرات ضدانقلابی ، یعنی و تکثیر اعلامیه های ضدانقلابی ، اخلاق و توطه که باد آور کلمه به کلمه اتهامات دادرسی ارتش و ساواک در نظام شاهنشاهی است ، برای توجیه این عمل ضد دموکراتیک مطرح می خود .

شخصی بنام آقای ستاریان که از اطراف آیت الله خلخالی برای رسیدگی به بیرون نهاده این ۹ نفر متروکه ای علیه فنا را زمان یافته به نیروهای متفقی تبدیل شد .
هرمز رحیمان دبیر سراسری حزب و بانک رهایی سردبیر روزنامه کارگر در حضور

شکنجه عضو حزب سویاپیست

* حضور من در آن جله، بله،
فوق العاده غیر عادی و بودار بود. رودست
خوردم!

* در تاریخ ما کسانی هم بوده‌اند که به
دستاویز مذهب، متفکران را به خون
کشیده‌اند.

* شما، آقای دکتر وزیر خارجه، تاریخ
را ورق نزدید، آنرا اوراق کردید!



احمد شاهلو

نمونه‌های تاریخی ضدیت با داش و عقل

رابطه امریکائیان خوب و فهیم بادکتو نزدی

کار بسته‌اند و رندانه به این نتیجه رسیده‌اند که شاید «آنچه که (گذا) برای این آقایان غیر قابل تحمل بوده و (گذا) موجب اعتراض است. دعوت از یک مسلمان و آن هم دعوت برای هر فردی نقش اقلایان علمای اسلام می‌باشد»، که به این ترتیب خواسته‌اند گفته باشند که آقایان (یعنی شخص بندی!) هم مسلمان نیست، هم خد ملهمانی هست و هم نقش اقلایان علمای اسلام را متکر. این را می‌گویند اقدام سیاستمدارانه! (که البته من مطلع خیال ندارم از ایشان دعوت کنم که ادعایان را ثابت کنند، بهخصوص در تلویزیون فلسطین). سریل صراط دامن شان را خواهیم گرفت. اما برای اطلاع حضرت شان عرض می‌شود که، دست بر قصنا این مبالغه فقط «غیرقابل تحمل» نیست فوق العاده هم «جالب» است. جراحت اتفاقاً درست همین موضوع یکی از دلایل عدم اراده‌مند بر مسکونکو بودن فعالیت‌های آن «کیته امریکائی» و آن جله کذایی است که ندارگش را آن بخش از کنفرانسیون بر عهده داشت که سایه شما و گروه‌تان را با تبریز می‌زدند!

ابن را شما می‌دانید، من هم می‌دانم، شما می‌دانید که من هم می‌دانم، من هم می‌دانم که شما می‌دانید که من هم می‌دانم! — بعدها، حتی آقای بروفسور فالک و آقای رالفتاون هم همه این مطالب را داشتند، چون خودم حضور به آنها گفتیم.

نکته‌ای که لکتر می‌کنم درست در همینجا

نوکر امریکاکار، استاد فیزیک یا تاریخ فللان یا بهمان داشتاه بودن چه جزیی را رد می‌کند؟ واتکانی، آن افراد امریکائی هستند و برای آنها خدمت به امریکا و سیاست خارجی امریکا لرموا جرم و جنایت نهی نمی‌خودد که هیچ، شاید این سالاد بدر سوختگی و جهان‌خوارگی سوس غلظی هم از «میهن‌برستی» بیندهند. شما در باره (به قول خودتان) «آقای بروفسور فالک» دوست گرامایه و گلستان دکتر سید حسین نصر، چه گونه‌قشاتوی می‌توانید داشته باشید؟ — از پی‌ریطی عبارت که بگذریم، او را «کسی که علیه شرکت امریکا در جنگ و بیان نهضت و سوابق فراوان دارد» معرفی گرده‌اید. دست مریزاد! شما پس از آن همه سال که در امریکا زندگی گرده‌اید هنوز نمی‌دانید که طرح کردن جنگ و بیان به عنوان «موضوعی که افکار عومنی امریکائی‌ها جلوش جیبه گرفته است» سیاستی بود که بورکو ایسی حاکمه امریکا برای انتقال جهانیان از نیکت احتجاجه‌ای که تمام زرداخنه‌اش در آن غلتیده بود پیش گرفت تا بتواند از این طریق عقب نشینی منتظرانه نظامیش را توجیه بودست داده باشد؟ و اقای آدم را نویمی‌کنید آقای و مهندس و بروفسوری را بجهالت بیندهند پس فی الواقع قصدشان این بوده است که به کتابه بنهمانند فعالیت یک جنین آقایان صاحب عنوانی نمی‌تواند «مسکونک» باشد؟ — اگر آقا اسم و رسم و عنوان و اقای بختر آن امریکائی را به عنوان ردیه‌لی هنفی بر اعماقی «مسکونک‌بیون» فعالیت‌های آن حضرات به روح بنده کشیده‌اند. (که البته جز اصل مسئله (یعنی شرک ایشان در آن کنفرانس) در روزگاری که شاهد مملکت با همراهی و عرضش

کفرانس مطلبی و ماله‌لی غیرعادی» و تسوی چشیدنند بود. آیا این مطالبی که مرقوم فرموده‌اید خوشنان را به فکر نمی‌داند؟ راستی برای چه با آن همه اصرار مرا به آن کفرانس دعوت کرد، بودند؟ همه آن آقایان از پیش مرا می‌شناختند و همچنان می‌دانستند که من انگلیس نمی‌دانم. آقای تامبریکس سیار به خانه من تلفن کرد و هنگامی که به او گفتم هنوز من شنیده‌ام، آقای تامبریکس ترجمه نشده است، با آن که من داشت احمد کریمی صالح‌ترین فرد مرا قبول این زحمت است مانع محبت داوطلبانه او شد و با اصرار تمام دوست شما را کاندیدای ترجمه سخنرانی من کرد که خودتان ملاحظه فرمودید چه دست گلی به آب داد: من از رو گفتم او از بدداد. — من هم مانند شما همه این دعوت را «غیرعادی» یافتم و فقط بدمها بود که فهمیدم چه کلکن خورده‌ام. و فقط بدمها بود که معلوم شد «دوستان آمریکائی» وزنه بهتری برای آن یکن که ترازوشان پیدا نکرده بودند. پس بگذارید به آن سؤالان که «چه کسانی مرآ توصیه کرد، بودند» با در نظر گرفتن همه اختلالات دنیا جواب قانون کنندگی بگذارید. اگر نمی‌رددید و اگر قول میدهدید که چنان را به جنگ قلم تفرستید یا زندگویان را بدسوی من کیش ندھید چهار بیشتری پیدا می‌کنم و من توام ساف و پوست کنند در جواباتان بگویم یکی از آن «کسانی» که ممکن است دعوت من «نازه از راه رسیده» را «توصیه کرد، باشد».

و اما در مورد سخنرانی تاذ:

حالا که همان را بازگردانید بگذارید این راهنمکویم که متأسفانه شما در مردم سخنرانی تاذ در آن جله «گرفتار سوئ تفاهمی شده‌اید که انگلیس‌اش بیماری و حشتگار خود حجیم بینی» است. — مرقوم داشته‌اید همه ناظر بودند که چگونه سخنرانی این جانب مردم استقبال فرار گرفت «(به به!) چی فرمودیم)

سخنرانی حضرت تاذ (که با اجازه شما پنه است را می‌خواهیم «گزارشی مخدوش» که به قصد اطیبان خاطر یافتن دوستان نهیه شده بود) به خلاف بنداری که خود در ذهن دارد، به تمام معنی «پرت» بود. بروید و خدای بزرگ را پیاس بگزارید و صدای بدهید که انگلیس ندانست من شما را از بذریین مخصوصه‌ی که ممکن بود در تمام طول عمرتان گرفتارش بتوید نجات بعثید. اگر من همان جا در جله کفرانس بی‌مرده بسوم که شما بدجه مجموعه و حشاسکی از دروغ و حعل

رسیده بودند و هنوز هم زبان انگلیس را بلند بودند پس به توصیه و معرفی چه کسانی برای ایشان برنامه کذاشته بودند؟ (البته ایشان دقیقاً روش نمی‌کند که «توصیه کنند» و ازان بهتر «تحمل کنند» من به آن امریکائی های خوب و شریف بدراست «چه کسانی» می‌توانسته‌اند باشد، ولی خود روحی بدجنیس ذاتی و لامس «حد انقلابی» و «طاچوتی» که در نهاده است نکنند. این کنم باشد منظورشان سردمداران و عوامل یکی از دستگاه‌های مفصله‌الامام زیر باشد: در بیان نامه، دار و دسته فریادون بودند، بینیاد شاهنشاه فلسفه سید حسین نصر، دفتر مرکزی آقای احسان پارشامل، عوامل ساواک و اردشیر زاده‌ی، سازمان سیا آزمایشگاه کوکاکس کلان، کمیته کیفی «حزب کمونیست آمریکا»، سازمان کا.ک.ب، ارکستر فیلامونیک بوتسون، و بالاخره — به مفهوم امروزی کلمه: حد انقلاب علیه‌الله).

مع ذلك جواب مقام منبع وزارت سازمان است:

او لا که بند ظاهرًا فقط بسایر کسانی «ناشناس» و «نائز» از راه رسیده هست که از یک سو سالیان درازی از عمر خود را در دامن «نامادری وطن» بعسر برداشت و از سو دیگر مطلقاً با فرهنگ فارس سر و کاری ندارند و با آن یکسره بیکانه‌اند (که این موضوع اخیر از خط و بسطشان هم پیداست).

نانیا از جمع بندی معلومات ساله به راحتی می‌توان به این نتیجه رسید که دعوت از بن برای سخن گفتگو در جمیع که یک شخکوچ هم شا بوده‌اید دقیقاً نوعی نعل و اروزه زدن بوده است. در حقیقت، آقای دکتر، بند اقرار می‌کنم که در آن ماجرا، خلیل ساده در مردم سخنواره‌ام. زیرا کم‌ترین نتیجه حضور در آن جله این بود که منظور اصلی آن آقایان را از برگزاری آن کفرانس پنهان می‌گردد و به شرکت کاسلا بودار شما در آن جله رنگ دیگری می‌داد، کما اینکه خود شما نیز امروز سعی می‌کنید حضورتان را در آن جله جیب آمریکائی‌الامام مأموریتی کلیسا آلسوار و اشکن، با اینکه شرکت من در آن کفرانس توجیه کیشد. بگذارید یادواری کنم که آن جله مدت‌ها بعد از شرکت افتتاح آیین «سفر ملوکانه» و در آستانه نومیدی مطلع طراحان سیاست خارجی آمریکا از خود رزیم دیکاتوری محضرها پهلوی تشکیل من شد.

خودتان هم نوشتند اید و درست هم نوشتند که بند، انگلیس نمی‌دانم و سخنرانی به قول شما طولانی را مرای عده‌نمی‌آمریکائی به فارسی ابراد کردم و این به تصدیق شرکت کنندگان در تایید روش کنم این است که اگر چه مقام منع وزارت دو بار سعی کرده‌اند الفا کنند که دعوت کنندگان ایشان «آمریکاییان خوب و همیش» بوده‌اند، از آنجا که هنوز علی‌رغم شغلشان کاملاً «دیلمازیر» نشده‌اند بدون توجه بند را آب داده‌اند. منظور آن جاست که در «معرفی» مترجم سخنراوی من، او را «از اعیان ایرانی همین کمیته و واپسی به همان گروه‌هاز کنفرانس ایشان ایرانی (!)» مرقوم داشته‌اند. البته ایشان را نهاد «یکی از دوستان آقای شاطلو» هم به قلم داده‌اند که بند شخصاً با خواندن این عبارت از رو رفتم، چون ایشان به خلاف فرمایش آقای وزیر ازدواستان نزدیک آقای ابراهیم بیزی بودند در رکاب آقای بیزی به واشگتن آمده بودند و هشتمی که ما به خانه حضرت تامبریکس رسیدیم، آقای بیزی شاهد بودند که موقعیت دادن خودمان را به یکدیگر معرفی کردند. امّا حضورشان یاد نمی‌آید ولی در ترجمه سخنراوی بند جناب خرابکاری جانانه‌تی فرمود که میتوانست در نظر آقای وزیر خارجه آینده کاملاً «دشمنانه» تلقی شود.

باری، آقای وزیر دیلمازی ایران با این عبارت «همان گروه از کنفرانس ایرانی» آمده‌اند ایرو را درست کنند چشم را ک سور فرموده‌اند. خواسته‌اند با صحت بسایر پیش‌با افتداده تجاهل العارفین تظاهر بی‌لطفی کرده باشد به آن حد از «مفهومیت» که، فی المثل: شاهد پایشید سلطانان، که من حتی اسم صحیح این گروه‌ها راهم آخوند نتوانست درست یادگیرم! ولی به اختصار زیاد به کارزدن این شکرد کار دست آفای داده: منظورشان البته کنفرانس ایشان داشت‌چویان ایرانی» است، و به این ترتیب، اقرار آقای دکتر بیزی به حضور آن گروه در شورای هرگزی آن کمیته آمریکائی، تاییدیه دیگری است برآیند من نامش را «روابط پنهان و تاریخکویی» داشت‌هایم، یعنی آن بندۀ‌ای پنهانی که عروسک‌های خیمه‌شب باری جنابند.

گمان می‌کنم یکی از آن «خطاب بی‌اس» بند که آقای وزیر خیال داشتند در نامه خود تکذیب کنند و بعد به کلی از حاضر شان رفت همین نجات‌نایابی ایشان که انتشار بدجوری لای دست‌وپالشان پیچیده.

از دیگر نکات نامه ریاست فائمه دیلماز افلاس ایران، یکی اصرار ایشان است به نکار این به اصطلاح «برهان قاطع» که: اگر قول دعوت آمریکائی‌ها جرم بوده، چرا من شرکت نهاد در آن جله را جرم نمی‌دانم؟ و در همایش امر، بدنبال این عبارت افروده‌اند: «ایشان (یعنی بند شرمنه) که تازه‌نفس از راه

کد از نصوص دینیه و لغویه هنری بسیار در حفظ داشت بر عالمی که قایل الحفظ و کثیر التفکر بود رجحان یافت . . . اکرام محدث و فقیه بر بزرگداشت فیلسوف و متکثر فرزونی یافت . درنتیجه، فلسفه و سایر علوم عقلی از رواج افتاد تا به جایی که ظایر محمد بن زکریا و ابونصر و ابو ریحان و ابوعلی حکم سیدر غ و کیمیا یافتند و جای شخصیت طب و طبیعتیات و ریاضیات و منطق والهیات را فهمها و محدثین و مفسرین و متكلمين شعری و کرامی و جز آنان گرفتند .

[هانجا ، ص ۱۳۵]

* از قضیده‌ئی که فرخی در تهنیت فتحی (بدست سلطان محمود غزنوی) دارد اتهام اهل ری به عقاید دھری نیز هویاست . و این اتهامات را آن چه نظام الملک درباره مجدد الدوّله دیلمی و پیروان تسبیح و اعتزال در عراق آورده است کامل می‌کند . وی در سیاست‌امنه به آنان نسبت نفی صانع و اعتقاد به عقاید باطیان و وزناقدۀ می‌دهد و ایشان را در شمار بدنه‌های می‌آورد . باظهور تنصب مذهبی و رواج سیاست دینی در ایران از قرن پنجم به بعد، آن از امی عقاید که تا اواخر قرن چهارم وجود داشت ازهیان رفت و جای خود را به نتفت و خشکی و سبل مغزی داد و از اینجاست که می‌بینیم از این پس یا صاحبان آراء فلسفی به سختی هور تدقیق واقع شدند و یا ناچار گردیدند که عقاید خویش را به شدت و بیشتر از سابق با آراء اهل مذاهب بیامیزند . . . در مدارس از قرن پنجم به بعد تعلیم و تعلم عنوم عقلی‌منوع بود و جز ادبیات و علوم دینی چیزی تدریس و تحصیل نمی‌شد . . . در قرن ششم و هفتم کتابخانه‌های عظیم بر باد رفت و حوزه‌های علم برچیده شد و علوم عقلی که با آن معه رونق و شکوه در تمدن اسلامی استقبال شده بود راه اندراس و انطomas گرفت .

[هانجا ، ص ۱۳۶]

* اصولاً پیشوanon دین و فقها و زیارات در هیان اهل سنت و جماعت، علمی را که نفع آن برای اعمال دینی ظاهر و آشکار نبود عدیم الفائد می‌پندشتند .

[مجموعه الرسائل التکری، جلد ۱، ص ۴۲۸، به اختصار]

* نگاه داشتن این گونه کتب نیز منجر

* متوکل، جدل و مناظرة در آراء را متنوع ساخت و هر که را بدین کار دست زد ججاز نمود و اهر به تقليد داد و روایت و حدیث را اشتار کرد .

[ترویج الفه، ح ۴، ص ۲۴۶]

* سختگیری نسبت به اول بحث و نظر و استدلال از این هنگام شروع شد و اندک اندک به نهایت شدت رسید، چنان که اگر پناهگاه‌های امنی برای این فرقه در ظل حکومت‌های بیوهی و سامانی تشکیل نمی‌شد بیم فنای آنان در قرون چهارم و پنجم هی رفت .

[تاریخ علوم اسلامی در تمدن اسلامی، ح اول، ص ۱۴۶، به اختصار]

* غالباً عصر ترک بر دستگاه خلافت نیز بدین امر یاری کرد و سادگی ذهن و تعصب ذاتی این قوم، به اهل حدیث و فقها و متعصبین فرست یعنی نوئی برای آزار صاحب‌نظران و فیلسوفان و عاقلان قوم داد .

[الیقونی، ح ۳، و طهرالاسلام، ص ۴۳]

* این اعماال هنگامه فرسته‌های هناسی برای اهل سنت و حدیث و فقها و محدثین در آزار مخالفان خود که همه‌هایم به گفروزنده و الحادبودند-مثل ریاضیون و فلاسفه و متكلمين ممتازه - به وجود آورد و این فرست را ظهور اشعری و تشکیل فرقه اشاعره کاول کرد .

[تاریخ علوم اسلامی در تمدن اسلامی، ح ۱، ص ۱۳۵، به اختصار]

* زیان‌هایی که جلوگیری از بحث و نظر و اعتقاد به تسلیم و تقليد براندیشة بحاث مسلمین وارد آورد بی‌شمار، واز همه آنها سختتر آن است که با ظهور این دسته در میان مسلمین، مخالفت با علم و عناد با تأمل و تدبیر در امور علمی و تحقیق در حقایق و انتقاد آراء علمای سلف آغاز شد، زیرا طبیعت محدثین متوجه به وقوف در برابر نصوص، و احترام آنها، و محدود کردن دایرۀ عقل و احترام روایت بدین‌گاه علی و منحصر ساختن بحث‌ها در حدود الفاظ است . این امور سبب عده ضعف تفکر و تفضیل نقل بر عقل و تقليد بدون اجتهاد و تماس بمنصوص بدون تحقق در مقاصد آن وبغض و کراحتی نسبت به فلسفه و اجزاء آن و در آوردن متفکرین در شمار محدثین و زنادقه گردید . . . آن چه در کتب بود برآن چه در عقل محترم است برتری یافت و عالمی



تاریخ «سحرانی مبدل و منطقی» نام دارد، امروز از آن روز نوم یعنوان تلحیث ترین خاطره عمران یاد می‌کردند، زیرا بدون تعارف آسای وزیر، بین‌ناجیز فی المجلس، به نسام معنی اصطلاح، چنان پنهانی از جانatan می‌زدم که برای همیشه خیال علی‌زادن پیش لوطی اخراج همارکستان برود، و شب‌دار اس : منظمه‌من آرا چاب بفرعاید، کیه حاضر است .

شماکه احتمالاً از کلمه «روشنکر» کسانی جون هوشتنگن‌هاوندی و شناهدان‌شجاع بر ایان تداعی می‌شود، مط آن «گزارش» - متنی می‌شیرستیم - کل حركت فرهنگی این ملت روس را منکر نمید و در حقیقت دانه و ندانه به لحن کشید . یادنام هست که فرمودید روشنکران ایرانی هیته به این مملکت خیانت گردیدند (با جزی در این معنی) ؟ همان طلیع که احمد کریمی را وادات شما را با استخار عقیده‌تان درباره شیخ فضل‌الله، کسانی‌ها، بهبهانی‌ها و امثالیم به صلاسه بکند - آن خدنه قبا سوختگی تان را که وقته در میانند تحویل مخاطب می‌شید آن روز برای اولین بار دیدم، و درست تر سخنه باشم : در راه بازگشت که دوستان مذاکرات هر بوط را ترجمه کردند، تعلیق کردم !

شما آقا شهامت آن را ندانیدند که وقته قاعده‌تی می‌ترایید نست کم به استنایهای هم اشاره‌ای نمکنید . شما چنان مطلق گرایی و حشناکی هستید که سکه‌تان یکرو بیشتر ندارد و البته نباید ازتان توقع داشت که بتوانید در همان حال که در من ملک، در این مملکت جانان‌ترین حركت‌های اندیشه و فرهنگ تاریخ بشریت صورت گرفته است، کسانی که فلسفه را «علم تعلیل» می‌نامیدند و از هنر و فکر خلاصه بی‌نیازی و بیزاری می‌نودندند و بین شاهنشاه باورنگاردنی لغز می‌گردندند متنکر ترین مفهای سازنده همین فرهنگ را به دستاویز ملک به خون کشیده‌اند .

شما در گزارش تان چشم بر این حقایق بستید اما تاریخ مثل کوه سرجای خود ایستاده است و به خاطر شما از نقل فاجعه کوتاه نمی‌آید :

کرد اـ شما تاریخ را ورق نزدید ، آن را اوراق
گردید.

من پیشنهاد من کنم هر چیز و دتر آن « سخن اس
ستدل سلطنت » را جای کنید تا همه بخوانند و
درین بند که فی الواقع و فتن می گویند « بیهوده
سخن بدین درازی بیود » استثنای حکم را در نظر
نمی گیرند.

اما ، از همه جیز « گذته » ، آقا ، شما که مانشاء اله
اینقدر حوصله دارید که به هر « مطالب بی اساسی »
حوال می نهید جرا درخصوص « انساد رابطه شاه
با مقامات امریکانی » که گفته می شود به موضع
از سفارت ایران در واشنگتن پسرفت رفته است و
ظاهر اـ آقای دیگر - داماد شما - در این امر
دخالت مستقیم داشته است این جوهر مثل ماهی
سکوت فرموده باید ؟

« مطالب (انشاعله) بی اساسی » که باید
درباره اـ اش خوب بریند و توضیح بدهید ، جیز هالی
است که در این رابطه درخون مردم می گذرد.
خوب علاقی کـه اشخاصی از قبیل پـنهـه بنویستند
در حقیقت بـاد هـوـاـت ، اـما سـکـوتـ شـاـ دـرـقـبـالـ
سـالـیـ اـسـاـ اـرـآنـ گـوـنـهـ باـعـتـ حـرـفـهـالـیـ مـیـ شـوـدـ
کـهـ دـیـگـرـ بـادـ هـوـاـ نـیـسـتـ ، توـقـانـ اـسـتـ . اـزـ بـندـهـ
بـیدـرـیدـ.

احمد شاهلو

فاقد هر نوع شغل وزارتی

نخواهند دید و همه علمای کلام زندیقند.
[تنبیه ابلیس ، ص ۸۴]

* علم هندسه از علوم مکروه شمرده
می شد و اشکال هندسی به مثابة اشکال
طلسمات و نیز نگیات جلوه می کرد و
حتی دوائر عروضی را هم محاکوم این
حکم قرار داده کـسـیـ رـاـکـ کـتابـ عـروـضـ
و دـاـیـرـ آـنـ درـدـتـ دـاشـتـ بـهـ الـحـادـ
مـتـصـفـ مـیـ كـرـدـ.

[الاشغالی ، جلد ۱۷ ، ص ۱۶]

* این عباد (از وزرای معروف قرن
چهارم) با همه روش بینی به هندسه با
نظر بعض مـسـنـگـرـیـسـ وـ هـمـدـسـیـنـ رـاـ
احـقـ مـیـ خـوـانـدـ.

[معجم الادباء ، ج ۴ ، ص ۱۷۳]

* فخرالدین رازی معتقد بود کـهـ
معرفت عالم سـاـواتـ اـزـ طـرـیـقـ اـخـبـارـ
بهـترـ مـیـرـ استـ تـاـ اـزـ طـرـیـقـ عـلـمـ فـلـکـ .

[لـلـزـبـرـ ، مـقـالـهـ يـادـشـمـ]

* جـاحـظـ مـتـكـلـمـ مشـهـورـ مـعـتـلـهـ کـتابـیـ

در رد علم طب داشت .

[الفهرس ، ص ۴۱۸]

گـرـارـ شـاـ بـدـوـسـانـ آـمـبـکـائـیـ ، آـقـایـ
وزـیرـ ، هـدـفـ دـانـ اـنـ اـطـیـانـ خـاطـرـ بـداـنـهاـ بـودـ
کـهـ غـرـبـهـ تـارـیـخـ ، بـعـثـتـ شـاـ وـ دـوـسـانـ شـاـ ،
بـسـلـامـتـیـ ، دـسـتـ کـمـ عـقـبـ کـرـدـیـ هـرـاسـالـهـ خـواـهدـ

بد انعام صاحبان آنـها بد کـفـرـ وـ زـنـدـقـ

وـ الـحـادـ هـیـ شـدـ . اـینـ اـثـیرـ درـ حـوـادـتـ سـالـ
۲۷۹ هـیـ نـوـیـسـ کـهـ درـ اـیـرانـ سـالـ صـحـافـانـ
وـ کـتـابـفـروـشـانـ اـزـ فـرـوشـ کـتـبـ کـلـامـ وـ
جـدـلـ وـ فـلـسـهـ مـفـنـعـ شـدـنـ . سـوـزـانـدـ

کـتـابـهـایـ فـلـسـهـ وـ آـزارـ صـاحـبـانـ آـنـهـاـمـ

درـ قـرنـ پـنـجـ وـ شـشـ اـمـرـیـ مـتـادـ بـودـ وـ

ماـ درـ مـنـتوـنـ تـوـارـیـخـ بـهـ نـدـوـنـهـاـئـیـ فـجـیـعـ

ازـ اـینـ کـارـ باـزـ مـیـ خـورـیـمـ .

[لـلـزـبـرـ ، مـحـمـوعـهـ التـرـاثـ الـيـونـانـیـ ، ص ۱۴۳]

* مـخـالـفـتـ اـهـلـ دـینـ بـاـ فـلـسـهـ بـیـشـترـ
درـ هـوـضـوـعـ الـهـیـاتـ اـرـسـطـوـ بـودـ . فـلـسـهـ رـاـ
راـ گـذـاشـتـ اـزـ اـشـتـهـالـ بـرـ سـقـاهـتـ وـ حـقـ

عـلـمـیـ مـکـرـوـهـ دـانـسـتـ غـالـبـاـ فـلـسـهـ رـاـ بـهـ

کـفـرـ وـ الـحـادـ نـبـتـ دـادـ وـ حتـیـ مـتـكـلـمـینـ

راـکـدـ بـاـ فـلـسـهـ آـشـنـائـیـ دـاشـتـ اـزـ مـلـحـدـینـ

شـرـهـاـنـدـ .

[تـارـیـخـ عـلـمـ عـلـیـ ، ج ۱ ، ص ۱۶۰]

* اـبـلـیـسـ درـ فـرـیـقـنـ فـلـسـهـ اـزـ اـینـ

رـوـیـ قـادـرـ شـدـهـ اـسـتـ کـهـ آـنـاـنـ بـهـ آـرـاءـ

وـ عـقـولـ خـودـ بـسـنـدـ کـرـدـهـاـنـدـ ، وـ زـمـنـیـ رـاـ

سـتـارـهـیـ درـ مـیـانـ فـلـلـکـ فـرـضـ کـرـدـهـاـنـدـ ،

گـفـتـدـ هـمـهـ قـوـهـ وـ ذـاتـ سـانـعـ درـ عـالـمـ

وـ وجـودـ وـازـ جـوـهـرـ لـاهـوـتـ اـسـتـ . بـعـدـاـ

ابـلـیـسـ گـرـوـهـیـ اـزـ مـلـمـانـانـ رـاـ فـرـیـقـهـ

ایـشـانـ رـاـ درـ شـعـارـ اـیـنـ فـرـقـهـ فـلـسـهـ

درـ آـورـدـ کـهـ گـفـتـارـهـاـ وـ کـرـدارـهـایـشـانـ

دـلـالـتـ بـرـ نـهـایـتـ هوـشـیـارـیـ اـیـشـانـ دـارـدـ

وـ اـینـ قـوـمـ رـاـ اـزـ عـلـمـ هـنـدـسـیـ وـ مـنـطـقـ وـ

طـبـیـعـیـ اـطـلـاعـ بـودـ وـ بـهـ هوـشـیـارـیـ اـمـوـیـ

پـینـهـانـیـ رـاـ اـسـتـخـارـ وـ کـشـ کـرـدـنـ مـگـرـ

آنـ کـهـ چـوـنـ اـزـ الـهـیـاتـ سـخـنـ گـفـتـدـ درـ

اـشـتـهـاـنـدـ وـ سـبـ اـشـتـهـاـنـ اـیـنـ اـسـتـ

کـهـ آـدـمـیـزـاـدـ هـمـهـ عـلـمـ رـاـ درـ رـکـ نـیـ کـنـدـ

وـ درـ اـیـرانـ گـوـنـهـ مـوـارـدـ بـایـدـ بـهـ شـرـایـعـ

مـرـاجـعـ کـرـدـ .

[تـنبـیـهـ اـبـلـیـسـ ، ص ۴۵]

* اـگـرـ بـنـدـهـیـ بـهـ هـمـهـ مـنـهـیـاتـ خـداـونـدـ

غـیرـ اـزـ شـرـکـ دـچـارـ شـودـ بـهـترـ اـزـ آـنـ اـسـتـ

کـهـ درـ عـلـمـ کـلـامـ نـظـرـ کـنـدـ . اـگـرـ شـنـیدـ

کـهـ کـسـیـ بـگـوـیدـ اـسـمـ ، مـسـیـ وـ غـیرـ

مـسـمـیـ اـسـتـ شـهـادـتـ دـهـ کـهـ وـیـ اـزـ اـهـلـ

کـلـامـ اـسـتـ وـ دـینـیـ نـدارـدـ . وـ حـکـمـ منـ

دـرـ بـابـ عـلـمـیـ کـلـامـ آـنـ اـسـتـ کـهـ آـنـ رـاـ

بـهـ تـازـیـانـهـ بـزـنـدـ وـ درـ مـیـانـ عـشـائـرـ وـ قـبـائلـ

بـگـرـدـانـدـ وـ بـگـوـیدـ اـیـنـ سـزـایـ کـسـیـ اـسـتـ

کـهـ بـهـ کـلـامـ روـیـ آـورـدـ . اـحمدـبـنـ حـنـبلـ

گـفـتـ کـهـ اـهـلـ کـلـامـ هـیـچـ گـاهـروـیـ رـسـتـگـارـیـ

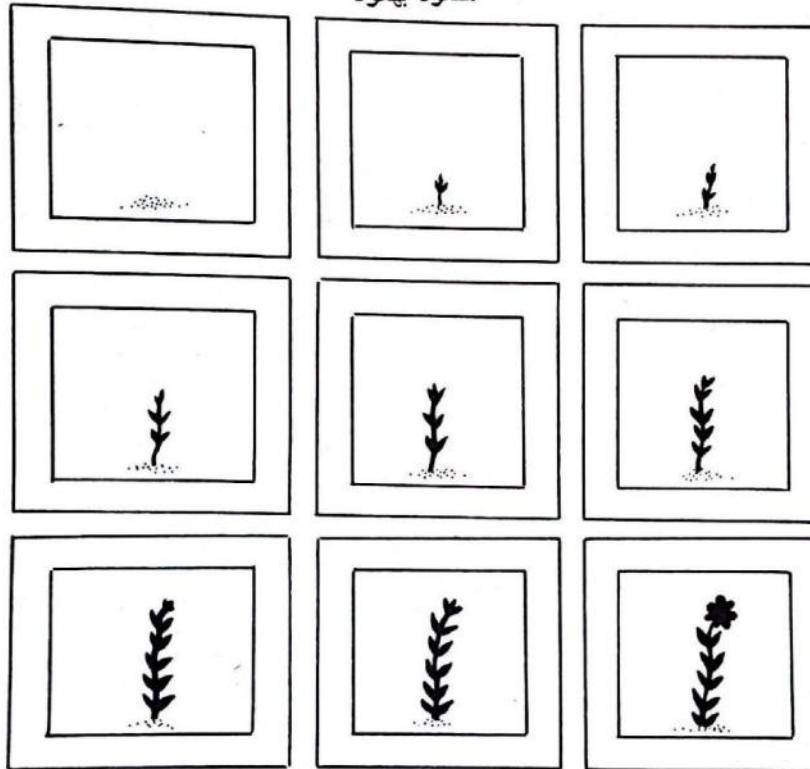


مقالات

حتی اسلامی کردن کامل جامعه نیز به
اهمیت حفظ یگانگی برای مقابله با دیسیسه
های امپریالیسم نیست.

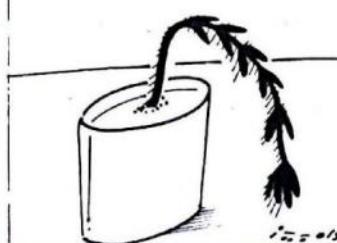
کاری مهمتر از این فداریم

سعود یهندو



درین ماجراهایی که در افغانستان می‌گذرد، پس از آشکارشدن ضرف اعراب در متروی گردن مسر (در حقیقت سادات)، کم نیستند مفسران جهانی که حالا دیگر انقلاب ایران را در مجموع حرکت‌های منطقه نه به عنوان جزو ازیسات امریکا برای بستن حلقوی بدور شوروی — بلکه به عنوان یک حرکت انقلابی، یک قیام ضد امپریالیستی می‌نگردند. جو روح بال سیاست‌دار قدیمی امریکائی که در آخرین روزهای حکومت شاه از طرف کاخ شفید

* نیروهای ترقیخواهی که مخالف تأثیده می‌شوند، به مرأت به امام فرزدیک ترند، تا اطرافیانش.



* کدام ذهن بیمار، توصیه کرده است که چنین بی‌موقع مجلس مؤسان حذف شود، بی‌آن که جامعه توجیه شود؟

<p>قدایی خلق ، مجاهدین خلق ، جبهه ملی ، و کیلان دادگتری ، کائونون نویسندگان و جناحها و گروههای متابه دیگر، به مراتب بر هر انقلاب نزدیک ترند. تا امراض ایان غلیزان.</p> <p>دست کم در این مرحله از انقلاب که گفتگی مهمنتیں کارما مقابله با مسیسه‌های امیریالیسم منطقی نیست. فرهنگ بالا را بگیریم : امیریالیسم است، جبهه متحده از آقای خمینی — و این گروههای مثلاً مخالف و ملاجی — بدون حضور پاسداران ارتفاع و سریبدگان غرب ، تنها فورمول موثری است که این مبارزه را بدنباع ملت ایران پایان خواهد داد.</p> <p>درینهای صورت امیریالیسم موقع خواهد شد، هرچرا که خواهد توانت یکی از این دو حالت را براین جامه حفظ کرد: ۱- چنگ داخلی و آتش‌افزیهای منطقی ایانچان که سکوت را ازویله اصلی خود در مبارزه با مطامع استماری آنان تصریف کند. از جمله انتظار اصلی آنها را برآورد و چسب کشیده بیندازند، تکرار خواست خوبینی که در طرب دریسیاری از قطع دنیا برای این گروههای مترقب پاشایلات چپ، بوجود آورد.</p> <p>۲- یک کودتا. کودتا که الزاماً به قصد سرنگون کردن حکومت جمهوری اسلامی خواهد بود، بلکه درین آن عمل خواهد کرد. دستاوردی خواهد تراشید که محتمل ترین آن ایجاد انتی پواستار حکومت انتخابی و حفظ شاخص اسلامی است. و در باطن، ایجاد یک دیکتاتوری نظامی راست، که تیپه آنرا در منطقه بسیار می‌بینیم و اصولاً در سراسر جهان فراوانند (نکاء کنید به خشکنهنگاری‌های امریکای لاتین که چه اختلاف پدید آورده، چه کشتنی می‌کنند).</p> <p>بعنوان مثال یک نشست مطلع می‌شود: یک هنده است که بدنبال طرح ناگهانی ماله متفقین مجلس موسان آتش‌افزای هنگامه متفکر جامه، به جان حکومت افتدادند، آنوبن برای شده است، که می‌بینید. سوال ایست که: چه ضرورت داشت، این نشانی ایست، این حرکت ضدآزادی را کدام ذهن بسیار بر هریه انقلاب توصیه کرد آن گیرم بدليلی از دلایل، که تصور نمی‌رود، برای این تضمیم توجیهی مطلق وجود داشت. هر این توجه در اغیار ملت قرار نمی‌گیرد؛ تا بداند مخالفت نکنند. اروز است همه فریاد بر می‌دارند: هر ۲ و تنها یکی از اصنای شورای انقلاب توجیه کرده است که « وقت نداریم آنجلی موسان دفع ال وقت است » ۱۱</p> <p style="text-align: center;">***</p> <p>به بیان دیگر: به جای ماله ماله و پرداختن، به جای آتش‌افزی و خشن؛ به جای محدودت و ... باید از دیدگاه خلیفه حفظ اتحاد بود، گرگهای در گین ما نشانند. یعنی: جبهه دمکراتیک چه ریکمای</p>	<p>ماهوربررس اوضاع سیاس ایران شده بسود و به حال از جمله اکاهان مایل ایران و این منطقه جهان است، خنده‌گذشته و نفسیزی که در حقیقت توصییه بود به حکومت واشینگتن و در هرالد تریبون چاپ شد، تصویری بدست داد که نشان می‌دهد آنها بدما و قیام ما چنگونه می‌نگردند و درباره ایران امروز بیکوئه می‌اندیشند.</p> <p>در این مقاله بال تاکید کرده بود که در این بیرونیهای به جای ملکه پادشاه باهم بدهان یکدیگر افتداده اند، باید صیر کرد و دید از میان این جنگ فرایش کدام بیرونها پیشوند، آنکه با آن بیرون می‌شوند و آنچه که پیشکش کرده، آن جناب که پیش از میان این سرمه دارد، باید می‌گردید که در این انتظار برقار کرد — جناب سیاستدار در پایان نوشه است که « البته امریکا نشان داده است که در میزنه سیاست خارجی شکنی نیست و هیچگاه سیاست صیر و انتظار دریش نکرته است. »</p> <p>بدون توجه به نادرست استنتاج‌های جوهر بال که شبیه است به تئیه تفاسیر و برداشتهای بیشتر مقران و متلا صاحب نظران غربی ، این نوشه نشان می‌دهد که جهانیان در انتظار برخوردیهای خودین و سخت دلایل اند و احیاناً خود را موضع به ایجاد فضاهای مناصب برای ایجاد چنین مصادحته‌هایی، می‌بینند. بدینسان ساده تر اگر تضادهای که در عمق جامه نصلی — مثل هر جامعه ایزند وست و آزادند، دیگری — وجود دارد، آنچنان که آنان شنیده اند، به برخوردیهای شدید نرسد. اگر برخوردیهای نکاران را — و بجزع مجهانخواران شاهی افزای از کار نشود، آنوقت است که باید در انتظار روزهای سخت از اینست بود، برخوردیهای که از سالهای سالبیش — انتصار جهانخوار وقت — بذر آنرا در این پایشیده است.</p> <p>در گذوری که در هرسوی آن یک قوم زندگی می‌کنند که پرسوهای آنان در آسوی سرزم تزمیک سکنی دارند ، و این خطکش و مرزیندی، بسته بودن هر مرز و مهارگردن آنرا غیر ممکن می‌کند. در گذوری باشیوخ ذهب و نیازاد و خصوصیات فرهنگی ، چون ایران ، تحریک و آتش‌افزی برای آنها که سالیان دراز در این مساحت و در این زمینه تجربه و ساخته دارند، ممکن نیست.</p> <p style="text-align: center;">***</p> <p>با مقدمه‌یی که گفته شد مهمنتیں وظیفه‌های آنها که بدینسان من اندستند و امکان تبلیغ و انتشار نظرات خود را دارند — اعماز رهبران مذهبی و سیاسی جامعه آن روش‌نکران، روزنامه —</p>
---	---

نظرخواهی از شاعران
و نویسنده‌گان درباره لایحه مطبوعات

این لایحه مطبوعات نیست خیانت به آزادی است

بیتواند شریه‌ای را توفیق کند یا به حاکمه
بکند در این قانون به صورت مهم و قابل تعبیر
ذکر نده است، بطوریکه اگر این قانون به‌اجرا
مذکوه نود هیچ وزنname و وزنname نویسی از
عرض مقامات دولتی و «غيردولتی» در امان
نخواهد بود.

حتی هیئت منصبه‌ای که در این قانون
بیشینی شده است از طرف مقامات دولتی انتخاب
می‌شوند و به خود روزنامه‌تکاران و سندیکا و
سازمانهای صنفی آنها هیچ توجه نشده است،
معنی چنین ترتیبی این است که هیئت منصبه
تحت نفوذ مقامات دولتی خواهد بود و نعیوان
امیسوار بود که چنین هیئتی در برایر قدرت
دوقت — که در دعای مطبوعات غالباً طرف اصلی
روزنامه‌تکاران را تکلیف میدادی کند.
جزیمات دیگر این قانون هم از قانون
مطبوعات بیشتر بیشتر نیست و فرالن فراوانی
نشان میدهد که این قانون از روی قوانین بیشین
نوشته شده است، از جمله اشاره به قانون اساسی
سابق که خیلی باعث تعجب است.

اصولاً دلیل عجله در تدوین این قانون
روشن نیست.

متفق‌تر این است که ابتدا منتظر شویم تا
قانون اساسی جدید ایران تدوین شود و بese
تصویب بررسد، و آن وقت اگر براساس قانون
اساسی جدید قانون مطبوعات تنزه را داشت (و
این لذتمندی است که به هیچ وجه مسلم نیست).
آنوقت دست به تدوین قانون مطبوعات بزند. در
شرایط فعلی که در تدوین قانون اساسی پیش
شتابی دیده نمی‌شود، شتاب کردن در تدوین قانون
مطبوعات، مطبوعاتی که پس از سالها اختناق
تازه دربرگزین افق‌گشای آزادی خود را بست‌آورده‌اند
عجب به نظرمی‌اید. اصولاً قانون مطبوعات دولت
القلاب باید برای تأمین آزادی مطبوعات تهیه شود
له برای ایجاد محدودیت در مطبوعات و درموره
قانون حاضر باید گفت که از آغاز تا انجام آن
فرض نویسنده یا نویسنده‌گان قانون جزئی جز
ایجاد محدودیت نبوده است.

* در شرایط کنونی که هیچ شتابی در
کار قانون اساسی نیست، شتاب برای
تمویب قانون مطبوعات شافت‌انگیز است
* بیشتر بود به عنوان آرم قانون سرهای
بریده فخری یزدی و محمد مسعود و
جهانگیرخان صور اسرافیل را انتخاب
می‌کردند.

* کار به جایی خواهد کشید که دیگر
هیچکن به هیچ صورت نخواهد توانست
در برایر انقلاب سخن گوید.
* این لایحه با آنچه در زمان طاغوت
مطرح شده بود تفاوتی ندارد.
* به دولت نیامده است که قانون مطبوعات
بنویسد و از این دخالتها بکند.

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات :

این قانون به هیچ‌وجه آزادی مطبوعات را
تامین نمی‌کند.

او لا ممکن امتیاز نه تنها از بیش پایی
روزنامه‌تکاران برداشته شده، بلکه بزرگتر هم
شده است. به این ترتیب که علاوه بر راهبردی
امتیاز، مدیر مسئول هم باید به وزارت ارشاد
ملی معرفی بشود که دارای همان شرایط صاحب
امتیاز باشد.

همچنین شرایطی که برای صاحب امتیاز و
مدیر مسئول ذکر شده است شرایطی عینی نیست،
بلکه شرایط اندکاری است که هر وزیری ممکن
است آنها را به سلیقه خود تغییر کند، بلکه در
از اینکه در هر حال حاکم نهایی در این قانون
وزارت ارشاد ملی است، بطوریکه این وزارت‌تخانه
بیتواند بدون هیچ توضیحی از دامن امتیاز
خودداری کند، یا امتیاز موجود را لغو کند.
تاایا در این قانون قید نده است که روش
هر روزنامه باید بالای آن گلبه شود، و این
بدعت نزدیک است که هیچ جایایی ندارد و مسلماً
منجر به محدودیت آزادی مطبوعات می‌شود.

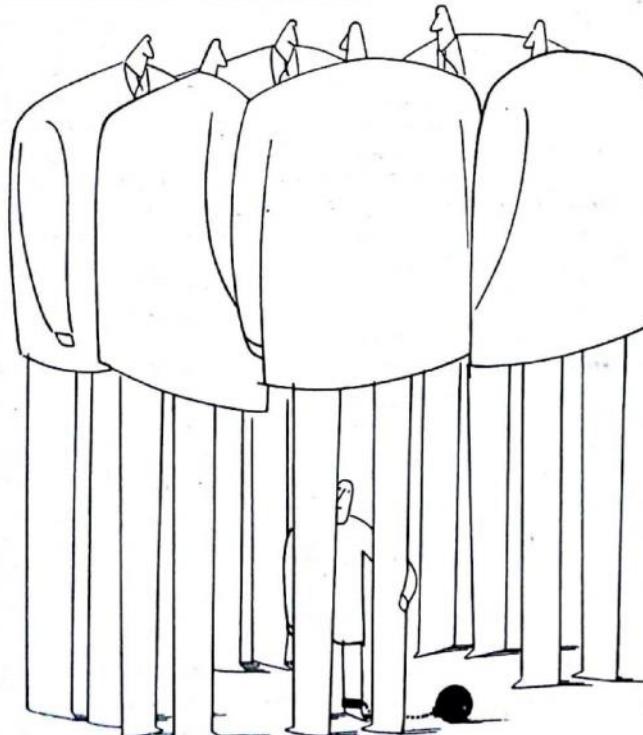
آزادی مطبوعات باید محفوظ باشد

پاسخ آیت‌الله شریعتمداری
به تلگرام مدیر تهران‌صور

حضرت آیت‌الله شریعتمداری در
پاسخ تلگرام مدیر تهران‌صور، درستایش
از حمایت ایشان از مطبوعات، بار دیگر
تاكيد كرده‌اند که آزادی بیان و قلم در
چارچوب قوانین کشور اسلامی باید
محفوظ باشد.

من تلگرام آیت‌الله شریعتمداری
چنین است:
جناب آقای عدایش والا دام مجده
با ابلاغ سلام، تلگرام واصل اینکه
از حمایت اینجانب از مطبوعات تقدیر
نموده‌اید، مشکر و منونیم، همانظوری
که کراراً اعلام کرده‌ایم، آزادی بیان
و قلم در چارچوب قوانین کشور اسلامی
باید محفوظ باشد و اگر مطلب خلافی
در جراید درج شود، وظیفه مقامات
ذیصلاح است که اقدام مقتضی را در این
خصوص معمول دارند و مداخلات بیمورد
افراد قادر صلاحیت کارها را به هرج و
هرج می‌کشاند، البته مطبوعات نیز باید
مراعات موازین اسلامی را نصب‌المین
قرار داده و مبنی و هدف صحیح داشته
باشند.
هزید سعادت و توفیق عالی را از
خداآون متعال خواستاریم.
سید کاظم شریعتمداری

<p>سازمان مطبوعاتی خاصه خرجی های برای طبقه روحانیت شده است ، یعنی اینکه به هر حال در قانون اساسی همه باید مهام مأمور باشد ولی طبقه در مسخه ۴۹۳۲</p> <p>فعلی ، تلقی کنیم . به همین دلیل بازگشان ، دکتر میناچی و همهی کسانی که در دولت فعلی حضور دارند ، توھین روا داشته ایم .</p> <p>ما چنین کاری نخواهیم کرد ، از همهی متقدران و صاحبان اندیشه دعوت می کیم . لاؤوہبر تهیه بیش نویس های مترقی و پیشنهاد آن به وزارت ارشاد ملی ، در پی تشکیل کنگره هی برای تهیه عنوان پایه و نقشه شروع تهیه یک قانون مترقی ، در یک جامعه اقلابی ، به حساب آید .</p> <p>تهران صدور ، آمده هر نوع همکاری در برگزاری این کنگره است وزیر همکاری صاحب نظران دعوت می کند که در این خطوطی برای ترسیم چهره واقعی دوست کار یاری مان دهدن .</p>	<p>محمدعلی سپانلو : خاصه خرجی !</p> <p>تهران صور پیشنهاد می کند :</p> <p>تشکیل کنگره تهیه پیش نویس قانون مطبوعات</p> <p>با تکیک افراد یعنی بین مراجع تبلیدی که پیش نویس قانون مطبوعات ، فجیع تر از آنست که بتواند ، حتی به عنوان پایه و نقشه شروع تهیه یک قانون مترقی ، در یک جامعه اقلابی ، به حساب آید .</p> <p>این لایحه را ، حتی اگر به عنوان خطوطی برای ترسیم چهره واقعی دوست</p>	<p> محمود دولت آبادی : نیازی نیست</p> <p>اگر لایحه ای باید تنظیم شود بهتر است که با حقوق سندیکای روزنامه نگاران و خبرنگاران ، کانون لویس دگان و جامعه حقوق دانان طرح و تنظیم و بررسی شود .</p> <p>با ذکر این نکته که من نه حقوقدان هست و نه روزنامه نگار .</p> <p> منوچهر هزارخانی : بی فائد و زائد</p> <p>لکر نی کنم نیازی به قانون مطبوعات باشد زیرا که این قانون به دولت اجازه می دهد که به نوعی از اعماق اعمال نظر های خاص کند و سانور و کترن . و اصولاً قانون مطبوعات بیفایده و زائد است .</p> <p> فریدون فریاد : خلاف هنافع روزنامه نگاران</p> <p>لایحه اعلام عدم حافظه منافع روزنامه نگارانی که در دوران انقلاب سهم بزرگ در اتفاقی و مبارزه با رژیم سدوم را داشتند نیست . به نظر من آزادی مطبوعات بجزء جهان اسلامی باید است ، اگر این هرج میاند جامعه ارزشی های خود را درک نکرده و یا حداقل به اتفاق خود اهیبت نداده است .</p> <p> باقر مؤمنی : کار غلط</p> <p>مالکی که مربوط به مطبوعات می شود باید به تبع قانون اساسی باشد و قبل از تهیه قانون اساسی به هیچ وجه نمی شود در زمینه مطبوعات که یکی از ارکان دمکراسی است ، لایحه و یا قانونی تنظیم کرد و این را با نظر وزیر یا هشت دولت محدود کرد و یا مقرراتی وضع کرد . این لایحه ، لایحه قانونی هم نیست چون لایحه باید بعد از تنظیم به مجلس رفت و پس از تصویب مجلس به مرحله اجرا درآید . حتی اسماً این لایحه هم نی صما است . در مورد تامین صلاحیت مسئولان یک شرایط که به عهده وزارت ارشاد ملی گذشتند ، چنین دستگاهی صلاحیت تشخیص صلاحیت مسئولین را ندارد و واگذار گزین امیاز به یک وزارتخانه ، شخص و یا هیئتی که دولتی است و خارج از مطبوعات کار خلخان است . خذابی از مواد این لایحه شیوه لوایین گلته استبدادی است . جزاین تصویر مطبوعاتی ، توھین نکردن به شخص معین (توھین به شخص اول روحانیت) و یا غیره تابع قوانین مجازات عمومی می باشد .</p> <p>مطبوعات اسلامیان ، فلسه اشان در آزاد بودن است .</p>
--	--	---



نگاهی گزرا به پیش‌نویس لایحه مطبوعات

چه کسانی بهتر از این ریشه آزادی را می‌خشکانند

کیهان ، تدارک گروههای فشار آغاز شده بود آنماقمه یک توپله و سعی برای از بین بردن آزادهای گتویی که با تصویب این لایحه پایان میرسد ، نبود ؟

بررسی تفصیلی لایحه مطبوعات را میتوان از دل اساس آغاز کرد

الف : درک صورت آزادهای اجتماعی مجله آزادی مطبوعات برای حفظ و گشرش مازره ملی و مردمی

ب : نفس فرایدیه مطبوعات در شرایط کیهان که از طرف ملت خواهان آکاهی هرچه بیشتر سیاست و ازسوی دیگر آزادی مطبوعات یکی از اصلی‌ترین خواستهای نواده‌های اسلامی مردم و یکی از مسامین انقلاب است .

و اگر از این دو اصل بسغایریه مطبوعات در این آرمعون سرافکنه بیرون می‌آید و میتوان چهره پنهان دزخیم را در مالک‌فرب آشکارا دید چرا که لایحه مطبوعات جزی خسر نلاین در جهت بارسازی سکر های ویران شده دیکتاتوری نبوده و یکی از پایه‌های دیکتاتوری سیاه در آینده سیاسی وطن ما است .

در ایران ناکون ما سهار نا ماله لایحه مطبوعات روپر و شده‌ایم و هر مار نیز این دولتها بوده‌اند که بر ضرور و خود جنین لایحه‌ای اصرار داشته‌اند و به ملت چرا که ملت هنجکام خواهان مددود کردن آزادی خود نبوده و از نظر کام آنان اصولی بهیه لایحه مطبوعات کاری نهست و از نوع همان دجاله‌های است که دولتها قدرت‌طلب در جهت سرکر هرچه سنتر فدرات در زندگی مردم اینحصار مددوده لایحه دوران حکومت ملی معدنی بهمن ۲۱ . قانون مطبوعات سال ۵۶ و پیش‌نویس که در سال ۵۷ در دوران حکومت آمورسکار بهبه و مرتع اصل لایحه مسوعات کیوس است و با حرث مسوان گفت که

یک‌چه ۳۹ ماهه‌ای کیوی شناور داد که دولت موقت اسلامی همچیجی کسر از شناوران طلاسوز نداشته و میتواند سار بهتر و کاربر از آنان آزادی را سرکوب کند .

یکی از فحص‌ترین ماحصل لایحه مطبوعات بقیه در صفحه ۴۴

حسین رهرو

* قوانینی که پس از انقلاب وضع می‌شود ، باید نشانه‌یی از انقلاب مردم با خود داشته باشد .

* این لایحه تلاش برای بازسازی سنگ های فرو ریخته دیکتاتوری است .

پیش‌نویس لایحه مطبوعات و یا اگر کلمات مصاديق و انسن خود را بیان کند لایحه «مردم مطبوعات آزاد» که از سوی دولت موقت اتفاق افتاد برای از بین بردن یکی از اساس‌ترین دستاوردهای انقلاب یعنی آزادی فلم و مطبوعات تدارک شده است ، را از پسند زاویه میتوان بررسی کرد . از نظر گام کلی و عموم مضمون و معنوی قانون و ماقون گذاری دو چشم‌انداز متصاد و متفاوت را در بر می‌گیرد . در ظاهر این که پایه های حاکمیت میان حاکم از سوی بر تسلط و ستم اقتصادی است و از سوی دیگر بر اختلاف و فشار سیاسی ، قانون و قابوگذاری همواره سلطه ارتجاعی‌ترین قانونها را تحمل کند و اینست میتواند انتقام را در اندیشه اجتماعی شکلدهد . آکاهی انتقام و گشرش شور اجتماعی را هدف‌گیری می‌کند .

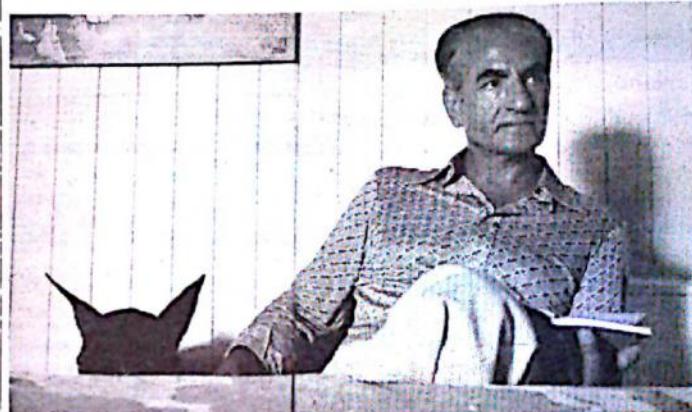
در ایکوه قانون نویس به جای تثبیت و تحریص حقوق مردم ، هیئت محاکم سلطه دار و دستگاههای فشار مواجه شتم و قانون جزیی هست . این هست که نیروهای نوونده و خروشنه مردم به دلکرایهای رسیمه داشته‌اند و گویا قبل از ارائه قانون اساس و وظیفه داشته‌اند که نهادهای بیکار اجتماعی تعریض نوین از خود و آزادی خود می‌آفریند ، قانون‌گذاری که از نظر محضی و چه از نظر فرایند تدوین ماهیت دیگرگونه می‌باشد . دولت اعلامی همچون پادشاه مسادق انقلاب ، قانون گزین ، تثبیت و به راست شاخن دساوردهای انقلاب را مست‌گیری می‌کند و روح و بایه قانون اساسی بایه و بیان کلیه لوایح و قوانین است که در امور حاری مملکت طرح و تدوین می‌شود . در حالی که کشور فاقد پادشاه اساس است و روح انقلاب نیز در این لایحه حضور ندارد .

این بیرون کش که اساس و بایه جنین لایحه‌ای در کجا فرار دارد بی جواب می‌ماند . نکاهی دیگر وزارت ارشاد ملی که همچون جاذب آزادی و چاق سرکوش در مسحه لایحه و مرکز قدرت مطلق فرار گرفته است نیز مبالغه است . از نظر حقوق تشکیل و تعيین وظایف بکار از تاخته حوش‌سازهای که دولت را «انقلابی» می‌نیابت و سرتیفیکه را دیگرگون نمایند ، صریح‌ای اساس و بیان کن می‌زند . در لایحه حدید مطبوعات آنچه که هست دست گلایه ای است که دولت از سوی ملت و به رعایت ملت به خود ندیدن می‌کند و نار دیگر این اندیشه تلح را به انسان می‌رساند که ما همواره بکار در آزادی حضور می‌باشیم و آن نیز در مراسم دفنی آزادی است .

لایحه اسلامی مطبوعات تنها از یک جهت انقلاب

گزارشی از زندگی شاه:
بیمار و نوهد و سرگردان

شاه، هر روز با بعضی از رهبران جهان در تماس است



ممکن است روزی از شاه برای پوسترهای جلب توریست استفاده شود!

نیوزویک می‌نویسد:

یا «زیلین». او همچنین اخبار خود را دستاول از رهبرانی که با او روابط شخصی دارند، از طریق تلفن دریافت می‌دارند. بسیاری از دیدارکنندگان با او ملاقاتهای سیاسی دارند. از میان آنها نانس (هری کینجر) بود که «ناهار اجتماعی» با او صرف نداشت و یا چورچ هایلیتون هنرپیشه معروف سینما که فرج دعوت به نامش کرد و او در آنجا با سمعه‌یی از فیلم نازماش «شق درختین ناس» که او در آن نقش نک دراکولا را بازی می‌کند، هفت گذشته کازینو در میزبان شاه، یک بیزٹک معروف اهل مریلند را با همسرش به باهمان دعوت کرد، آن دو تواستند سما فرح و پرسش تپیس دو نفره بازی کنند، ولی ظاهرا برای کار مهمتری فراخوانده شده بودند. بهر حال کوستاریکا، انگلستان، پاناما و سیاری کشورهای دیگر دنیا کاندیدای اندک مت داشتند شاه در تعیید باشد، اما گویی نانس آکاپولکو بیش از هماس، همانچنان کشانه فلا رویداد توریستی برایش گرفته و ویلای شس خواهش نیز آمده شده است. یکی از جهانی که شاه به این‌زندگی نخواهد توانست در آن اقامت گیرند، امریکا، حکومت کارتر گفته است به نام خوشامد می‌گوید اما ناگزیر است در اندیشه هر چهار امریکائی باشد که هنوز در ایران و ۱۰ هزار معلم ایرانی در امریکا که هر کدام خطیر بالغه‌اند. یک مامور امریکائی می‌گوید: «چگونه خواهد بود اگر مثلًا ماموران امریکائی در تهران، در مقابل بازگردانند شاه، گروگان گرفته شوند. این ممکن است راه‌حل‌هایی داشته باشد. ولی در عین حال چنین خواهد بود برای تصمیم‌گیرندگان!» اما همه در مقابل و مخالف نیستند، هنری کینجر وزیر خارجه امریکا، جرج‌دوفورد، رئیس جمهوری سابق، ریچارد هلز جانی مشهور، رئیس سابق سایا و معاون امنیتی‌اش در تهران از او دفاع می‌کنند. کینجر گفته بود: «این خجالات اور است که دوست من ساله امریکا، شاه سابق ایران آ تواند اجازه اقامت پیش ما بیاید. به این ترتیب ما جواب دلگزایی‌های دولت‌مان را در دیگر نواحی خاورمیانه جهت می‌دهیم!» اما جواب اینها را جوانان باهایانی می‌هند که هر روز تظاهرات برای من اندازند و بلکه اینها بلند می‌کنند که روی آن نوشته شد، «پولهای خوبین شاه را دور بریزند» «مرگ بر شاه قاتل» «برو از مملکت ما بیرون!» و ... اما با یهودی‌پولداری او ممکن است برایش جائی پیدا کند، ممکن است آن جا باهمان باشد.

و لاغری که گفته می‌شود باید راحت باشد. بسیاری که او را دیده‌اند با شاه اینجنس رسوون شاه را داده است، دادگاه انقلاب اسلامی در ایران او را غیایا پهمرگ محکوم گرده است و ناشیک روزنامه در قم برای قتل او جایزه تعیین کرد، ریووتش، هر دویک کازیتو خصوصی نزدیک شاه، بعداز فاش شدن نقش عرفات سرای محل اقامتش ظاهر نشده است. خانواده آنها به همام دچار دلزدگی و نکرانی‌اند که دیلی اکبری روزنامه جنبایی لندن خبر داده است که ممکن است، آندو از عم جدا شوند: «اما یکسی از کارکنان ولایتی که در آن اقامت دارند، بعد از خود نیز این حقیقت را دریافته که می‌همان شاید سوبدیخش - اما بردرسری است برای هر کشوری - هم‌اکنون نیز پلیس باهمان ناگزیر است شاه را زیر نظر داشتند، حتی از ل آن پلهای سیز محل اقامت شاه مخلوع ایران و خانواده‌اش. چنانکه وقتی عکاس نیوزویک برای گرفتن عکس (که در این صفحه می‌بینید) به آنها نزدیک ویلای او رسید، چندتن پلیس فریاد زدند «دور شو!» و دو تن از آنها مسلل‌هایشان را نشانه رفتند! وقتی از آب بیرون می‌آمد، محافظان با سیس با ویدئو کاست فیلم‌های دیگر، مثل «پاپیون» حوله بلندی منتظر او بودند. مردم ساله تحقیق

عبدالله والا

طريق عشق پر آشوب و فته است ای دل
بیفتند آنکه در این راه با شتاب رود
«حافظ»

چه وحشتی از انتقاد؟

جهنم هشیار ما را تیره می‌دارد ؟ نشه غرور
جون پادهایست که مت و فربینگی بدنیال دارد.
فرق مت و شناس در روش و اعمال افراد است،
وقتی غرور زیاد خود متی وجود می‌آید و
آنوقت قدرت تغییر از دست می‌رود ؟ افراد مت
به ملت پاره‌ای از اعمالان منفصل می‌شوند ؛
و وضع غیرطبیعی آنان : حرکات مذبوح رفشاری
غیرمعادل ۲ گفتاری ناطبیع نشانک می‌است .
اگر حركت از هر نقطه ، بولانی از هر جا بسوی
کمال مطلوب ، که در تعالیم مقدس اسلام بوضوح
دیده می‌شود ، منتهی گردد ، دیگر چرا می‌خواهید
همه و مهند رسان بدنبال هم نیشیم . اگر
ظرف است از رو دخانی یکنارم ، لایم ... اگر
که در خواهیم رسید ، برگش زودتر از آنچه
که در انتظار است به مقص خواهیم رسید ، زیرا
در بین راه دجارت مثکالتی که هر جا تاکبر می‌شود
نحوایم شد .

ما برای انتقادیم که ، جانیان ، مفسدان ،
کمرهان باید به مجازات و مکافات برسند ،
هیچکس منکر آن نیست که جنایت بیشگان و
کسانیکه دستتان تا مرتفع بخون آلوه و به نشک
بالوده است مصون از تعریض و آزاد باشد و
الراجی که ترونهای نامشروع بست آورده‌اند و
حق اجتماع را ضایع ساخته‌اند ، آزاد و رها از
قضاص برش ملت متهدیده بختند ، البته باید
پفرخور گرمانش به مجازاتهای استحقاقی برسند...
وی آیا لازم بود که آن-خان عجله و شتاب از
خود نشان هیم که بجا و نایجا هورد اختراض
واقع شویم و از طرف مفترضین ، انقلاب راستین
ما مورد ابراز قرار گیرد ... آیا محدود کسرین
ملقدین دیر یا زود مارا ازوصول به نتایج انقلاب
باز می‌داشت ؟

اگر برخی از محدود شدگان که واقع
برسیاری از اسرار بودند چند صیاحی دیرتر ۴
مجازات می‌رسند و اگر دادگاههای انقلاب ما
این امکان را می‌داد که این افراد ب بکناید
و حقایقی را فاش سازند ، چه عجیب داشت ؟

می‌دانید چرا روزه سربازان فقط سالی یک ۵
دوبار مطیوع است ؟ برای آنکه ریتم و آهنت
یکنواختی را دنبال می‌کند ، یکنواختی یعنی
جمود ... یعنی بریک نقطه‌ماندن ... یعنی مرگ ...
ایا اینک انقلاب ، خود را بی‌نیاز از تحریر
می‌داند ؟

چرا نمی‌آید سلیمانها را ازربایی کنم ...
اگر حركت از هر نقطه ، بولانی از هر جا بسوی
کمال مطلوب ، که در تعالیم مقدس اسلام بوضوح
دیده می‌شود ، منتهی گردد ، دیگر چرا می‌خواهید
ظرف است از رو دخانی یکنارم ، لایم ... اگر
می‌خواهید از شکانی عبور کنید عیوب نیمی دارد و برگشت
نمی‌یابات ، این سدای غم بود ولی نوای حیات‌بخش
زنده بوند را بتوش چهانیان رساند که ما ...
ملتی زنده هستیم .

اینک از چه می‌ترسید ؟ از درد و رنج تضاد
الاکار و مقابله وحشت دارید ؟ مگر به مرزا سلام
رسیده‌ایم ؟ مگر سکر از این را بست آورده‌ایم ؟
که انتظار دارید تلاش و کوشش را از دست
پنهانیم .

پنچادارید ، به راه انقلابی ، هر چند مشکل
و توأن فرما است ادامه دهیم ، ما در آغاز حرکت
هستیم ، حرکتی که جون کودکان باید بزمین
پخوریم ... بیا برخیریم ... بازهم بزمیں
بیفتهیم ... آنقدر این تلاش و کوشش ولو دردنک
را ادامه دهیم تا بتوانیم روی پیای خوبیش
پاسیم ... و به هدف و مقصد برسیم ...

کسی نیست که از هدف والی و راستین
انقلاب بخن بتواند وصول به هدف را نایاب
جزی دانست ، حتی اگر راهی جز طرقی که
بنظر مار مطلوب می‌آید ؛ انتخاب گردد .
شاید این تصور قطعی شده است ، که بـه
پیروزی رسیده‌ایم ... در این حال باید بـه پیروزی
انتقاد داشت که بسیاری از ما در لشته پیروزی
نوطهور شده‌ایم ... حاول در این لشته ما را به
ناییم که همه باید از یک راه از یک روش و
از یک ریتم و آهنت پیروی کنیم ...

چنانچه بعضی از نکات از جمله داشتن وکیل
مدالع و یا وکیل تصریحی و ... چند روزه کاری
دیگر را رعایت می کردیم مفید قایده نبود ؟
مثلا در فرصت مناسب بتوانیم از عادلان
فرارداهای تعییلی ، آنون برندام و مدارک
فاضح در اختیار بگیریم که بازگو کننده فساد
مطلق و امان گردد و سه آوری هم به مخالفان
ملت ایران نهیم و با اثنای اعمال نابجای این
امداد سرسپرده ، شتاب م را بهانه دخالت در
اعور داخلی ایران قرار ندهند ... اگر این مدارک
را بدست آورده اید چرا بگوش چهانیان نمیرسانید
و چرا دستهای آلوه آنان را آنطور که بوده باز
نمی کنید که دیگر همان بازه گویان نست شود .

اینک مرویم تا بنیادی نو و اساس تازه
بریزیم ، ولی بازم آنچه که بینظیر می آید در
بیش داریم عجله و شتاب است ، از همه چیز میم
و وحشت داریم ... چرا ؟ مگر هلتی که تا
۹۹۵ مرصد ، بارای قطع خود در پشت سر
رها اتفاق افتخار دارد و خود پیشوانی اعظم
و گرانیها برای وصول به اهداف خدنس اتفاق
نیست و این قدرت را کافی نمی دانید تا با حرم
و احتیاط بیشتر راه صحیح انقلابی میموده شود
و هرگونه اسلحه را از دست بدخواهان بدرآوریم
و به چهانیان شان نهیم که ملت ایران به
مرحله ای از رشد و تکامل رسیده است که راه
هرگونه ایجاد و اعتراض را مسدود می دارد .
به این دلخواش نهادیم که اساسات ملته
را تحریک می کیم و فتش و ناسزا تاریخ مخالفان
می داریم ، به این بیندیشیم . که از روش‌های دیگری
بدون تحریک احساسات هم بخوبی میتوان در
مقابله ماندنان قرار گرفت ، با حرمه منطق و
استدلال ...

به این بیندیشید که رفاقت ما اینک در زیر
ذریبین انتقاد چهانخواهان قرار گرفته است و
کوچکترین و بی اهمیت‌ترین اشتاء ما را ولو
کاهی باشد ، همانند کومی جلوه خواهد داد و
چنگ اعصاب برآم خو خوند انداخت ... ماید
رفاقتی کنیم که در همه حال نموده و سرمنق
بوده و مستحق پیروزی انقلاب راستین و بی مانند
شانخته شویم ... آیا عدم اعمال قدرت ، خود
دلیل بر توانائی ما نیست ؟ چرا از بحث و فحص
من ترسیم ؟ چرا شتاب و عجله داریم ؟ حتی در
باره قانون اساسی آینده که باید دور از هرگونه
شایعه و جنجال ، ارزیابی گردد و در باره حقیقی
بلک و او آن از نظر عقلای قوم استفاده شود .
زیرا قانون اساسی ما بی و پایه سازماندهی ایران
آینده خواهد بود کوچکترین اشتاء و شتاب منجر

جهانگردی هالی دی

تورهای تابستانی

۲۸ خرداد	دمشق (شام) فقط با صرف صبحانه	۱۵ روزه سوریه ۳۹۸۰ تومان
۲۴-۱۱ تیر ۸ مرداد		
۳۱ خرداد ۱۴-۲۸ تیر ۸ مرداد	پاتایا - بانکوک	۱۶ روزه پاتایا ۷۲۶۰ تومان
۱۴ تیر ۲۸-۱۴ مرداد	پاتایا	۲۵ روزه بهشت شرق ۹۶۵۰ تومان
۱۱ مرداد	مانیل - بانکوک	۲۱ روزه کیش ۹۷۲۰ تومان
۴ تیر - ۲۱	پاتایا - بانکوک مانیل - هنگکنگ	۲۱ روزه ارکیده ۹۵۹۰ تومان
۲۱ خرداد	پاتایا	۲۱ روزه ارکیده ۹۵۹۰ تومان
۷ تیر ۲۱-۲	بانکوک - سنگاپور	
۴ تیر - ۱۴ مرداد	پاتایا - بانکوک - مانیل - توکیو نیکو - هاکونه - نارا - کیوتو هنگکنگ	۲۶ روزه توکیو ۱۶۳۰۰ تومان

کلیه تورها شامل صبحانه و ناهار میباشد

جهانگردی هالی دی

تلفن‌های ۲۲۰۱۹۱-۲۲۱۷۹	تجربش ایندیای خیابان قدیم شمران
تلفن‌های ۶۲۵۰۲۲-۲	آزاد شمس‌تری و شرکا : گلنا نیش‌خیابان ۱۷
تلفن‌های ۴۲۲۵۱-۴۴۵۴۴	اصفهان - آزاد پرستیز خیابان سعادت آباد شماره ۷۰۰

ایراد و اعتراض نباید ترس و وحشت بباشد ،
ساره ، بلکه باید در گفت‌حقیقت تلاش بیشتری
کرد بگذارید سخن‌ها گفته شود و قلمها از زبانها
گشوده گردد .
تلغیف درس اهل نظر یک اشارت است ، گفت
کنایش و مکرر نمی‌کنم .
گردد .

به ضرر و زیان غیرقابل جبرانی خواهد شد .
رهبر انقلاب این امکان را برای همه
دست‌اندرکاران بوجود آورده‌اند تا در محیط
دور از ازعاب و وحشت ، دور از تکفیر و نهمت
حرفها زده شود . چه با در بین سخن‌ها کمال
مطلوب بdest آید و راهگنای آینده‌ای با شکوه
کنایش و مکرر نمی‌کنم .

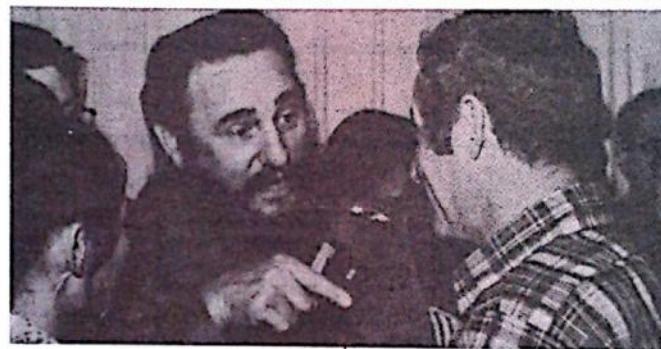
سخنافی



قریب ۱۹۹۱
کتابخانه ملی
دانشگاه
به حمایت و
هره از این
و ایران نظر
های مختلف
و استدای
این انجامات
تواریخ +
کاسترو
مارتنز و زر
میں فرمی
چور داد
لیلی
گوکا در
سخنرانی
پیریز
الطباطبائی
کرد
ایران ای
زمانی
تووجه
من موندو

فیدل کاسترو

سخنرانی با



پس از سچله‌ای که در آن مسائل وابسته به فرهنگ و مسائل کار خلاقه مورد بحث قرار گرفت، پرده‌های بیمار جالی که مطرح شد و نقطه نظرهای گوناگونی که ابراز گشت، اکنون نوشت بهم رسیده است. ما نباید همه‌چون متخصصان کامل عباری در این زمینه سخن گوییم اما احساس می‌کنیم لازم است نقطه نظرهای خاصی را به اطلاع برسانیم.

ما بسیاری به این مباحثات علاقه داشتیم و معتقدم آنچه بزری را که می‌توان «صریح‌بوب» خواند از خود شناده ایم.

اما در واقع، به کوشش فراوانی از سوی ما نیاز نبود، زیرا این مباحث برایمان بسیار روشنگر و - صمیمانه بگوییم - تحریک‌ای دلیل بود. البته، در اینکوئن مباحثت، ما دولتمردان، خبره‌ترین کسانی نیستیم که می‌توانند نظرخواش را درباره مسائلی که شما در آنها متخصص‌دیر ارزانند. هست کم ... در عورده شخص من چنین است. اینکه مارهبران انقلابی و دولتمردیم، دلیل نمی‌شود که ناسازی در همه رشته‌ها متخصص‌باشیم (گرچه شاید هم باشیم). اختلاف اگر ما بسیاری از رفاقتی را که در اینجا سخن گفتند به جلسه «شورای وزیران» که در آن به مسائل کاملاً آشنازی می‌بردازیم ببریم، آنان نیز شاید احساس جون ما بپدا کنند.

ما در این انقلاب، انقلاب اجتماعی - اقتصادی کویا، نیروی موثری بوده‌ایم. انقلاب اجتماعی، اقتصادی، ناگزیر انقلابی فرهنگی دری بخواهد آورد.

ما بهم خود، کوشیده‌ایم در این زمینه کاری انجام دهیم (گرچه در مرحله نخست انقلابی مشکلات طاقت فراساز فراوانی داشتیم). شاید هم باید از خودمان خرد بگیریم که برآذخن به امری چنین پراهیمت را تا حدی نادیده اکننه‌ایم. البته این دنادن معنا نیست که موضوع فرهنگ را کاملاً به فراموشی ببرده بودیم؛ گفتگوهای

در روزهای ۱۶، ۲۳ و ۳۰ زوئن ۱۹۶۱، جلساتی در تالار کریزانی کتابخانه ملی هاوانا برپا ند که در آن نزایندگان و چهره‌های برجسته وابسته به جامعه روشنکران کویا نیز گشتند.

هنرهای اسلام و نویسندهای خود در باره جزئیات مختلف فعالیتهای فرهنگی و دوستانه وابسته به کارهای خلاقه را یافتدند. در این جلسات دکتر «اسوالادو دریخوس تورادو»، رئیس جمهور؛ دکتر فیدل کاسترو نخست وزیر؛ دکتر «آرماندو هارت» وزیر آذوقش؛ اعضای شورای هی فرهنگ، و دیگر مقامات دولتی حضور داشتند.

«فیدل کاسترو» رهبر انقلاب کویا، در پایان جلسات این گردهایی، سخنانی پیراون رابطه روشنکران؛ انقلاب و جایگاه آنان در جامعه انقلابی ایجاد کرد که به نظر هی بود. در هوقمریت زمانی، اجتماعی و سیاسی ما نیز خای توجه دارد. بخشی از این سخنان را می‌خوانیم:

روش فکر از

کردند. اما نیووان گفت که این انقلاب به دوره نظریه‌بندی دیگر انقلابها را داشته، نه رهبرانی با بلوغ فرهنگی که دیگر انقلابها داشته‌اند.

ما معتقدیم تا آنجا که نوائمه‌ایم برای تحقیق آنچه هم اکنون در این سلسلت مکارهای کوشیده‌ایم. ما معتقدیم که با کوشش هشکاری انقلابی راسین را تحقیق بخشدیم. این «انقلاب» در حال شکوفایی است و به نظر میرسد که مقدار است بدینکی از رویدادهای مهم فرن بدل شود.

با این حال، و یا وجود این واقعیت، ما کسانی که سهم مهی در این حوادث داشته‌ایم، خود را فرضیه برداران انقلابی یا روشنگر نمی‌انگاریم. اگر بتوان در باره انسانها پر اساس اعماق این داوطلبی کرد، شاید حق آن باشد که خود «انقلاب را» خواهی بر شایستگی مان بکشیم. مهدنا جنین نمی‌بنداشیم و برآنیم که صرف قفس از آنچه انجام داده‌ایم، همه باید به یکسو حرکت کنیم. هر اندازه که کارمان سوده و پر ارزش به نظر رسد، باید خویشتن را در موقعيت صادفانه تحصیل نکردن این اندیشه که بیشتر از همه می‌دانیم، به دیگران قرار ندهیم. باید به اصرار بدیگران بقولانیم که نقطه نظرهای ما بی‌نقص و صحیح است، و همه کسانی که «دقیقاً بدسان ما نمی‌اندیشند» انتباه می‌کنند. به بیان دیگر، باید دانشمندان و باورهای خود را به کونهای صادقانه نه با شکسته‌نشی دروغین از ریاضی کنیم. اگر خویشتن را در جنین مولعیتی قرار دهیم، بی‌کسان آنرا به انتکاء به نفس خواهیم رسید. اگر ما بدین سرتقان آموخته شویم و شما نیز جون ما – چهت‌گیری های نفعی و غیر واقعی از میان خواهند رفت، همچنین آن چند عامل نفعی نیز در تجزیه و تحلیل مساله تأثیر دارد. خفیشاً، ما جه می‌دانیم؟ همه‌مان در حال آموختن، سار

بیان کردند. در نخستین جلسه، اندک کمپرسی و تزریزی در بیان صریح و شکافن موضوع در کار بود؛ بنابراین لازم‌آمد از رفقا بخواهیم که بوضوح و به توجه‌ای همه‌جا به مسئله بپردازند و هر کسی آشکارا از آنچه نکران و هراسانش ساخته سخن بگوید.

اگر انساه تکیم، مساله اساسی که جو این جلسات را آکتدساخه بود، مساله آزادی آفرینش هستندانه بود. از هشکاری که نویسنده‌گان خارجی، و همیر از همه نویسنده‌گان سایی از کنوار ساخته بودند، این برشتشا بارها مطرح شده است.

بی‌کسان، همن و وضع در مقام کشورهایی که شاهد انقلابی ریشه‌داری همچون انقلاب مس بوده‌اند، مورد بحث و گفتگو بوده است.

انفاقاً، اندکی بیش از آنکه ما به این نالاز بار کردیم، یکی از رفقة جزوی از برایان آورد – شامل گفتگویی کوتاه میان ما و «سارنز» در همین زمینه. این مصاچه از کتاب «گفتگو» هایی در دریاچه از «لیجاندرو اتو» (گرفته از نشریه «رولوخون» سنه‌ی ۱۹۶۰، مارس) نقل شده بود.

«راتی میلر» نویسنده امریکایی نیز در موقعیت دیگری همین برش را از ما کرده بود. باید اعتراف کنم که از جهتی، در «برابر این برشها اندکی نااماده بیوم. ما در خالی انقلاب خود با هستندان و نویسنده‌گان کویاگی «کفران‌بان» نداشته‌ایم. در حقیقت، انقلاب ما انقلابی بود که از نظر مدت نقطه بست و رسیدن به قدرت آنقدر سریع انجام شد که می‌توانیم آنرا رکوردی در میان انقلابهای دنیا به حساب آوریم. برخلاف انقلابهای دیگر، انقلاب ما همه متكلات زیربنای را حل نکرد.

در نتیجه یکی از منخصات انقلاب کویاگی از آزادی آفرینش نیز نیست. این مسئله ساده‌ای نیست. بی‌تردد وظیفه همه‌ماست که آنرا به دقت بررسی و تحلیل کنیم. این کارهای جنگان که وظیفه ماست، و شرایط کار آغاز شد، چرا می‌ترسم که همین انقلاب این موهب را از میان ببرد؟

واضح است که این، مسئله ساده‌ای نیست. بی‌تردد وظیفه همه‌ماست که آنرا به دقت بررسی و تحلیل کنیم. این کارهای جنگان که وظیفه ماست، و شرایط شما نیز هست. این مسئله ایست که بارها و در همه انقلابها بیش آمده است.

آزادی آفرینش رفاقتی که در اینجا سخن گفته شد، شمار بزرگی از نقطه نظرهای گوناگون را عرضه داشتند، و دلایل خود را برای اعتقاد به هر یک

رفاچی که در اینجا سخن گفته شد، شمار

که انقلاب به دلیل واضح طبیعی و منشاء خود نمی‌بودند دشمن آزادی پاشد ، که اگر پاره‌ای افراد هر اساند که انقلاب روح آفرینشکران را سرکوب کند هر ای ای بیهوهه دارند ، دلیلی برای این دل تکرانی وجود ندارد .

عامل این هراس جست ؟ نهایی کسانی که از ایمان اطمینان ندارند ، باید جدا از این مشکل مشوش باشد . آنان که به هنر خویش اطمینان ندارند ، آنان که در بوانایی آفرینش خود است دارند ، دجاج این هر اساند . باید برسید آیا یک انقلابی راستین ، هرمهد یا رونشکری کسی انقلاب را درک می‌کند و اطمینان دارد ساسکی خدمت به انقلاب را دارد ممکن است که چنین مشکلی رو در رو شود ؟ آما ممکن است چنین تردیدی در نویسندگان و هرمندان انقلاب راستین یددید آید ؟ احسان می‌کنم که پایخ باید مشغی ناند . این تردید نهایی تنصیب نویسندگان و هرمندانی است که بی‌آنکه هنر انقلابی باشد ، انقلابی هم نیستند . و نویسنده یا هرمندی که به راستی انقلابی نیست ، حق دارد که چنین تردیدی را مطرح سازد : نویسنده یا هرمندی صدق و شرائطند که بوانایی درک هدف و عدالت انقلاب را دارد ، بی‌آنکه خود بخشی از آن باشد ، بی‌تردید مستقیماً با این ماله و روبرو می‌گردد .

زیرا فرد انقلابی ، یک چیز را فراتر از همه مشکلات و پرسنلیات دیگر می‌نهاد . فرد انقلابی یک چیز را حتی بالاتر از روح آفرینشکر خویش فراز میدهد ؟ او (انقلاب) را والاتر از هر چیز دیگر می‌الکارد . و انقلابی ترین هرمند اوت که آماده فربانی کردن - حتی - خواست و الهام هرمندانه خویش برای انقلاب است .

شرافته‌ندان غیر انقلابی هیچ کس هرگز لپداشت که همه مردم ، همه نویسندگان ، یا همه هرمندان باید انقلابی باشد ، همچنانکه هیچ کس اختقاد ندارد که همه مردم یا همه انقلابی‌ها باید هرمند باشد . یا هر انسان شرتفتدی ، فقط به این دلیل که افتخار است .

اعلاوه بر همه اینها ، داشتن طرز تلقی و ازای از زندگی است . انقلابی بودن به معنای برخورداری از شیوه نگرش و زیره‌ای به واقعیت موجود داشت . انسانهایی هستند که واده‌اند و خوشن را با واقعیت منطق ساخته‌اند ، و کسانی نیز وجود دارند که نمی‌توانند مبارزه را رها کنند و با واقعیت تطبیق ندهد . بلکه می‌کوشند آن را دیگر گون سازند . به همین دلیل نیز انقلابی هستند . اما انسانهایی که خویش را به واقعیت موجودی می‌سپارند نیز می‌توانند انسانهایی شرافتمد و درستکار باشند . نهایی تکه‌ای که وجود دارد آنست که روحیه ایمان روحیه‌ای

که انقلاب را درک می‌کند و آنرا برحق میداند ، باید این باشد که : چه خطراتی انقلاب را تهدید می‌کند و ما برای پاره‌ای به انقلاب چه می‌توانیم بگشیم ؟ ما عقیده داریم که انقلاب هوز نیز های بسیاری در پیش دارد ، و معتقدیم که

روشنفکران بسیاری وجود دارند که انقلابی نیستند ، اما انسانهایی شریفند .

انقلاب باید آنقدر انعطاف پذیر باشد که بتواند غیر انقلابی‌ها را نیز به خود جلب کند .

انقلاب باید به گونه‌ای عمل کند که همه گروههای هنرمند و روشنفکری که انقلابی‌ها در نویسندگان و هرمندان انقلاب راستین در درون آن مکانی برای کار و آفرینش بیانند .

همترین اندیشه و نخست دلنشغلی‌مان باید این باشد که چه می‌توانیم بگشیم که بیرونی انقلاب تضمن شود . نفس انقلاب » باید پیش از هر چیز مطرح شود ، و بسیار ممکن است چنین مسائل توجه کنیم . منظور این نیست که نایابی به مسائل دیگر اندیشید ، بلکه اینست که مقاله اصلی در نهضت ما باید « انقلاب » باشد .

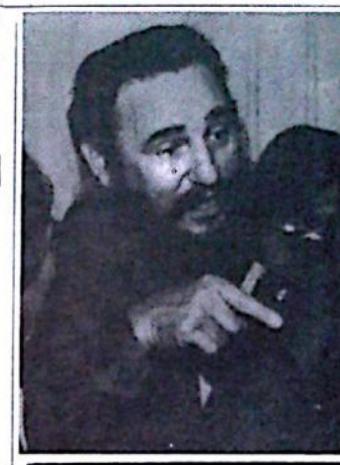
مقاله‌ای که در اینجا مطرح بوده و مایه‌خواهیم بدان بپردازیم ، مقاله آزادی نویسندگان و هرمندان برای بیان عاید خویش است .

شما تکران هسید که انقلاب این آزادی را محدود و مسدود کند ، که انقلاب روحیه آفرینشکر نویسندگان و هرمندان را خاموس سازد . در اینجا از آزادی فرم (شکل) سخن به میان آمد . همه متنق‌القولند که باید به آزادی فرم احترام گذاشت . من نیز تردیدی در این نکته ندارم .

اما مقاله وقی حاستر می‌شود : و حلقنا به موسوعی قابل بحث بدل می‌گردد که از این موضع آزادی محظوظ بایان آید . این مقوله طرفینی است ، زیرا طرفیت همه کوئنه برداشت و بررسی را دارد . همترین جنبه قضیه اینست که آیا باید در بیان هرمندانه ، قالی به آزادی مطلق بایسیم یا نه ؟ به نظر مرسد که گروهی از رفاقت طرفدار یاسخ منت به این برستند .

شاید هر انسان از آن است که معمولیت‌ها ، فواین محدودیت‌ها ، و شمامات رسی ، مراجع تضمیم‌گیر نده در برای این بریش باشد .

اجازه بدیدن پیش از هر چیز بگوییم که



چیزها هست که همه باید بیاموریم و در اینجا نیز گرد نیامده‌ایم تا به هدایتگر درس مدهیم . آندهایم که چیزی هم بیاموزیم .

هر انسان از انقلاب

هر انسان و تردیدهایی در کار است ، و بعضی از رفاقت از آنها سخن گشند .

گاهی به هشتمان شنیدن این سخنان ، یعنی پنداشتم که در رویانیم . احسان می‌گردید که بیانهایم بر زمین استوار نیست . زیرا آنکه امروز هر یک از ما هر انسان تکرانی داشته باشیم .

اینها بخود انقلاب مربوط می‌شوند . یا شاید می‌پنداریم که انقلاب هم در همه جیههای بیرونی شده است ؟ آیا براین بایویم که دیگر انقلاب را حطری نهید نمی‌کند ؟ نخنین دلنشغلی تهره‌وبدان ما امروز چیست ؟ ایست . که مادا انقلاب از مرزی که باید ، فرار رود ؟ یا نیوچ خالقه تهره‌وبدان را سرکوب و حاملوش نماید .

ایا خطر راستین یا نصوری نهید روح آفرینشکر

به وسیله انقلاب در کار است ، یا خطرای که

ممکن است خود انقلاب را تهدید کند ...

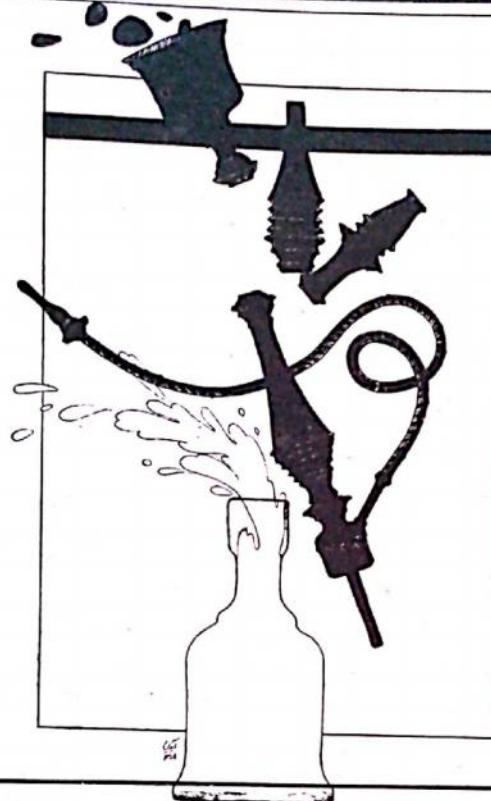
ماله هم آن نیست که این خطرات را به عنوان موسوعی برای بحث مطرح سازیم ، ما

می‌خواهیم بگوییم دلنشغلی همه نویسندگان و

هرمندان انقلابی ، همه نویسندگان و هرمندانی

<p>است که موقعیت این هرمندان و نویسندگان را در نظر گیرد، زیرا انقلاب باید آنقدر اعطای‌پذیر باشد که بتواند غیر از انقلابیون، گروههای دیگر را نیز به خود جلب کند. گروههایی بیش از انقلابیون را که همواره همراه و در جهت انقلاب حرکت می‌کنند، ممکن است مردان و زنانی که گفتیم از آن کسانی است که ایشان به دیدگاه واقع‌القلابی به واعیت دارند، بزرگترین بخش جمعیت را تشکیل ندهند.</p> <p>انقلابیون طایب‌داران خلقتند، اما باید گوشش های خود را موجه جلب همراهی همه مردم کنند. انقلاب نمی‌تواند از هدف جلب همراهی همه مردان و زنان شریف - حال نویسنده و هرمند باشد یا نه - چشم پوشد. انقلاب باید بکوشد همه کسانی را که همراهی دارند، اما بهزیزی دارند، و درست به همین دلیل که انقلاب را باری کند و انقلاب می‌خواهند انقلاب را باری کند سعی خود را مطلع به جلب توجه بزرگترین بخش مردم به اندیشه‌ها و آرمانهای خود کند. انقلاب باید سعی خود را مطلع به جلب توجه بزرگترین بخش مردم به اندیشه‌ها و آرمانهای خود کند. انقلاب باید از هدف جلب همراهی همه مردان و زنان شریف - حال نویسنده و هرمند باشد یا نه - چشم پوشد.</p> <p>انقلابیون طایب‌داران خلقتند، اما باید گوشش های خود را موجه جلب همراهی همه مردم کنند. انقلاب نمی‌تواند از هدف جلب همراهی همه مردان و زنان شریف - حال نویسنده و هرمند باشد یا نه - چشم پوشد.</p>	<p>بیندیشت. ما بی‌هیچ توان درونی به خاطر مردم نلاش می‌کنیم، و می‌دانم به آنچه که در نظر داریم خواهیم رسید. «بل اصلی «خلق» است.</p> <p>ما باید پیش از آنکه در باره خود بیندیشیم، به مردم فکر کنیم، و این نهایاً تکرشی است که میتوان تکرش واقع‌القلابی اش داشت. و منکلی که گفتیم از آن کسانی است که ایشان به بی‌هیچ ندانند و شوه نگرانشان به واعیت، شیوه‌ای انقلابی به حساب نمی‌آید. و السالمکن است هرمندان وجود داشته باشد - هرمندانی خوب - که نگاهشان به زندگی انقلابی نیست، و دقیقاً برای همین گرسوه از هرمندان و روشنگران است که انقلاب مالی به وجود می‌آورد.</p> <p>برای هرمند یا روشنگر خود فروخته، برای هرمند یا روشنگر دروغزن و نایکاره‌گر مالایی بوجود نمی‌آید. او می‌داند که چه باید بکند، و می‌داند که چه می‌خواهد. او آگاه است که به کجا بپرورد.</p> <p>منکلی اصلی از آن هرمند یا روشنگری پیش می‌آید که گرچه ذفرش انقلابی به زندگی ندارد، انسان شریض است. و روش است هر کسی که تکرش به زندگی می‌دارد، حال این تکرش در راه انقلاب کار کند، و درین حال مفترضها و دلایلی دارد. نیز از مشارک آنان، با داشت و گوش‌هایشان، بسود خود خرسند خواهد بود.</p>	<p>وظیله انقلاب</p> <p>همکاری که موارد خاصی را بررسی و تحلیل کنیم، درک مساله آنتر خواهد شد، اما پایه‌ای از این موادر، به آسانی تحلیل باید نیستند. بلکه نویسندگان در اینجا سخن گفتند، مالی را که تکرانش می‌ساخت بیان کرد و در مخانی خویش صراحت بسیار به کار برد، او می‌خواست بداند آیا می‌تواند در باره موضوعی معنی، نقطه نظرهای آرمان گرایانه‌اش را توضیح دهد، یا اینکه میتواند اثری بستکار و در آن از این نقطه نظرها دفاع کند. او صریحاً رسید که به عنای اکتریت و نویز مردم است، یعنی آنان که در شرایط استخار زندگی کرده و بی‌رحمانه نایدیده انتگاهش شهادند. شن تکرانی عدمه و اساسی ما همواره اکتریت بزرگ مردم خواهد بود - یعنی طبقات استمار شده و ستمدیده. دیدگاه ما، که همه جیز را از دریج، آن می‌نگریم این است هر جیزی که به صلاح آنان باند به صلاح ما بیز هست؛ هر جیزی که برگزیده آنان باند و زیبا و مفید خواهد بود. اگر کسی به توده‌ها برای تودها نیندیشد، یعنی اگر کسی در اندیشه گروههای بزرگ مردم استمار شده نباشد و در راه آنان که ما می‌خواهیم آزادی‌شان سازیم نکشد، واضح است که مشی اسلامی ندارد.</p> <p>از این دیدگاه است، که ما پدیده‌های خوب، سودمند و زیبای هر حرکت واکنش را تحلیل می‌کنیم. ما درک می‌کنم که چقدر در دنیا شاست که کسی این مقصود را دریابد و با این حال ناگزیر باند اغتراف کند که از نبرد در این راه ناونان است.</p> <p>ما انقلابی هستیم، یا به هر حال خود را انقلابی میدانیم. هر کسی که خود را بینز هرمند می‌داند نا انقلابی، نیز نلد درست بدان می‌داند.</p>
--	---	--

مستند



فرامرز خبری

* بالا فاصله پس از بیرونی
ملت در ماجراهی تنباکو ،
همه دنیال کار خود رفتند
و از آن تجمع بهره نگرفتند ،
درنتیجه دوباره ... استبداد

تحریم تنباکو ، قیام فاتحان

هم کتر به این بخش آن، یعنی مسائل مربوطا
دستوت شده بود، منتع سخنان خطیبی شدم که
در نهایت فماحت در باب حق و نهم و مقام
رواحنیت پیشو و راهنمایی و افزگذاری اش در
بیردازم تا از جمله «الله اکبر»، «تھا «الله»
آن گفته نیاید.

اگر به سیر فراینده و روبه ترازید رهبری
روحانیون در مبارزات ضدبیگانه و ضد استعماری
لتو امتیاز «رژی» اکتفا شد و برخواست پس از
توجه کیمی می‌بینیم «برانکیز اندن» و در ک صحیح
اشاره‌ای نرفت . یعنی من منتع چنین برداشت
کردم که وقتی امتحان نامه لتو شد، پیروزی هم
بسیار بجا و سریز نگاه صورت گرفته است . اسا
حتی تا بعد از انتقال شرطوطی ایران و به معجزه
برداشت، برداشت مبارزین همان زمان هم بود .
پیروزی اولیه، وحدت رهبری از قوت وحدت
انداده و میسر حواتد تغییر یافته است .
مثلما، به عنوان اولین نمونه به مسئلی
جنگها ایران و روس اشاره می‌کنم و نفع عالم

چندی پیش که به مسجد کوچک محله مسان
دستوت شده بود، منتع سخنان خطیبی شدم که
در نهایت فماحت در باب حق و نهم و مقام
رواحنیت پیشو و راهنمایی و افزگذاری اش در
جنبش های علی ایران ادا شد . اما وقتی صحیح
از قیام و واقعی تحریم تنباکو در میان آمد ،
تنها به ذکر سیر و قایع قیام و پیروزی آن و

لتو امتیاز «رژی» اکتفا شد و برخواست پس از
آن که شاید همانقدر اهیت تاریخی داشت ،
اشاره‌ای نرفت . یعنی من منتع چنین برداشت
که کار همین تحطممان می‌آید انتخاب
و عرضه کیم . این مقدمه را به آن خاطر آوردم
که یادمان ناشد تاریخ ، همانقدر که داوری
سخت گیر و بی‌گذشت است ، همانقدر هم میتواند
در دستها فرم و راحت بخرخد و فقط تکای از
قصه‌ای را بگوید و نگذرد .

جایی خواندم که نوشته بود «مهمندان درس
تاریخ ایست که از تاریخ درس نمیگیرند». البته
اغلب همیطور است ، اما اینرا هم از تاریخ
آموخته‌ایم که مهدی استاد و مدارکی که دال بسر
می‌اعتباری یا غیر لازم بودن آن ذکر می‌شود ، از
خود تاریخ فراموش آید ۱

اما تاریخ را حتی اگر به عنوان عصای دست
یا چرخ ینچم درنیک هم بگیریم باز نایابی گریش
و نیت خاص (هرقدر هم که باشند این نیت)
تمام آنرا اختیار کیم . یعنی نیایم
آنقدری که به کار همین تحطممان می‌آید انتخاب
و عرضه کیم . این مقدمه را به آن خاطر آوردم
که یادمان ناشد تاریخ ، همانقدر که داوری
سخت گیر و بی‌گذشت است ، همانقدر هم میتواند
در دستها فرم و راحت بخرخد و فقط تکای از
قصه‌ای را بگوید و نگذرد .

در همان زمان نوشت «دو سه مرتبه عرض کرده بودم که این کار آخر بد دارد». قضیه تحریم تباکو معروف‌تر از آن است که به شرح دوباره تبازی آند، مختصر، سیار سگین خواهد بود. که هیتلور هم شد و به قصد دلچسپی روسها، حاجی میرزا مسیح میدانیم که وقتی کار مالا مکرفت، میرزا حسن آشیانی زمام بیارزه را نیابتی در اختیار گرفت. استفانی از میرزا شیرازی صورت گرفت به این شرح «جنت‌الاسلاماً، ادام‌الله‌عمر ک‌العالی»، سایر وسعنی که در پلاد اسلام در باب تباکو پیش‌آمد فعلاً کشیدن غلبه چه صورت دارد و تکلیف مسلمانان چه است. متدعاً است آنکه قیام‌های ملی به سوی بیگانه آخه شده است، اما آرام آرام این «حکومت» است که دارد مقابله که «سم‌الشارحن‌الرحم» الیوم استعمال تباکو درین و علماء قرار میگیرد.

در همین مسئله تبعید میرزا مسیح، متأوّت مردم و عدم تعایشان به این تبعید به شکل شورش و غوغای به دنبال این فتوی جان‌بالا گرفت که حکومت مستقر ناصر الدین شاه بـه لرزیدن افتاد و قبول وسیع فتوی، نایشكـر فناذ کلام رهبران و میل مردم به بیارزه شد. مجتهد مرکزیت یافته بود نصافی بود. حکومت پیش از پیش در مظلان اتهام خیات و همکاری با قدرتمندی بیگانه ناسلمان فرار داشت. علماً طبیعت رهبری مخالفت با آنرا داشتند. اما بهر حال حاج میرزا مسیح تبعید شد.

حال برپم سر اصل. مطلب. تحریم تباکو در دنیالی مخالفت ریشدار علماء به خاطر اعطای امتیازات گوناگون به بیگانگان آغاز شد. آغاز رسمی اعتراض به این از صورت تلکرافی که در ۱۹ ذی‌الحجـی سال ۱۳۰۸ هجری قمری، «جناب میرزا حسن شیرازی که اعلم و بزرگ مجتهـدین» بود، به ناصر الدین شاه مخابر کرده بسود معلوم می‌شود. در روزنامه خاطرات اعتماد‌السلطنه متن کامل این تلکرام آمده است (ص ۷۸۰) که مفصل است و بخشی از آن چنین است «... نظر به تواصل اغوار بوقوع وقایع چند که توانی از عرض مفاد آنها خلاف رعایت حقوق دین و دولت است عرضه میدارد که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالفه و تردـد آنها با سالمین و اجرای عمل تباکو و بانک و رامـن و غیرها از جهات چند منافق صریح قرآن مجید و نوامیں الهیه و موهمن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و مسوج بربـشانی رعیت است». اما وقتی به قبول اعتماد‌السلطنه جوابی به قاعده به این تلکراف مبارزه نیز مراجـل بسیار قاطع و حساب‌شده بودند «ماده غایط شده بود» و او خود اقتصادی حکومت و صاحب‌امتیاز منهـش ش

روجانیون طراز اول و مبارز در آن که باشور و حبـیت فوق‌العادـه، این نبرد هـد استعمالی و صد امیریالیستی را صحـه گذاشتند. اعلام جهـاد برـضـد روـسـها کـه به قول مـولـعـ کـتاب «نقش روحـانـیـت پـیـشوـرـوـ». استاد حـامـدـالـکـار: «مـداـخلـهـ مـسـتـقـیـمـ علمـاـ تـنـورـ هـیـجانـ رـاـ گـرـمـتـ کـرـدـ ... وـ علمـاـ رـاـ بـعـنـانـ رـهـرـانـ وـاقـعـیـ مـلتـ جـلوـگـشـ سـاختـ» و آقا سید محمد اصفهـانـیـ، ما اینکـه مـیدـانـتـ مـصـادرـ اـمـرـ وـ حـکـومـتـیـانـ دـجـارـ تـرـدـیدـ وـ تـرـازـلـ شـدـانـدـ، در رـاهـ برـانـگـیـختـنـ وـ اـعـلامـ جـهـادـ سـختـ کـوـشـیدـ. اـزـ کـرـبـلاـهـ اـیرـانـ آـمـدـ وـ مـوـقـعـشـ اـحـسـاـتـ مـذـهـبـیـ رـاـ بـهـ حـرـكـتـ دـرـآـورـدـ وـ عـاقـبـتـ درـ حـالـتـیـکـ «فـتحـمـلـ شـاهـ حتـیـ اـزـ نـاصـرـ الدـینـ شـاهـ درـ هـیـجانـ عـلـیـ اـنـحـصارـ تـبـاـکـوـ خـودـ رـاـ تـهـنـهـتـ یـافتـ»، اـعـلامـ جـهـادـ نـدـ. اـماـ خـوبـ مـدـایـمـ کـهـ اـینـ هـیـجانـ درـ خـانـ خـلـوـرـ درـ اـسـرـ باـزـیـهـایـ حـکـومـتـ وـ بـرـنـامـرـیـزـیـ غـلطـ، اـزـ سـیـسـارـانـدـهـیـ خـودـ بـیـرونـ شـدـ وـ شـدـ آـنـجـهـ نـعـیـ بـایـسـتـ نـدـ. آـقاـ سـیدـ محمدـ اـسـفـهـانـیـ هـمـ «بـهـ سـبـ شـکـتـهـایـ اـیرـانـ وـ رـقـارـ نـامـهـ شـاهـ نـسبـتـ بـهـ اوـ دـلـکـشـهـ شـدـ ... وـ مـرـدـ». اـینـ کـهـ اـزـ اـینـ حـادـثـیـ دـیـکـرـیـ کـهـ الـبـتـهـ نـهـ بـهـ اـینـ اـعـمـیـتـ، اـماـ نـایـشكـرـ مـقاـومـتـ مـلـیـ وـ هـدـ استـعمالـیـ مـرـدمـ بـرـهـبـرـیـ عـلـاـ وـ روـحـانـیـونـ درـ وـاقـعـیـ کـرـبـلـاـیـوـفـ استـ.

در این حادثه هم، رهبری روحاـنـیـونـ در احـقـاقـ حقوقـ مـسلمـانـ وـ مـقاـومـتـ درـ قـیـالـ فـتـارـ سـیـاسـ وـ اـسـتـعـمارـیـ اـمـیرـاطـورـیـ مـقـتـدـرـیـ جـسـونـ رـوـسـیـ، درـ قـالـ بـهـانـهـایـ بـهـ ظـاهـرـ سـادـهـ اـمـاـ درـ باـطـنـ سـیـارـ بـرـسـماـ ظـاهـرـ شـدـ. مرـدمـ تـهـرانـ کـهـ «تـوـمـیدـ اـزـ حـکـومـتـ کـهـ بـهـ خـونـکـامـیـ کـرـبـلـاـیـوـفـ گـرـدنـ نـهـادـ بـودـ» بـهـ دـامـانـ عـلـاـ آـوـيـختـ وـ درـ شـورـشـ عـظـيمـ، کـرـبـلـاـيـوـفـ بـهـ قـتـلـ رسـيدـ. مـراـحلـ بعدـ اـينـ وـاقـعـیـ، دـقـیـقاـ خطـ سـیرـیـ رـاـ تـرـسـیـمـ مـیـکـنـدـ کـهـ بـهـ نـوـعـیـ غـیرـ مـسـتـقـیـمـ درـ دـنـیـالـیـ جـنـهـاـیـ اـیرـانـ وـ رـوـسـ اـتفـاقـ اـفـتـادـ وـ نـوـهـیـ بـسـیـارـ قـطـعنـیـ وـ کـامـلـ آـنـ درـ وـاقـعـیـ زـرـیـ وـ اـقـلـابـ مـشـروـطـهـ حـادـثـ شـدـ. یـعنـیـ بـیـسـ اـزـ مـقاـومـتـ وـ اـعـتـارـ بـرـحقـ عـلـمـ وـ مـرـدمـ وـ بـیـسـ اـزـ اـتـعـامـ وـ فـرـوـشـتـنـ شـورـ وـ هـیـجانـ اـمـرـ اـدـامـیـ کـارـ ... کـهـ اـزـ آـغـازـ مـحـابـیـ شـدـ وـ تـنـهاـ جـنـبـیـ حـقـایـقـ آـنـ درـ درـجـهـ اـولـ وـ قـیـامـ بـلـاقـاسـلـهـ درـ بـیـ آـنـ مـنـظـورـ نـظرـ شـدـ بـودـ ... بـرـ هـمـهـیـ دـولـتـیـانـ اـفـتـادـ وـ اـزـ مـرـدمـ مـشـترـعـ شـدـ. بـرـدـاـخـتـ جـرـیـهـیـ مـفـوـلـانـهـ وـ اـسـتـالـتـ وـ عـذرـخـواـهـیـ وـ سـرـشـکـتـگـیـ بـیـ اـزـ آـنـ، قـطـعاـ آـنـ

که رجال و مصادر دربار ناصری به دریوزگی و چاره‌یابی‌هایی افتخار تا با استفراش و پرداخت نهری کلان — عیناً نظیر جنگل‌های ایران و روس و واقعیتی گریب‌بادوف — میدان تازه‌ای برای استقرار نظامی استعمار بیاباند. اشاره‌های هربوط پسیز و قاییم را که به استفراش منجر شد، از کتاب اعتمادالسلطنه می‌آورم:

* شنبه ۱۹ شعبان ۱۳۰۹ — ... حلق‌های‌يون هم چندان تعریفی نداشت. از قراری که میگویند بانک مالیات فارس یا تمام گمرک‌های ایران را رهیں تخریح که خواهد داد میخواهد. انگلیها اگر بررفقه تباکو شکست خوردند حالاً بجهت قرض دادن پول بانک صدرسرخه بیشتر و ملازه میخواهد فایده‌روجایی و جسانی ببرند.

* یکشنبه ۲۷ شعبان ... روز قبل وزیر مختار فرانسه دیدن من آمد بود. میگفت ... این تنخواه را از ما فرانسه‌ها میتواند باشروط خیلی سهل که نه ضرر مالیه و نه ضرر حاليه باشد فرض کند.

* پنجشنبه ۱۶ رمضان ... شارژدار روس آنده بود ... گفت دولت روس حاضر است تنخواه خارت تباکو را باشروط بسیار سهل بدولت ایران بدهد. من جمله میگفت حکم‌طلوزان

که هیجده سال قبل امیاز همین سه اهواز را گرفته بود، درآنوقت انگلیس‌ها مانع شده‌بودند. حالاًکه این بیچارگی دولت ایران را دربار پیدا کرده بول می‌بینند غنیمت شرده تجدید آن امیاز نامه را خواسته‌اند.

* جمعه ۱۷ رمضان ... دراین چندروز سندي سفارت انگلیس دادند که از غرمه رمضان الی انتصاعی چهار ماه دولت ایران بعده میگرد که نهضه‌هار لبره خارت تباکو را بدهد. این سند بصحة و هم ثان رسید.

* دوشنبه ۵ موال ... این‌السلطنه گفت ... سیم تلکرافی از سدراعظم انگلیس رسید که من بدولت ایران قرض نمیدهم. انگلیس‌ها اعتبار نمی‌کنند. بول به شاء قرض بدهند که به خارت تباکو بدهد.

* دوشنبه ۶ موال ... (شاه گفت) انگلیس‌ها با وجود دایکه صدو هشت ازما منتفت میگردند و صدودو از اصل قرض میدادم که رویهم صدو ده میشود. باز بما بول ندادند. باید بروی سفارت روس و بکویی که من از ابتدای مایل استفراش از انگلیسها نویم. و بیر خاشن غافل‌غلان شده‌ی من را مجبور باین کار کرد ... حالاً وقت دستگیری است. چنانچه اظهار کرده بودید که من فرض



میرزا حسن آشتیانی

ثانياً شورش به عنوان یک اقدام فعالانه مسركش حکومت را — که ازگ دولتش باشد — شاهزاد داشت: «... خیر آوردن قریب بیست هزار نفر دور ازگ را گرفته‌اند. پانصدششصد نفر داخل ازگ شدند و جموم به عمارت بردند. درهای ازگ را بسته و قانون ایستاده. اهل شهر بفریاد ملد بنای فحش میدهند و میگویند امن السلطنه را پفرستید بپرون نا بکشیم. جمیع به نایاب السلطنه که میان مردم بالتساس رفته بود که مردم را آرام گند حله کرده بودند. سرباز مجبور شده شلیک کردند. هفت هشت نفر گلوله خورده مردند».

عاقبت اعلان دولتش در همین باب منتشر شد که میان مردم بالتساس رفته که مردم را آرام محض مرحمت از درحق اهالی مملکت در تمام مالک مخرومه ایران عمل احصار تباکو و توتوون دخانیات را موقوف و متوقف فرمودند ... در دادوست تباکو و توتوون و غیره از این تاریخ بعد برای مردم مجبوریت نیست

اما باز به قول اعتمادالسلطنه که مصالح سرخست این‌السلطنه صدراعظم ناصر الدین شاه بود و اعتقاد داشت که باعث و نی این فتنه است. اعلانی که از جانب کارگزار حارجی منشت شد مبنای خاصی دارد: «خلافه صورت اعلان از اینترنار است: اعلان جون دولت اعلام‌حرمت ... منوبول و احصار دخانیات را کلیت از داخله و خارجه موقوف فرمودند و بنین رسماً نوشند. لهذا بضم تجاری که مادره مرکزی تباکو و توتوون فروخته‌اند اعلان می‌نمایم هر کس بخواهد تباکو و توتوون خود را پس بگیرند اداره دخانیات رفته و قیمت را که برای آن دریافت نموده، رد کند و جنس خود را تحويل بگیرند». اعتمادالسلطنه اضافه می‌کند که «اگر شخص بصیر و عاقلاً در این اعلان بدق تکاه کند می‌بیند که تدلیس انگلیس‌ها بهجه درجه است. ساده‌مسمون این اعلان هم اداره دخانیات برقرار است و هم دولت مجبور است خارت کلی مدان‌ها بدهد». حالاً میرسمیم به مسئله خارت.

نتیجه‌ی موقفيت‌آمیز و پیروزمندی قائم تباکو، در مرحله‌ای رها شد که به نحو غریب پادآور «جهاد جنگ ایران و روس» و واقعیتی گریب‌بادوف است. هرچند خانمی امیاز تباکو در ایران، به قول اساد‌الکار «... یک نتیجه‌ی مستقم داشت و آن افزایش شایان توجه قدرت روحانیون بود»، اما این نتیجه‌ی مهم، قطعاً

لیره قرض کنند ، و نه خارت ، به خود آنها بپردازند ، و دراین میان پیشکش و لفتوالیس هم در کارآید . در دایره‌ی مددو استعمار انگلیس، هم تلاش‌هایی که جهت استعراض از دولتهاست روییه و عشانی و مانکهای آلان و اطربیش و ایطالیا بعمل آمد نهایی نرسد (که اگر بحایی هم رسیده بود فرقی نمیکرد) و عاقبت مبلغ پانصد هزار لیر باقوع سدیش بعدتر چهل سال به صفات گمرکات جنوب از مرز دولت ایران به کمیابی روزی پرداخت شد . هنن اصلی این وام منحوس چنین آغاز میشود :

« دولت علیه ایران بیلین پانصد هزار لیره ایطالیس‌ها به تفصیل ذیل و از قرار صدوش تنزیل از زبانک شاهنشاهی ایران قرض میکند ... » و بخش ازان چنین است :

« ... فصل پنجم - مسافت اداء وجه استعراض عایدی گمرکات سادر خلیج فارس خواهد بود : بوشهر - عباس - لکه - شهر شیراز . » واتهای آن چنین :

« محل همراهانه ناصرالدین شاه : ملکه شد صحیح است . الملکه - السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه فاجار . »

حادثه‌ی « روزی » و قیام تحریم تباکو ، از مراحل بسیار مهم تاریخ ایران است و مقدمه‌ایست بر انقلاب مشروطیت ایران و انقلاب اسلامی حاضر اخیر پیغامیم متعجب انقلابات سد و پیغام‌الله علی که در جهان را ترسم کیم می‌بینیم که در شور و خوارزمش اینکه از لرد سالیبوری اورد و بود که دولت انگلیس بانک و رزی را مجبور کرده است که فوراً قول نماید . منفعتهم در صدوش وسیه هزار لیره اضافه را نخواهد و هنات قرض راهم همان چهل سخه بران که دولت ایران بدرزی میدهد که در آخر هرسال ای جهل سال داده خود . »

« همان‌روز ... (سواد دستخط شاه) وزیر مختار انگلیس تلکرافی از لرد سالیبوری اورد و بود که دولت انگلیس بانک و رزی را مجبور کرده ایشان را همچنان که مختار اینکه از لرد سالیبوری اورد و ملکه شد معتبر فرموده بودند . اوهم فی الفور خانه بازرسها باو فرموده بودند . اوهم فی الفور خانه خود رفته و ایلچی انگلیس را خواسته بسود و مطلب را باو حالی کرده بود . انگلیس‌ها هم زهره‌شان آب شده با این‌السلطان شورت و تدبیر نموده متفق شده تلکرافی از قول سالیبوری ساختند که ما خود از قرار صدوش و هنات قبول داریم که یک کروور لیره نقد در عوض خارت به کمیابی تباکو بپردازیم . مبلغ هم گویا به شاه پیشکش میدادند خانه‌ایم ، شکته نهیز و دریده دهل . »

چطور می‌شود که دل آدم از ایمهه فلاحت و ادبیار و رذالت بدرد نیاید ؟ تندی قیامی که جهان باشور و حقانیت و آرزومندی آغاز شده بود میافتد بدست دریابیان و پادوها و رجاله‌که مه چنین فضاحتی ، از انگلیس‌ها پانصد هزار

وابکار دربار ناصری می‌گذرد تا با چنان استقرارهای سکیسی ، ناچیل‌سال تمام باری سخت بردوش ناسوان ملت نگذارد . در صورتیکه روحا نیت آن رمان ایران بزرگی می‌بواست کار را یکسره کند و حتی اگر لازم شود بانک‌های دیگری پرداخت خارت را به کلی ملن کند ، در تبعیین مبلغ خارت و بخوبی نادیه و گردآوری تجواء لازم نش اساس ایما کند .

انقلاب متروکه‌ی ایران مثال دیگری است از همین نوعه که در این بخت - که بدآخیر رسیده است - نمی‌گشی . اما همین تجزیه را تاکیدی کند و شان می‌بعد که بان انقلاب یا جنیش چطور باید میان همی نزوهای ملی وحدت ایجاد کند و هدف‌های خود را از پیش بدقت معین و مشخص کند و در راه رسیدن عمر احتمال مختلف این عذف‌ها ، بر نامه‌یزی مرحله‌ی مرحله داشته باشد . والا موقوفت شلا قیام تباکو ، بحای یکی موقوفیت کامل این‌العیار ، یک نسبه‌بیروزی بیشتر نخواهد بود .

هرچند که موقوفت تحریم تباکو نه تها در وجہ عملی آن که در وجه تماذیان آن‌هم بود و نشان داد که نه ترک نزوهای ملی (اگرچه از حيث طبقائی متناوت و مختلف و متوجه باشد ، اما در قبال جبهه‌ی معین و حدث شخص و رهبری موبد توافق من تواند جهش پیکان بیابند) می‌توان بدبیروزی رسید .

جمع نزوهای مختلف و طبقات گوناگون که بین رهبری میرزا شیرازی و میرزا حسن انتیابی ممکن شده بود ، بلطفه‌ی پیاز بیروزی قیام دوساره پسراکنده . آن‌ذن حرم‌سراي ناصرالدین شاه و آن اعیانی که سرداری خسرو پوشیده بود و آن‌بازاري و سمنگر و کارگر و زن خانه‌داری که یکیک و یکجهت استعمال دخاین را متوجه و متوقف کرددن ، بعداز ماه جمادی - الاولی ۱۳۰۹ هجری رأطمه‌ی دهنی پیکانی دیگر بیافتد و پاترده‌سال گذشت تا دوباره یکجهت شوند . اما یک قیام ناید ، و نمی‌تواند چنین سهل‌انکار بدمجع و پراکندگی نزوهای نظاره کند !

ولی اشاعره که انقلاب اسلامی حاضر ، موفق خواهد شد پراکندگی و نفاقها و نفرجهای را ، متدبیر و تحریبه‌ای که حاصل تسامه‌ای پیاوی است ، مانع شود و نیروی طیم ملت ایران را قادر و فعال و پیچدهت ، درحالی از انقلاب متمر و پیادار شگاه دارد .

که می‌گوید از تاریخ نمی‌شود درس گرفت ؟ ما می‌گیریم و می‌شود .

مصاحبه

ترجمه از کردی
احمد شریفی
عکس: ابراهیم خلیلی

بسیاری از فئودالهای
مناطق مریوان و ...
از قاده وقت بشیانی
بی کند و برای انقلاب
توطئه چینی .



مصاحبه‌ی با رهبر
اتحادیه کردهای عراق

اکثریت خلق کرد ایران ،
زیر رهبری عزالدین حسینی
در بی خودختاری آنده .
اگر خوده ختاری به عناصر
ارتجاعی و واسته ، به
جای نمایندگان واقعی تگرد
داده شود ، امیدی به آن
نیست .

انقلاب ایران، خلقهای منطقه را از خواب بیدار کرد

عیداش نهی رامی توان شاخت - که نواده‌های او هم اینک در ایران برمی‌برند -
یا انقلاب شیخ عبید در کردستان ترکیه ، انقلاب شیخ محمود در کردستان عراق
و قاضی محمد جاوید در کردستان ایران ، کردنا در همه‌ی این دفعات چون
امروز که عزالدین حسینی را به رهبری خود بروگردیده‌اند . فردی مذهبی و روحاً
برچادر مازرات آنان بوده است .
هفتاد گذشته در ت از پاران گروه سینماهی آزاد مکریان ، پس از نالش
بسیار و طی راههای پر خطر توانستند بد کام طالبای راه یابند و همراه نهیه
اخصوصی در اختیار « تهران صور » قرار گرفته در زیر می‌آید .
سابقهی مبارزه کردها طولانی ، در آن نخست بار در سال ۱۸۷۶ شیخ



رهنودی مازر، حلق کرد به است طبیعی مازر از توده‌ای و همگانی و هماهنگی با نیروهای مازر و پیشو خلنهای خاورمیانه است و نیز مازر آشنازی با این اصول و این خواستها بود که انقلاب مسلحه در کردستان عراق از سر گرفته شد و سازمان یافت در این مرحله از انقلاب توده‌ای خلنهای عراقی، نیروهای پارزمانی و مسلح ما همچنان هستند و مدافعان ساخت قشنهای زحمتکش حاممه‌اند.

اما، مازر، ما تنها در پیکار مسلحه خلاصه نمی‌شود، اتحادیه منهني کردستان دارای فعالیت گسترده سیاسی نیز هست، مازر از جرکهای حق خواهان دعمنان، کارگران عراقی تائید و پشتیبانی نمود، با آشنازی و درک این حقیقت که هر حرکت انقلابی در جوان هم اگر مورد تائید نیروهای ترقی و مازر و زحمتکش جهان فرار گرفت محکوم به زوال است، پس اتحادیه وطنی کردستان عراق با تحارب علمی و عملی، توانسته انقلاب حلق کرد را در مسیر مبارزات طبیعی خلنهای جهان قرار دهیم و در این رهگذر توانسته‌ایم ارتباط مستقیم که بین چشیدن کردی «کوردا یه‌تی» و انقلاب ترقی‌جهانی هست، چه از نظر علمی و چه از نظر عملی برقرار نمائیم و با چنین‌های ترقی

و ما این مازر نواده‌ای را نا رسیدن بخواهیم خلق ادامه خواهیم داد، در همان ابتدای مازر، نوین نا آشنازی به این اصول و این خواستها بود که انقلاب مسلحه در کردستان عراق از سر گرفته شد و سازمان یافت در این مرحله از انقلاب توده‌ای خلنهای عراقی، نیروهای پارزمانی و مسلح ما همچنان هستند و مدافعان ساخت قشنهای زحمتکش حاممه‌اند.

اما، مازر، ما تنها در پیکار مسلحه خلاصه نمی‌شود، اتحادیه منهني کردستان از فعالیت گسترده سیاسی نیز هست، مازر از جرکهای حق خواهان دعمنان، کارگران عراقی را در شهر و روستا رهبری می‌کنم، حتی رهبری چنین‌های مصلحین و معلمین نیز بر عهده ماست که در جمیع این اعمال بخشی از فعالیتهای غیرنظامی و فعالیت سیاسی اتحادیه ما را تشکیل میدهند، از طرف دیگر از دیدگاه نظامی عرض شود، ما تا حال به موقیتهای چشمگیری نایبل آدمهایم در گامهای نخست توانسته‌ایم که سازمانهای منظم پارزمانی ایجاد کیم، بـ طوریکه اکنون اکثر ماطق کردستان عراق را در برگرفته‌اند؛ مهتر از همه کوشش ما بسیار

سـ مام جلال، ناکنون چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی، آیا شما و بطور کلی اتحادیه وطنی کردستان چه گامهایی برداشته و به چه نتایجی رسیده و موقعیت گونی شما چگونه است؟

جـ اتحادیه وطنی کردستان عراق از چهار سال قبیل تشکیل شده و سازمان یافته، یعنی پس از اینکه رهبری بورزوای عشیره‌ای بارزانی به مرغان شاه و سیا، بدنبال توافق صدام و شاه در اخراجی و اعلام بیان مازر، در کردستان از سوی بارزانی، نیروهای مترقبی و پیشو و از مخواه حلق کرد با توجه به اینکه مازر، پایان نیافریده می‌دانستم، لذا اقدام به تشکیل اتحادیه وطنی کردستان گردید تا برای بدست آوردن حقوق حقه حلق کرد مازرات میهند خود را دنبال کند، بمقیده من نا موقعی که حلق کرد به خواستهای مشروع و دمکراتی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خود نرسد مازر، پایان نیافرست است ۶ بهمن ماسته ما در اتحادیه وطنی کردستان به سازماندهی نیروهای پارزمانی برای چنگ مسلحه انتقام کردستان را حلق کرد و همه خلنهای دیگر عراق بحق مشروع خود دست یابد

عراق «مشهور بود و سال پیش به بیماری سرطان درگذشت در طول سالها، با آن که به سر سپردگی به غرب مشهور بود، ولی فراز و نیشی دید، مدت صدیقه حکومت ایرانی کفر به انهدام آن نهست بسته بود و اما به شوروی پناهید، باز سالهایی بعد از انقلاب عراق، با کافک دریخ ایران، با عراق چنگید، در آخر کار بین فربانی توافق شاه و صدام عسین شد و در تهران تحت‌نظر بود، بعد به آمریکا فرستاده شد و در همانجا درگذشت.

اما او رهبر کردی عراق نبود. چبهه‌های گوناگون بودند که جدا از او فعالیت می‌کردند، از بین آنها که عشیره‌یی از کردیها را بین پشت سر دارد، بارزانی‌ها بودند، همانها که اینک هستند، جلال طالبی که به عنوان رهبر کردیها

کردند از نژاد پاک آریانی، از آن اقدام‌اند، که سالیان دراز برای آزادی و داشتن حق تعیین ترنوشت خود چنگیدند، آنان اینک سپارچه‌اند، در ایران، در عراق و در ترکیه، بدعفات استعمار ایران و جهانخواران تصور ایجاد یک کردستان ازاد (پاکشور کردشی) را از جمیع استانهای کردشی این سه کشور در سر پیغامان و گاه نیز بر سر زیارت ایضاً اتفاق نهاد، با کافک را پیغامان که این فکر را هدف مازر خود قرار دهن، در طول تاریخ به زمانهای بسیار برعی خوریم که گوشه‌های ارتقایی مکار ایران، ترکیه و عراق خود را در سر کوبی چنگ کردند و این معدولاً در آن زمانهای اتفاق افتاده که این سکتور از سیاست‌های امپریالیستی دور یا نزدیک پیوی کردند.

علاوه بر این که در مطربات جهان غرب به رهبر کردی



رهاکر با همکاری ما و نیروهای مبارز عراق، اتحادیه وسیع بنام «تجمع لوطنی العراقی» تشکیل داده‌ایم که غیر از نیروهای مبارز و توده‌ای کرد از سازمانهای سیاسی عرب عراق چون «حزب سنت عربی اشتراکی» که یک سازمان پیشوای حزب بیانیت است، یا جمعیت «ائز القویم الشترائی» حزب بیانیت است، یا جمیعت «ائز القویم الشترائی» حزب الشترائی العربی و حزب الشترائی، تشکیل یافته و در آن حضوری داردند، ما در همان آغاز مبارزه با این سازمانهای متفرق عربی مبارزه را آغاز کرده‌ایم و از پیشیگانی آنها عقباً برخورداریم و اکنون نیز همه سازمانهای عربی که از آنها یاد کردیم باشانه اتحادیه وطنی کردستان مشترک مبارزه می‌کنیم.

منتها در این اواخر که شکار کمونیستهای عراقی بیدست بینها آغاز شده، چند دن تن از آنها نیز به کردستان پناهنده شده و بینان ما آنده‌اند و گروههای دیگری نیز از اعراب آزادیخواه با ما تفاهمی گرفته‌اند که در صدمیم در آینده، تزیکن جمهه واحد ترقی و سیاستی ایجاد کنیم که در مسیر گیررسانده گروهها و نیروهای پیشتری از فسالین و انقلابیون و سیاسیون عراقی پاند و مبارزه‌ای که در کردستان آغاز شده، می‌باشد به مبارزه رعنایی پیشنهادی حلک‌های عراق گردد و در این راه نیز شمار ما: دموکراسی برای عراق و خودمختاری پسرایی کردستان است، و در این راه مبارزه نیز خواهیم گرد تا نایل به پیروزی، اما در مرور ارتباط و تناس ما با گروههای مبارز و انقلابی ایران یاد گفت، اتحاد ما از همان بدو تأسیس کوشید که با نیروهای انقلابی و مندرجات شاه ارتباط برقرار کند و راه را برای مبارزه مشترک توده‌ای مسوار نماید و در این رهاکر از دیر باز با حضرت آیت‌الله امام خمینی در ارتباط بوده‌ایم و نیز با سازمانهای جمهه می‌لی در اروپا و خاورمیانه مرتبه بوده و هستیم، در ضمن سال گذشته دامنه‌ای را از این اتفاق را گشترش داده و ضمن ارسال نامه بخدمت امام خمینی، نامه‌های نیز برای آیت‌الله شیعیان را منتشر کردند، هم‌اکنون از این سازمانهای اسلامی مهندس بازرگان و دکتر سنجابی ارسال داشته‌اند و می‌توان آن نامه‌ها اعلام کردیم که اتحادیه وطنی کردستان عراق باشانم نیرو از جنیش و سرکت انقلابی آنها استقبال و پیشیگانی نموده و آمده است و دو ظاروش آنان علیه رژیم شاه سفک وارد مبارزه شود بهر نجومی که آنها بخواهند، همچون ما با سازمان پهپاکی‌های فدائی حلک، سازمان مجاهدین حلک و دیگر سازمانهای اتحادیه، که برجم مبارزات زحمکشان، و توده‌های رنجور و اتفاقاً حلک کرد را در «راق بوسون گرفتیم، اتحاد رایگانه راه پیروزی داشته و لذا با همه قشرها و سازمانهای مبارز و انقلابی عراق اعم از کرد و عرب و دیگران، دلیله دیکاتور فاشیست بنداد، علیه استثمار اسن از انسان آزادی حلک های تحت ستم همکاری ایران از انسان آزادی حلک های تحت ستم همکاری ایران هم یاد گفت که اتحادیه وطنی کردستان ایران هم یاد گفت که اتحادیه وطنی



زحمکشان جهان و در راس آنها نیروهای مبارز خاورمیانه بیرون پروردی اتفاق ایشان، این عمل نیز اقدام بسیار مهم و انقلابی است برای اتحادیه وطنی کردستان. س - جناب طالب‌الله، چنانکه اطلاع دارید و می‌دانید، اتفاق دگرگون‌بخش در ایران روی داد و پیروزی داشت، آیا پیروزی اتفاق ایشان چه از نظر سیاسی، نظامی و چه از نظر اقتصادی، اجتماعی، تأثیری بر اتفاق کرد در عراق داشت؟ و از چه دیدگاهی تعریش بیشتر بوده؟

ج - برادر، پیروزی اتفاق ایشان، پیروزی همه خلق‌های خاورمیانه بود، رستمیون رزیم شاه ارتیاع، تاثیر مبتنی داشت بر همه‌ی جمیعتهای هند امپراتوری ایشان نیز داشت بر همه‌ی سازمان آزادیبخش، فلسطین یا سازمانهای مبارز و انقلابی ایران و ترکیه چگونه است؟ و اصولاً آنها ارتباطی دارند؟

ج - ما در اتحادیه وطنی کردستان، از همان نخستین روزهای سازماندهی اتحادیه، که برجم مبارزات زحمکشان، و توده‌های رنجور و اتفاقاً حلک کرد را در «راق بوسون گرفتیم، نیز پنجه‌کش شاه مبارزه با ما برخاسته بودند ولی اکنون که دیگر شاه نیست و ارتش شاه هم نیست، ارتش ایران با نظام فاشیست عراق همکاری نمیکند و همن عزم همکاری ارتش ایران با ارتش عراق دستاورد گرانهایی است بسیار

<p>موقت پشتیبانی می‌کند و علیه انقلاب ما توطله چینی می‌شود.</p> <p>س - میویا یکی از کسانی که ادعای رهبری در کردستان ایران دارد هم با آنها همکاری دارد، اینطور شنیده‌ام از آن جمله حزب مکرات کردستان.</p> <p>ج - راست را بخواهد بدرست نمیدانم، منهن مانند شما چیزهای شنیدم ام ولی بسیاری از فنودهای آن منطقه از قبیله جانبداری می‌کند بطور کلی رهبری حکومت خودمنحتر کردستان مهم است که آیا درست چه کروه و عنصری خواهد بود مثلا در همین ایران تادریوز در اس رهبری آن شاه قرار داشت چهاق بدت امیریالیم علیه نیروهای متفرق بود ولی اکنون دانشندی چون امام خمینی در اس رهبری قرار دارد که کوبیش سودش بهمه‌ی نیروهای متفرق و مبارز میرسد.</p> <p>س - ماجراجال گذشته از این مسائل، نیروهای اتحادیه وطنی کردستان بطور کلی از نظر اقتصادی ، درمان ، دکتر ، خوارک و پوشک در موضع نیستند؟</p> <p>ج - انقلاب ما یک انقلاب خودکفایت و از همان گامهای نخستین ما متنکی بخود و نیروهای مولده خلق خود بوده‌ایم ، متأسفانه خلق کرد « منظورم خلق کرد در عراق است » از نظر اقتصادی عقب افتاده است و بهمین جهت ما نیز کمپودهای فراوانی داریم، ولی خوب چشمیشود کرد ، باید ساخت ، باور کنید بعضی اوقات روزها بوده که به لئنه نائی محتاج بوده‌ایم ، تصادفاً امروز که یادداشت‌هایم را مرور میکردم، که نوشتام ، پارسال همین موقعها خود باگروهی از افراد در محفظه دولتی در محاسن ارتش ایران و عراق قرار گرفته بودم، از نظر خوراک‌سخت در موضعیت بودیم و روزها را با قارچ و گستر و دیگر گیاهان کوهی سر میبردیم آن‌ها خشک شدند پیشمرگ جهت خرید نان آن خشک و خالی بمزدهای ایران فتنده‌که ازوی ارتش ایران دستگیر شدند، بطور کل ما از نظر اقتصادی کمپودهای داریم ولی دلیل نیشود که ما نهضت را بخاطر نان و خوارک و دیگر کمپودهای رها کنیم .</p>	<p>نیروهای سیاسی و پیشو اخلاقهای ایران بستکی دارد تاما ، تاجیکی که من شنیده‌ام اکثریت انسانیت کشید که این اخبار با « جمیعت انسانیت » میکرد در از این اخبار باشد آوردن خودمنحتری، انتخاب آیت‌الله سید عزالدین حسین را به رهبری انتخاب کرده‌اند که حتی در این انتخاب همه نیروهای پیشو اخلاق کرد در ایران سهیم بوده‌اند از آن جمله حزب مکرات کردستان .</p> <p>س - جناب طالب‌الایم ، حال که نام حضرت آیت‌الله سید عزالدین حسینی به میان آمد ، میخواستم برسیم که آیا شما و اتحادیه نعمت رهبری شما با حضرت آیت‌الله حسینی رهبر کردستان ایران ارتباط دارید ؟ منظور ما از دیدگاه سیاسی ۲</p> <p>ج - بطور یکه اطلاع حاصل کردم‌ایم ، حضرت آیت‌الله حسینی مورد تائید اکثریت خلق کرد ایران برای رهبری مذاکرات بادولت مرکزی ایران است، ما نیز نسبت به این نهایت احترام را روا می‌داریم و ایشان را مرد داشتند و رهبر بزرگی می‌دانیم، اما تأسیفه ناکنون ما بخدمت ایشان نرسیده‌ایم و دیدار و ناسی مستقیم بین ما نیوذه ، زیرا سیاست ما عدم‌داخله در امور کشورهای همچو روسیه و مسجات متفرق عربی در ارتباط می‌باشیم که در راس آنها نهضت آزادی پیش فلسطین قرار دارد، ما باشان ناخده و گروههای فلسطینی غیر از گروهی که دست برورده عراق است ، تماش داریم مانند القاع - صاعقه - چجهه دمکراتیک فلسطین - چجهه آزادی فلسطین، قیاده ابوحصار و سایر سازمانهای چریکی فلسطین را دوستان خود می‌خواهیم و با آنها تماش داریم، حتی ما با سازمانهای دانشجوی فلسطینی و سایر خلقهای عرب نیز در ارتباط می‌باشیم و برادری کرد و عرب و مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک شمار مبارزاتی ماست.</p> <p>س - آیا بعفینه شما ، این حزب تا چه حدی قادر به استحقاق حقوق خلق کرد در ایران است ؟ آیا بنظر شما این اندیام .</p> <p>س - آیا اگر به کسردهای ایران خودمنحتری کردستان ایران تأثیراتی از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی برای شما خواهد داشت یا نه ؟</p> <p>ج - قضاوت در مورد حزب دموکرات کردستان ایران بر عهده می‌شود به توجه‌های خلق کردستان ایران و آنانندکه باید به چینی سوالی پاسخ دهند ، اما تاجیکی که به این ارتباط دارد اینست که ما آنرا یک سازمان و حزب متفرق و ملی می‌دانیم و بهمین علت نیز باوی در ارتباط هستیم ، ما بهزیر معمکرات به صورت یک حزب ملی می‌نگریم که خواهان دموکراسی برای ایران و خودمنحتری برای کردستان ایران است، بنظر ما نیز بستکی دارد بعد از این شمار نیز نیروهای متفرق کردستان و مبارزه مشترک همه نیروهای سیاسی و ملی ایران ام از گرد - ترک آذربایجانی - فارس - بلوج - ترکمن و عرب باعث سقوط و نزدیکی شاه شد و آنها خلقهای ایران هستند و حق دارند که خواستار آند ولی در هر صورت این مسئله‌ای است که بیشتر به خود</p>
---	--

شعر

اردلان سرفراز

برای: چریک فلسطینی

- من ،
— والاترین نماد ،
— و ناب ترین شکل عشق را ،
— که عشق به خاک است ،
— در قامت حماسه ای تو ،
— که قامت آزادی ،
— تمثیل بی دریغ ترین ایثار ،
— اسطوره همیشه پیکار است ،
— می بینم و به عشق می اندیشم

* * *

- اینک صدای اسلحه تو ،
— آواز دلشین و تازه عشق است
— و دستپایت ،
— بر ماشه مسلسل
— معیارهای تازه ایثار را — دلاورانه ترین بنیاد .
— و گامهایت ، برخاک ،
— « خاکی که خاستگاه تبار تست »
— راه خلق فلسطین را ،
— رسانیدن فریاد

* * *

- آه ای چریک دلاور ،
— ای چریک فلسطینی ،
— « اسطوره جدید شجاعت » ،
در حصر من ، که عشق رو به زوال است ،
— تو شکل تازه عشقی
— زیرا شهادت ،
— میلاد آدمی ،
معیارهای تازه ایثار است .

یافتن سرزمین گمشده

جلال الدین طکشاد سندج

اگتون	درستهای سیز تو	کرمان	پیدا یت کردم
درستگر بلند هن	با هتراز	ای زخم درشت ناسور	ای سوگوار
نگاه کن	●	برسته تاریخ ۱	بانوی داغدار ۱
کرمان	پیدا یت کردم	برجهزاد	پساز حرارسال
نگاه کن	ای سوگوار	شمیخون وزیده است	پیراهن هنوز
از خود سرخ مرگ	بانوی داغدار	از هزار جاپ	از مرگ سرخ نازداران
سرطام	ای سرزمین گشته ،	خنجر ۸	خوبین است
پادام بزرگت سوگند	پیدا یت کردم	در گلکوی تو نهاده اند	پساز حرارسال
نشش تورا	در روشانی گلولک و مرگ	چکونه ماده ای	تورا هنوز
با رنگ سرخ عون	در مهدیهای عرون	در راهیم دلیاخواران	میان رفته زیبیر سیمه
بر سرمه جه ایهای جهان	در باخیای قلبای تکه تک آرمان خلق	اسپل و باکره	بالرق هکانه
تصویر من کنم ۱	دیگر آسان	چکونه ماده است	از دندن سه
	لش دخت زیست	برهم بلند فتح	●
	●	این بهرق حیل	بانوی داغدار

گفت و گو و جدلی هوشمندانه با ایرج اسکندری (۱)

من همواره بر استقلال حزب توده تأکید داشته‌ام

از ازدای از زندان یکی از بنیان‌گذاران حزب توده بود و به اتفاق پیش‌وری مراسمی مترقب اول حزب را نوشت. از شهریور ۲۰ تا سال ۳۶ که از ایران مهاجرت کرد فعالیت حذف شرط‌دهنده بود. محدودیتی میرزا پس از کودنای خود علیه مجلس انقلابی، سیاسی او به عنوان یکی از اعضاً کمیته در کزی و میات اجرائیه از او یکی از چهره‌های بر جسته حزب را ساخت و در همین دوران بود که او و کیل جاس دوره چهاردهم از مازندران و وزیر پیشنهادی هم در کابینه قوام‌السلطنه شد. پس از تشکیل پرووندهای مبنی بر اینکه او در مقاومت مسلحانه کارگران زیراپ که بد شهید شدن مدحه از کارگران مبارز و پیشو انجیر شد دست داشته است مدتی بخوبی میرزا با پایبردی خود کارم را تقدیس میکند پس از آزادی از زندان و یعنی میرزا از انقلاب فرانسه دیگردی کرد و تازیانه دادم شکجه نمی‌تواند زبان حق را گوتاه کند و ... با سایش فراوان تغییر کرده است، انجاکه در زندان باشاد یعنی میرزا از گرید و تازیانه دادم شکجه نمی‌تواند زبان حق را گوتاه کند و یعنی میرزا با پایبردی خود کارم را تقدیس میکند پس از آزادی از زندان و یعنی میرزا در پلے سوار در تبعید مرد. ایرج اسکندری در مدرسه سیاسی درس میکند پس از اینکه در پلے سوار در تبعید مرد. ایرج اسکندری در مدرسه سیاسی درس خوانده است، با دیدربیت میرزا علی‌اکبرخان دمختا که درس وطن پرستی را با شور هردم خواهی به داشتگرد خوش باد داده است. ایرج اسکندری تحت تأثیر دیارزات گستردۀ ملت ایران علیه قرارداد تگیان ۱۹۱۹ و جنبش مقاومت در زمان اشغال ایران توسط قرای استهادی امکانیس به سیاست روی اورد و خصوصیت او در محیط پیش‌وری مبارزات طلبی و خانواده‌ای که یعنی میرزاها و سیامان میرزاها را همچون چهره سازان تاریخ تربیت کرده بود شکل گرفت.

مجلس انقلابی به دلیل شهادت پدر برای او ماهانه‌ای ۴۵ تومانی تعیین کرد و او با خرج ملت در فرانسه دکترای حقوق و اقتصاد گرفت. در فرانسه عویش سیامان میرزا اسکندری او را با هرتفتی عاوی آشنا کرد و ایرج اسکندری از طریق هرتفتی عاوی با دکتر اروان آشنایی داشت و در انتشار روزنامه پیکار با او عدیکاری کرد. در بازگشت به ایران و در زمان دیکتاتوری سیاه رضاش اول و دیگر اعضای گروه ۵۲ نفر مبارزات خود را علیه دیکتاتوری و استعمار گشترش دادند و سرنوشت ایرج اسکندری از آن پس با تاریخ ایران عجین شد. پس از

ایرج اسکندری در طول میات سیاسی خود بارها علیه انحرافات رهبری مبارزه کرده است. شنبده بودیم که او انتقاداتی در مورد گذشته حزب و سیاستهای ایران از زبان یکی از فعالترین چهره‌های صحنۀ سیاست چه از نظر آشنا شدن با نظرات بخشی از رهبری حزب توده می‌تواند آموزنده باشد. ... ما گفتگو را به دو بخش تقسیم کردیمایم .
بخش دوم برداشت‌های اسکندری از تاریخ گذشته ایران را در بردارد که فقط آینده جا خواهد شد.

ماله تائید چهت عده مبارزه است : یعنی
مبارزه ضد امیریالیست . ما معتقدیم که مبارزه
ضد امیریالیست در شایط کونی اساسی ترین
حرکت را سامان من دهد .

اما حزب تونه در برایر اقدامات ضد دموکراتیک نیرو های انحصار طلب هیچگونه موضع انتقادی ندارد مثلا در مورد تحریر مطبوعات یا حمله و تهاجم به آزادی های سیاسی و اجتماعی . در حالیکه این مونه اقدامات بطور ینهان و یا آشکار از طرف شورای انقلاب حمایت می شود . چرا حزب تونه در برایر این اقدامات ضد دموکراتیک سکوت کرده است .
در ایران یک جریان انقلابی وجود دارد .

له اول آن یعنی از بین بردن دیکاتوری و سرگونی سلطنت به پیروزی رسیده است. اب به تمام مردم تعلق دارد و امام رهبر است. تا وقتی که امام در موضع ضد بالیستی قرار دارد ما باید از او پشتیبانی کنیم، انقلاب ایران دو معنوی دارد: خنده بالیستی - ملی، خنده دیکاتوری - دموکراتیک در حرکتی های اخیر باید دید که کدام جهت عضده در شرایط فعلی همانطور که گفتم مبارزه آزادی و دموکراسی واقعی به پیروزی رسید. در حقیقت مبارزه برای آزادی از رژیم برای استقلال دو روی یک سکاند است. اما عدهه مبارزه، مبارزه خند امیر بالیست است. همین اساس ما از امام پشتیبانی می کنیم. درست است که آنها ما را قبول ندارند اما آنها را قبول داریم لیکن این پشتیبانی نباید من تأثیر همچنانی باشد. ما از دموکراسی حقوق دموکراتیک ملت نیز باید دفاع کنیم. اگر چندین بیان نمی آید حتی انتساباتی شده که جزئی است.

چگونه می شود با امیر بالیزمه مبارزه کرد و در عین حال دیکتاتور و احصار طلب بود ؟ فکر نمی کنید برای مبارزه با امیر بالیزمه ما به دو گرسی و شرک کلیه تبرو های مبارز در امر انقلاب نیازمندیم و آیا عملیات ضد دموکراتیک به وحدت خلق در بر اثر امیر بالیزمه ضربه نمی زند ۸

ن درست است . دموکراسی و استقلال دو
دلالی نایابی رند و نیتوان آنها را ازمه
د باید برای هر دو مبارزه کرد .
اما حرب توجه از آزادیهای ملت
دفعه نمی کند و در برابر اندامانی مثل
تخریم ملیوگان حمله به نظاهات و
واکنشی نشان نمی دهد ؟

بازرگان یک سرمایه‌دار صاحب صنعت

ست : دولت نماینده بورژوازی ملی و امام

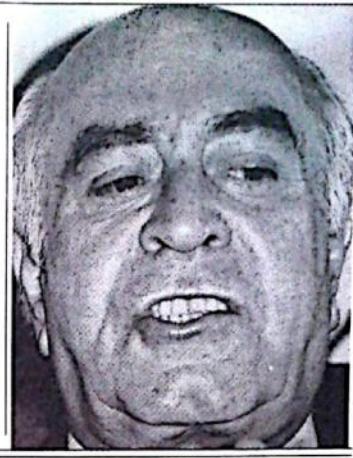
های پشتیبانی می کنیم .
در قانون اساسی نباید به روحانیان
متیاز خاصی داد .

چه نیروهایی و چرا مانع تحقق ضروریترین
امر انقلاب یعنی اتحاد خلق و نیروهای
مبارز هستند؟

به نظر من مقداری عدم درک واقعیت سیاست
کار است. فضایهای قلی، پیش‌داورها،
رزیابی نادرست، انحصار طلسی ناشی از ارجاع
اصلی، مسائل شخصی، تحریکات امیر بالزرم
... اینها مانع اتحاد تبروها است.

حرب توده، شورای انقلاب را تایید
می‌کند، حال آنکه از طرف همین شورا
نه تنها برنامه‌ای برای اتحاد با حرب
توده وجود ندارد بلکه نوعی مبارزه ضد
چیز نیز از سوی برخی عناصر آن بسیج
می‌شود و اساساً این شورا با هر نوع
همکاری با کلیه نیروهای غیر مذهبی
مخالف است. شما این وضعیت راجیگوونه
توضیح میدهید؟

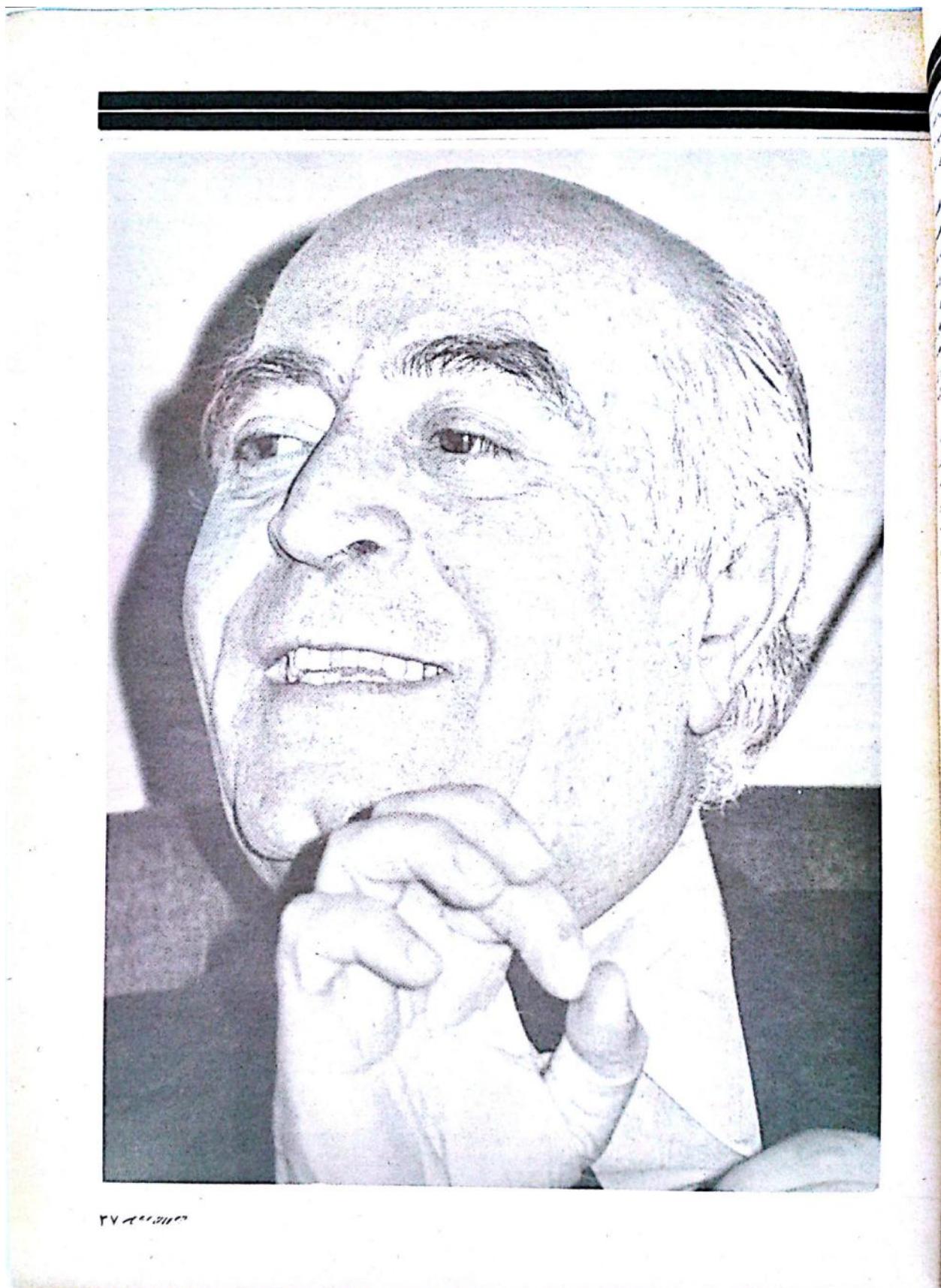
هرگزه سیاست که از طرف اتحاد وحدت
ایجاد شده باشد میگذرد. این را از این
ایجاد کار بگذارد، هر نیزی که بخواهد از
خلق را علیه بعضی دیگر آن بسیج کند، موضع
نادرست و ضد اقلایان اتحاد کرده است، امام
بخارا گفته است «همه باهم» و این به معنی اتحاد
کلیه نیروهای متفرق و مردمی صرف نظر از
اعتقادات ملکی و عقیدتی آنها است اگر تعیین
نیست به یک گروه یا سلک خاص قائل شوند
این دیگر همه باهم نیست بلکه «همه باهم» منهاه
کلان گروه یا فلان اعتقاد است. آنچه اسرور
وجود دارد بعضی‌ها با بعضی‌ها است، نه همه
باهم ۱



آفای اسکندری حال که پس از سالها
مهاجرت به میهن بازگشته اید اوضاع
سیاسی - اجتماعی ایران را چگونه
می‌بینید؟

در کشور ما، یک انقلاب بزرگ خلقش
بووغ پیوسته است. ولایرم تنوع غایید و
نظریات نیز وجود دارد. در این انقلاب بزرگ
خلاق، کلیه مردم کشورمان، دریک تنظیم براساس
یک محور، یعنی «سقوط رژیم پهلوی» متحده‌اند
و تمام مردم با کمال خلوص و فداکاری متفقاً در
این اتحاد بزرگ مبارزه کردند اما علیرغم این
اتحاد نیتوان گفت که میلوانها نفس کثیر
همه از یک طبقه و یک کشتند... نه سطیعی
است که پس از پیروزی انقلاب نظریات مختلف
عنوان نود. تنوع و اختلاف عینده امری کاملاً
طبیعی است و تها عیب اوضاع موجود این است
که پس از آشکار شدن تفاوت غایید، به یک نکته
همه که در موقعیت انقلاب سهم اساسی داشت توجه
شند و آن این که انقلاب در نتیجه اتحاد همه
مردم عملی دد و به پیروزی رسید. اگر کلیه
گروههای سیاسی براساس برنامه‌ها و مسائل
مخصوص مورد توافق، متوجه شوند و به برنامه‌ای
براساس پیشرفت کشور در مراحل بعدی دست
نیایند انقلاب درجا زده و سیر آن کند می‌شود -
دشمن تهدد است و متوجه عمل میکند و زمانی
که بخواهد ضربه بزند، ضربه را محکم خواهد زد.
در شرایط فعلی عدم اتحاد نیروهای ترقی خواه
سایه بزرگی است.

محور اصلی مبارزه در ایران امیر بالیرم
و ارتعاج داخلی است و برای پیروزی،
اتحاد فرهنگ صفوپ خلق و نیروهای
ترقبه امری ضروری و اساسی است.
اما این اتحاد وجود دارد. به نظر شما



<p>نیز مطرح می‌گند، مثل نالید معامله اسلحه بین شوروی و شاه، حمایت از اعطای امنیات نفت شمال به شوروی، مخالفت با صدق و ملی شان نفت و... فکر می‌کنید این اتهامات درست است؟ این مسائل قابل مذکور است... اتهام واپسگی، اتهام تازمای نیست. حزب ما در عین انتراسیونالیست بودن سازمان مستقل است و من معتقد هستم که اتهام واپسگی، اتهام محبیخی نیست، هرچند ممکن است در برخی موارد اشتباهاتی رخ داده باشد... در مورد نوونهای تاریخی که تاکر کردید بهم در این موارد پاره‌ای اشتباهات رخ داده است. بمنظور از اشتباها را پذیرفت و اصلاح کرد. ما باید اشتباها را توجیه کنیم. این به ضرر حزب نود و کلیه نیروهای مترقب و چپ است. اما باید در مقابل اشتباها را پذیرفت و اصلاح کرد. ما باید اشتباها را توجیه کنیم و این باید تصحیح شود، به نظر من حزب توده باید از آزادیها و حقوق مبارزه کند. اما مبارزه در راه حقوق مبارزه کنیم و اتحاد باید برخواصه شخص و برنامه‌های معین صورت گیرد. اتحاد نیروها باید وحدت عمل در مقاطع شخصی باشد که سرانجام و به تدویج به تشکیل چیزهای ضد امیریا لیست منجر خواهد شد.</p> <p>چرا حزب توده با سایر نیروهای چپ و دموکراتیک در برگزاری تظاهرات اول ماه مه همکاری نکرده و میسر تظاهرات هوداران خود را در جهت حزب جمهوری خلق سلطان سازمان داد. آفای کیانوری گفته است که یکی از دلالل این کار این بود که مذهبی‌ها اکثریت دارند. به نظر شما این موضوع درست است؟</p> <p>من وارد نیستم. نمی‌دانم. به عنوان یکی از اعضای هیات اجرایی حزب باید از جریانات اطلاع داشته باشم، اما در این مورد وارد نیستم و از چگونگی اتخاذ تصمیم در این باره اطلاع ندارم. بهتر حال باید کوشید که از هر حزب کسی که در درون نیروهای خلق و دموکراتیک ایجاد شکاف می‌کند، اجتناب کرد. حزب ما باید سیاست تتجدد گفته، و جمع گفته، داشته باشد. این نظر شخصی من است.</p> <p>بین دولت و امام تضادهای وجود دارد. شما این تضادها را چگونه تحلیل می‌کنید و به نظر شما از کدام گرایش باید پشتیبانی کرد دولت یا امام؟</p> <p>من چهتر را که به دو حکومت خانمه دهد تعویت می‌کنم. دولت ناینده بورژوازی ملی است و امام ناینده، خرده بورژوازی شهری و دهقانی. بورژوازی ملی می‌خواهد جامه‌ی زا در هارچیز یک نظام سرمایه‌داری متدل و مستقل نکه دارد. من آفای بازگشان را شخصاً می‌شناسم. او</p>	<p>سرمایه‌دار و صاحب صفت است. اما این موضوع یعنی موضع بورژوازی ملی که دولت ناینده آنست را تایید نمی‌کنیم. ما نمیتوانیم نان خودمان را بخوریم و حلیم شنی باقر را بدhem برینم. مردم انقلاب کردند و باید و نمیتوانیم خرده بورژوازی را در مقابل بورژوازی تائید می‌کنیم. از طرف نیروهای مبارز ضد امیریا لیست از تیارات لیبرال-میانه محلاب بورژوازی دفاع کنیم. مادام موضع مردم هستیم و لذا مواضع درست خود را تکریم کنیم. مادام موضع مردم هستیم و لذا مواضع درست خود را تکریم کنیم. اتحاد باید برخواصه شخص و برنامه‌های معین صورت گیرد. اتحاد نیروها باید وحدت عمل در مقاطع شخصی باشد که سرانجام و به تدویج به تشکیل چیزهای ضد امیریا لیست منجر خواهد شد.</p> <p>بس جرا حرب، در تظاهراتی که از طرف نیروهای مبارز ضد امیریا لیست برای دفاع از آزادی ملعوبات برجزار شد شرک نکرد؟</p> <p>من در این تسمیم وارد نیستم، در جلسات نیودم... هر چند من عضو هیات اجرایی حزب هستم اما نمی‌دانم. شاید حزب فکر کرده است که این تظاهرات علیه آیت‌الله خمینی است و نخواسته است که این تصور را از خود بدمت دهد که با شورای انقلاب مخالف است. بهر حال اگر انتیخو وجود دارد باید تصحیح شود، به نظر من حزب توده باید از آزادیها و حقوق مبارزه کند. اما مبارزه در راه حقوق مبارزه کنیم و اتحاد باید برخواصه شخص و برنامه‌های معین صورت گیرد. اتحاد نیروها باید وحدت عمل در مقاطع شخصی باشد که سرانجام و به تدویج به تشکیل چیزهای ضد امیریا لیست منجر خواهد شد.</p> <p>چرا حزب توده با سایر نیروهای چپ و دموکراتیک در برگزاری تظاهرات اول ماه مه همکاری نکرده و میسر تظاهرات هوداران خود را در جهت حزب جمهوری خلق سلطان سازمان داد. آفای کیانوری گفته است که یکی از دلالل این کار این بود که مذهبی‌ها اکثریت دارند. به نظر شما این موضوع درست است؟</p> <p>من وارد نیستم. نمی‌دانم. به عنوان یکی از اعضای هیات اجرایی حزب باید از جریانات اطلاع داشته باشم، اما در این مورد وارد نیستم و از چگونگی اتخاذ تصمیم در این باره اطلاع ندارم. بهتر حال باید کوشید که از هر حزب کسی که در درون نیروهای خلق و دموکراتیک ایجاد شکاف می‌کند، اجتناب کرد. حزب ما باید سیاست تتجدد گفته، و جمع گفته، داشته باشد. این نظر شخصی من است.</p> <p>بین دولت و امام تضادهای وجود دارد. شما این تضادها را چگونه تحلیل می‌کنید و به نظر شما از کدام گرایش باید پشتیبانی کرد دولت یا امام؟</p> <p>من چهتر را که به دو حکومت خانمه دهد تعویت می‌کنم. دولت ناینده بورژوازی ملی است و امام ناینده، خرده بورژوازی شهری و دهقانی. بورژوازی ملی می‌خواهد جامه‌ی زا در هارچیز یک نظام سرمایه‌داری متدل و مستقل نکه دارد. من آفای بازگشان را شخصاً می‌شناسم. او</p>
---	---

دهد. او فردی غرضی نیست. جامطلب و خوددار است. اما حرفهای مبار درست هم زده است و واقعیتی را زیاد راه مطرح کرده است. اما بدعلت غرضورزی فاکتهای او بدون آلودگی به انحراف نیست. او بدون اجازه حرب به بنداد والجزیره بعد بدجهین رفت و انتساب مانوئیس را که بمسازمان افغانی حرب نموده، معروف شد او بوجود آورد. اما پس از یک‌دهنده از همان دارو دست نیز اخراج شد.

می‌توانم این نتیجه را بکسرم که در

حرب نموده باندیزی رایج است؟

نمی‌توان انکار کرد که از مذکوهای پرسن پیدیدهای نادرست از قبیل باندیزی در حزب ما وجود داشته است که حتی پلومهای کشته

مرکزی را به آن اشاره کرده است. در شرایط فعلی

امیدوارم که تغییراتی در حزب ایجاد شود.

در موعد سیاستهای جاری حرب آیا تمام انتساب رهبری این سیاستها را تایید می‌کند؟

نه اختلاف نظر هست. این طبیعت است اما اختلاف نظر بر اساس نظر اکثریت حل می‌شود.

بنظر شما حرب توده یک حرب ظریز

نوین طبقه کارگر است؟

نه هموز نه. این یک‌دیده، خلق‌الاعانه نیست، انتسابات از قبیل فراکسیون بازی عدم پیوسته

تشکیلات و... وجود دارد.

حرب توده در زمان ملی شدن نفت

و مازرات ضد امیری‌پاییستی ملت ایران

با شمار ملی شدن نفت مخالفت کرده و

خواهان اعطای امتیاز نفت شمال به روسها

بود. حرب توده با دکتر صدق رهبر

ملی ایران نیز مخالفت کرد و او را عامل

آمریکا می‌دانست به نظر شما چرا حرب

این انتسابات را مرتكب شد؟

سیاستهای ما در مواردی که دکتر گردید کاملاً

اشتباه بود. من همان زمان یعنی در دوره مبارزان

ملی شدن نفت نیز اینرا گفت زیرا شمار ما یعنی

شمار لزو قرارداد نفت جنوب دربرابر شمار مصدق

و ملت شمار کاملاً مادرست بود. از طرف چون مصدق

بادادن نفت شمال به روسها مخالفت کرده بود.

این تصور نادرست در رهبری حرب بوجود آمد

که او عامل امریکا است ما در بیان چهارم گفته

مرکزی این انتسابات را قبول کردیم و گفتم

که حرب توده بورژوازی ملی و مصدق را درست

نشاخت. این فکر که مصدق آمریکائی است بورژوازی

از طرف قاسی و نزدیکان او در حرب مطرح شد.

حرب نمودید. با نوجوه به اتفاقاتی که در گذشته داشته‌اید و یا هم اکنون مطرح می‌کنید آیا این شایعه درست است که علت برکاری شما و انتساب آقای کیانوری به علت استقلال طلبی شما بوده است؟

البته در هر حزب اختلاف نظر بین افراد همیشه وجود دارد. نسبت برکاری متن از دیبر کلی حزب در یک جمله هیات اجراییه صورت گرفت. البته با پیش این کار را در طی یک تصمیمه با ذکر اتفاقات می‌کردند اما...

پس دلیل برکاری شما چه بود؟

چرا آنها این کار را کردند؟

هرایش رانی دام... باید اکثیر تضمیمه

گیرند. ده تو پیش دهد...

یعنی به اشاره روسها بود و اینکه

شما در موادی از سیاستهای آنها مانند

درخواست امتیاز نفت شمال یا قضیه

آذربایجان اتفاق داشتند؟

جواب همایش که قلاصر کرد میدانید...

ایا اسلامی در تعیین افرادی که

باید رهبران احزاب کمیتی کشور

های دیگر باشد دخالتی داشت یا نه.

در آن زمان کمیتین داخله می‌کرد. البته

بعد از کمپین‌های داخلانی بوده است، اما من

اسم آرا مداخله نمی‌کدام روابط دولتی و

برادرانه است.

لیروهای چه مخالف حرب توده

می‌گویند، که در حرب دوکرامی نیست

و بالا، آنای کیانوری همه تصمیمات را

می‌گیرد. این درست است؟

آیا باشد، حرب خود را متول بتویند.

آنکه اکثر چنین چیزی در حرب توده وجود

داشته باشد، اسنای حرب واکنش نشان‌خواهد

داد.

خرسروهای روزیه اتفاقاتی نسبت به

حرب مطرح کرده بود و حتی پیشنهاد

اخرج بعضی از انتساب رهبری را داده

بود، چرا به این اتفاقات توجه نداشت؟

اکثریت هیات امن ایله با پیشنهاد او مبنی بر

ایجاد کمیتین داخله می‌کردند. هرچند

اخرج قاسی از حرب مخالفت کردند.

بعدها ثابت شد، که ناسی فردی مسد حزبی بوده

است البته...

آقای کشاورز عنتو سابق گفتته

مرکزی حرب توده در کتابی به نام من

دهم می‌آنم اینها می‌باشد رهبری حرب توده

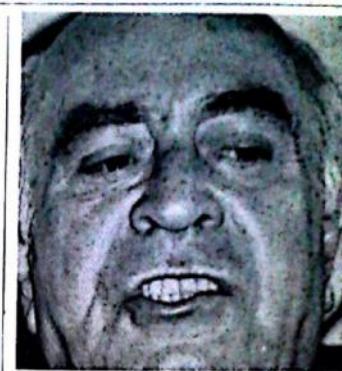
به ویژه بالا، فاسی - کیانوری مطرح

می‌شود.

است آن...

کشاورز موادخود را از تمام انتسابات

حرب ابراهیم کرد و این‌زمانها بدیگران نسبت



بیانید مسائل را از هم نمکیک کیم ...

راجع به تأثید فروش اسلحه، حزب این عمل را

تأثید کرد. فرض کیم همانطور که گفتم این

کار انتساب بود، این را باید بررسی کرد...

حزب فقط یک مقاله در این مورد نوشته و بعدما

هم دنباله آنرا رها کرد. اما این انتساب دلیل

آن نیست که بکوئیم حزب توده عامل خارجی

است، نه، حزب عامل خارجی نیست اما...

زمانی که ایران اشغال بود آقای

کیانوری در جمله دنیا نوشته که منافع

مشروع منقین در ایران باید حفظ شود.

آیا این اعتقاد که منقین منجمله شوروی

در ایران منافع مشروعی دارند نظر حزب

است یا نظر شخص ایشان؟

حزب چنین اعتقادی نداشت و ندارد.

قبل از اداء بعثت خواست این

بریش را مطرح کنم که چرا با وجود

اینکه هیات اجرایی و رهبری حزب

توده در گذشته انتسابات زیاد مرتكب

شده است، همچنان همان افراد در راس

حزب هستند. مثلاً آقای کیانوری دیبر کل

یا اشارة از جایی؟

صدی در کار نیست. این مربوط به اوضاع

داخلی حزب است و البته... حزب سالها در خارج

بوده است و بجزیور به ناگفته در محیط محدود.

وقتی محیط محدود باشد و افراد کم حزب در

مهاجرت، به یک حوض یا یک بر که آب محدود

تبدیل می‌شود و مجبور است دائم دور خودش

پیچ خود. اما در شرایط فعلی همه چیز تغییر

کرده است. ما در ایران در مرحله کوتاهی در

حال ساختن حزب هستیم. ما دیگر پیش شده‌ایم،

باید کادر جوان و جدید و غمال سرکار بسیار.

تها کار ما این بود که حزب را در شرایط سخت

زنده نگهداشتم و نگذاشتم از بنی بروند.

صحبت از دستگاه رهبری حزب توده

شده آقای اسکندری شما حدتی دیبر کل



تقد فیلم دزد دوچرخه

روزهای روز گار ما

صفحه‌ای انتظار مدت‌ها صبر کرده‌اند اصلاً نیمی از مردم ایتالیا چون اویند، آنها نیز ازست داده‌اند و عاقبت دلخوش گردیدند که درزیر پل، در کنار رودخانه‌ای از مکتب سوسیالیسم برایان حرف بله فقط حرف زده، شود البته تنها برای کارگرانی که بیکارند و مکرر آنها که کاری دارند به‌اجبار زندگی، کار را دوست چشیده‌اند.

ایتالیا پس از جنگ در نگاه دیسکا تنها یک ایتالیایی تغیر نیست. ایتالیایی است که فائیس آن را نابود ساخته، همان فائیسی که سدای پایش در اینجا و آنجا شنیده می‌شود. مگر که لازم است حتی ساختمان‌ها خراب شود یا کشtar فراوان ظهرور آن را اعلام کند. فائیس می‌تواند بدیگاره چون بی‌سرپری طاعون با عاملان میکربب اثاعه پیدا کند و دروست، کشور را گرفتار سازد. ایتالیا پس از جنگ گرفتار این طاعون است. هر که باحداقل که دارد خشود است و سعی در حفظ آن دارد، دل‌نگرانی‌ها به حدی است که کودک خردسال نیز در این امر پایدر سهمی است و نگاه کیکاو و بیزار تشویش او هریار امیت را در گذان یک کار عادی فرزند را بعد از مدت زندگی‌های آنهم بالفعه‌ای نان متوجه ساخته و در آخر هردو می‌روند که از درتحمل و مقابله یکی را چاره سازند برای آنها فقط دزد دوچرخه‌شان هم است. دزد زندگی‌شان که در دسترس نیست و تازه همان تاکید زیر کانه ننان از آن دارد که مرد تنهایست، نظایر او فراوان هستند. وقتی که پدر ملافتها را در بانک گرو می‌گشود می‌گذرد پیش از او هزاران نفر چنین کرده‌اند (انیار و جم ملافتها در فلم تاکید صریع دارد) وقتی در تاریکی می‌سیح به سرکار می‌رود و یاصف اتویوس، حتی در مطلق فالکر، این تنها او نیست که دوچرخه و لاجرم زندگی‌اش را ازست داده، همه ادعا می‌کند که در این و دزدان دوچرخه بسیارند!

دستمال بر قی اندازد، حتی ضریحه‌ای که به دیال دوچرخه وارد آمده او را سببی می‌کند و جا به آنکه صدای زنگ پدر راهنم می‌شandas. بیان سینمایی در این لحظات بازترین چشمکشی به بازگوکردن صرف می‌شود و از این پس خواست ما را با خود هم‌گام می‌سازد. لذا اگر جامعه ایتالیا به منحصر گرفته می‌شود، نویسنده‌ها به سحر گرفتندند. فالکر محله از لکلایس شهربک درازای خواهند منش دعا که آتش به دعا کشند می‌هدند کارسازتر است، گردانند فاخته‌خانه‌ای مرتب ادعا می‌کند بازراحت بدر و پسر آنها بیاد می‌روند. وقتی که پدر از یافتن دوچرخه‌اش نااید می‌شود تسمیه می‌کرد همان کار را نکند که با او و گردانند را دزدید، بدگاری از هدف کارساز است، گردانند فاخته‌خانه‌ای مرتب ادعا می‌کند بازراحت بدر و پسر آنها آن را نکانی مهم یافته و لذا ترجیح دادم این نوشت را بعد از تحقیق همراه چند نوشت دیگر درباره دیسکا در حقه‌های بعدین تویس، با این‌وعله، بدگاری من به سوانندگان این صفحه دو مقاوله خواهد بود (یکی درباره دیسکا و یکی هم جایلین که وعده‌اش چند هفته پیش آمد). درباره فیلم دزد دوچرخه تاید بهتر باند فیلم را با شناختی از دیسکا بررسی کرد چرا که هیچ کدام از ساخته‌های او این جنین مثار از خود او نیست، اگر او در فیلم حضور ندارد، اما در هم‌جا سایه‌اش احساس می‌شود، سایه‌ای که از جنگ گرخته، دیسکا ایتالیایی پس از جنگ را به خوبی بمحاطه دارد و حتی سپار آن را وائز آن را. اتری که اولین شناخت اتفاق نیست و بیکاری، جامعه‌ایست متازل که انسان‌ها در نهایت به انسان‌بودن خود به طرق مختلف و آن‌هم نهاده شده‌اند.

نلاش مردی که هستی او از زندگی تنها، یک دوچرخه بوده و در اینجا با کارش وجود دارد. این دوچرخه ضروریست. این مسئله از دوزاویه هنوز مان نه روایت می‌آید. پدر و پسر را به هم‌ریک مادیگری و سعی هردو برای یافتن دوچرخه‌ای که بدسرقت رفته است. پسر تنها اندوخته پدر را خیلی خوب می‌شandas، در اوین روز آغاز کار، آن را با

مطبوعات عرب از حالا شورشان
سلمان را به عنوان دولت پذیرفته‌اند.

افغانستان به کجا می‌رود؟



شنبه‌ایم . هفته گذشته یکنی از روزنامه‌های دور مانده از فرهنگ و فقیری که تفکر مردوش نهاده‌اند ، و کسانی به آنها می‌کوید مرای تحاب اسلام از سیاست‌ها منجستد ، کننه می‌توند ، آیا آرام خواهد گرفت .
آیا حلقه دارد دور گرین خرس من افتاد ؟
مطبوعات غرب ، با وست نیام ، همسی امکانات خود را در اختیار شورشیان قرارداده‌اند ، امکار آنها را از هم اکنون به عنوان دولت آن گشود بذریغه‌اند . نویسنده‌اش ، عکس های نیوزویک از شورشیان تفکر مردوش و ملائی سلطنه نشسته بود . ولی اینک چنین است .
حالا سوال مهم ایست : که افغانستان ، ماچ فرهنگ ما ، خاک ما را ازین سرند . وطن ما در خطر است !

حوادث افغانستان ، به علت مردیکی به ما ، به علت منابع موضع با آنچه در ایران رخ منداد . و از همه اینها مهمتر ، از آنها که آنچه در آنها اتفاق افتاد و پیروز شود ، منصبا در سریوشت ما اثر دارد ، مورد نظر و نوجاهه آنهاست که به آینده ایران من اندیشد .
انقلاب ایران ، شعله حرکت اسلامی و مند حکومت سوسیالیستی را در افغانستان تبزرگرد ، آنها اینجا دارند که از ایران حنی ، جزیاک‌بدانجا صادر نده است ، اما بهر حال هم ایست که پیروزی شورشیان ، باک پیروزی برای حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز خواهد بود .
بدیهیان ایران را در کامون مسایل جهانی



احتیاج به قانون ندارد هدفهای شریعت - حقوقدان:

مطبوعات به هیچ وجه احتیاج نداشته باشد. میراث اسلامی می‌باید در قوانین اسلامی و جرائم مطبوعاتی می‌باید در قوانین اسلامی عویض ذکر شود، زیرا مطبوعات بانک‌های اندیشه، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها هستند و جون ابرار و بان عنیتی، جزئی از آزادی است، (از اعلامیه جهانی حقوق شتر هم که مکنند). لذا و سیله ابراز آن می‌باشد در اختیار همان فرمان کریم.

سرهای بریده!

غلاوه‌حسین سالمی - شاعر:

هر خرفه، انتشار این قانون توهین مستقیم به تمام روزنامه‌نگاران شریف و مبارز است، بهتر بود بعنوان آزم این قانون سرهای بریسه فرخی برید و محمود معوض و چهانگیرخان صور اسرافیل را انتخاب می‌کردند. این قانون استخوانهای آنها را هم در گور می‌لرزاند. و حد الموس برای وزارت جلیله از اراده می‌دوخت انتقامی. و یک سوال، چرا قبل از تدوین و تصویب قانون اساسی در «مجلس موسان» این لایحه آنکه مطبوعات را در تمام جهات می‌گیرد؟

تعیین شود. در مورد امتیاز از پجه ۵ ساله تا پیغمبرد ۹۰ ساله ماید از اراده هرچه داشتن حواس به صورت کتاب، روزنامه، هفت‌نامه، ماهنامه و خلاصه به هرسوری که دلیل حواس جهاد کند. ما این انتشار بزرگ را از انقلاب‌گرفته‌ایم و از سایه انقلاب داریم و به هیچ صورتی اجازه نمی‌دهیم کسی یا کسی، دولت موقت و یا دولت داشتی این حق انقلابی را از ما پس بگیرد.

محدود‌کننده ناصر ایرانی:

هر قانونی محدود کننده است و انقلاب محدودیت نمی‌طلبد. آزادی مطبوعات را بسا موضوع امتیاز محدود کرده‌اند. تعیین نوع مجازات‌های جرائم مطبوعاتی باید طبق قوانین جزائی ماند و آنچه که درست نیست این است که وزارت ارشاد ملی تصور کنند. جزای معموم گنجانده شود و حتی سوابط مربوط به آن نوع مطالعه هم بینی از نوع توهین، افترا و بهتان باید از طریق یک هشت منصبه مشکل از اعضا کانون نویسندگان، کاسوس و کلا، سندیکای نویسندگان مطبوعات و اخراج دفاع از آزادی مطبوعات، اجتنبا و مجامعت مثابه

نظرخواهی از شاعران و نویسندگان درباره لایحه مطبوعات

خیانت به آزادی رضا براهنی:

ما به هیچ وجه نازی نداشیم بلکه لایحه قانونی مطبوعات نداریم، حدود و نور کار گردن در مطبوعات را اکنیت قرب به انداق نویسندگان مطبوعات نه تنها بهتر از تمام کسانی که در وزارت ارشاد ملی «عملی» شهادت می‌دانند بلکه حتی از کلیه آزادی‌خواهان ۷۰ سال گذشته تاریخ ایران هم بهتر و غالباً ضرورت یک مطبوعات آزاد و مسئول را می‌شاند. تحمل هر نوع قانون از طرف هر نوع وزارت‌تخانه به مطبوعاتیان امروز خیانت به آزادی مطبوعات است. هر نوع قانون مربوط به جرم‌های از نوع افترا و غیره باید در قانون و مقررات جزای معموم گنجانده شود و حتی سوابط مربوط به آن نوع مطالعه هم بینی از نوع توهین، افترا و بهتان باید از طریق یک هشت منصبه مشکل از اعضا کانون نویسندگان، کاسوس و کلا، سندیکای نویسندگان مطبوعات و اخراج دفاع از آزادی مطبوعات، اجتنبا و مجامعت مثابه

سینمای سالم را بخانه ببرید

پروژکتور کاستی سوپر ۸ و ناطق فیر جایل امریکا - با فشار یک‌کم درد و ثانیه فیلم مورد نظر بروی پرده تلویزیونی دستگاه و یا پرده بزرگ بنمایش می‌ماید.



برای نمایش سینمای خانوادگی
و کارتن-ویزیتوری و آموزش
گوی آئینه‌ای با
پروژکتورهای
رنگی



توجه - توجه - مکمل دستگاه‌های صوتی برای همه

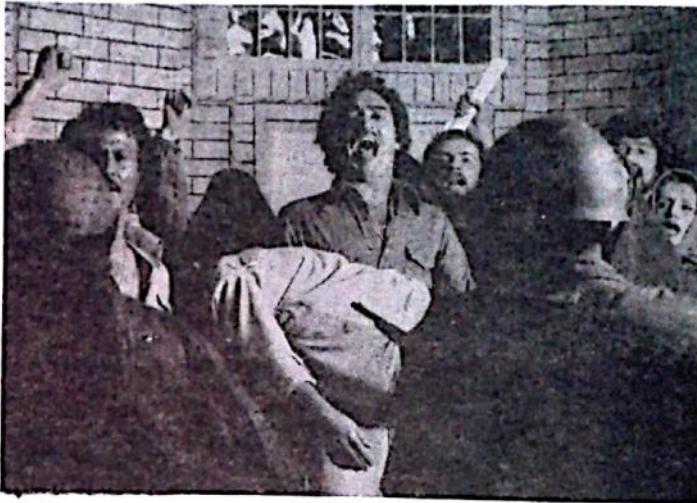
دستگاه‌های موزیک
لایت که از صوت
صدار اگرفته و به نور
منتقل می‌نماید
دستگاه‌های فلاش
(استروب) با
دیسکهای رنگی و
انواع دیگر وسائل
نوری متحرک فرانسه

انواع نورافکن با دیسک
گردان رنگی با سیستم زوم (آپات)

پوبليکو - خیابان نادر شاه جنوبی شماره ۲۸ طبقه دوم تلفن ۸۹۶۸۰۴ - ۸۹۴۴۰۶

کوشش برای رفع توقیف از یک نمایشنامه

ناینده دادستان، یک سرهنگ نیروی هوایی هژمندان و ... به دیدار نمایش توقیف شده رفتند.



برسوناژها را درست کرد و در این صورت کار شما عالیست از شما خواهش خواهش کرد ساند در پاشنه نمایش بدهید.
مخرب دولت آبادی - اگر ما حالا نظرات شما را قول کنیم در آینده فرق؟ اگر بت انت قاضی دانه باشیم می‌آیند و ما را به محکمه می‌کشند این خنثان است اگر فردا یک مدعی خصوصی دیگر بیدا بخود بار می‌آیند در کار تناز مداخله می‌کنند.

فاسیوند - آقایان از اداره تئاتر آئنداند و می‌خواهم از من دفاع کنید یا اگر ایزامد هست بگویند آقای دولت آبادی بنم گوشه زدن من اذکاری ندارم اما روی این نمایش چهار ماه رخت کشیم چکونه می‌توانم نفس گروهیان را خلخ کنم اگر شما رای بدهید خرمی ندارم.
دادیار - من نظر آقایان را نه بعنوان عضو سندیکا، بلکه بعنوان کارشناس نئانسر می‌بدیرم.

دادیار - چون مقدمات کار بدون در نظر گرفتن بعضی موارد صورت گرفته و من عقیده دارم تناز آموزشگاه است ما نباید یک بعدی به قضیه نگاه کنیم کار شما خوب بود، از جهت نمایش اما چون بغض عده آن مربوط به نیروی هوایی یا ارتش است، نایاندگان برسیل خواهند گردید اینها ماجرا کشیده شوند و رای نهادند و این بینشانها با توافق حل شدنی بوده و هست. نماینده برسیل هوایی - این موضوع خصوصی بود خواهش می‌کنم به بیرون فرست

هرچند انکار آن موجب بهتر شدن کار نمایش خواهد شد. در پایان جله با تأکید براینکه نمایشی از نمایش اصلاح بخود بدنی همچ درگیری لطفی در تهایت دوست و محبت از کار این نمایش رفع توقیف بعمل آمد و حاضرین محل تناز را ترک کردند.

محمود دولت آبادی در گفتگوی کوتاهی در مورد این نمایش گفت من فکر می‌کنم که نمایش «فریاد آزادی» با توجه به خواست تعاملگران لازماً بسب کارهای قبل این نوع از تناز رشد یافته ولی جای انتقاد هم باقیست و این را هم یکنون که این نمایش به سه های خنثان چندین و چند ساله تناز لازماً مربوط بیشود که امید است به تدریج هژمندان و کارگران سدیق و زحمت کن این تنازها جنبه های نادرست گروهیان باید عرض بخود.

دادیار - ما در امور نظامی تجربه داریم باید از ما نظر مشورتی بخواهید چون این نمایش باید همراه با اصلاحاتی به اجرا درآید (از خبر تکار خواهش میکنم در این مورد سکوت کنید) یعنانی - نظرات انتقادی شما با تقاضای باید حل شود این یک کار تکنیکی است.

نماینده برسیل هوایی - باید با هستکری (ماجرای در تناز هفغان لازماً اتفاق افتاد).

محمد دولت آبادی - من بفکر آینده هست

ما در گذشته اداره سانور داشتم و این جله برای اینست که جلو سانور را بگیرم تناز

باید از این درگیریها دانه باشد.

سرهنگ نیروی هوایی - شما باید خودتان را

با حکومت اسلامی مطلق کنید.

حسین فاسیوند - من فکر می‌کنم باید در

رفع توقیف بتوپید که طرفین به توافق رسیدند.

سرهنگ نیروی هوایی - مجدداً بیگویند

اگر می‌خواهید تناز اسلامی دانه باشید باید

خودتان را با آن هشتمان کنید، تا در این حکومت

تناز دانه باشیم حالا که ارتش با مردم یکی

هستند ما نایاب بگوییم بولانی و یا تسلیم شد

این نیروی هوایی بود که بمردم بپرسیت نقش

گروهیان باید عرض بخود.

دادیار دادستان - ما می‌توسیم رفیق نمایش

گردیم و این نمایش باید همراه با اصلاحاتی

به اجرا درآید (از خبر تکار خواهش میکنم در

این مورد سکوت کنید)

یعنانی - نظرات انتقادی شما با تقاضای باید

حل شود این یک کار تکنیکی است.

نماینده برسیل هوایی - باید با هستکری

هسته گذشته با احتفار دادستان از نمایش فریاد از ازادی به کارگردانی حسین فاسیوند در

لالهار جلوگیری بعمل آمد. آن نایاندگان برسیل هوایی و همچنین ناینده دادستان و یک سرهنگ نیروی هوایی و از سندیکای تناز آقایان

یلغانی - اکبر زنجابیور و محمود دولت آبادی

و عدمی از کارشناسان تناز و خبرنگاران دریک

نمایش خصوصی از این نمایش دیدن گردند

بدنایال بحث و مشاوره بین طرفین از نمایش رفع

توقیف بعمل آمد آنچه در حاشیه این جلسه

مشورتی گفته شد حاصل یادداشتیهای پراکنده است

که می‌نویسم :

اکبر زنجابیور - تناز و جدان آگاه جامعه

نماینده برسیل هوایی - جون ما در امور

نظامی تجربه داریم باید از ما نظر مشورتی

بخواهید چون این نمایش را برایه مستندسازی

اجرا می‌کنید .

اصغر سمارازاده - از خبر تکاران خواهش

میکنم به بیرون درز نکند.

اسدی مدیر تناز - (به خبر تکار) آقا این

حله خصوصی است بیرون تشریف دانه باشید.

گرفته است آنها به جای «شخص اول مملکت» نهاده اند، شخص اول روحانیت ۱ لایحه مطبوعات یکبار دیگر این واقعیت را نشان داد که دولت موقت انقلابی و رهبران، سرکوب سازمان یافته آزادیها را هدف گیری، گرداند و علیه هر نوع دجالت مردم در کار خود، حركت کی تک در جرا که در ۲۹ ماهه این لایحه مطبوعات پرسید که شرایط عمومی که رایج ترین چیزی که وجود ندارد و کسانی که هیچ گونه حقوق ندارند تویسیدگان و دست اندر کاران مطبوعاتند، طرح لایحه مطبوعات این بیم را همراه دارد که بگذشت؟ آیا باید روش دموکراتیک خود را به نحوه داشت، مردم ما خواهد بود.

نظرخواهی از شاعران و نویسندهای درباره لایحه مطبوعات

بقیه

وارد کار سیاسی شدند و مردم فرق گذاشتند، با آن مابه کذایی باعث می شود که هیجکس جرئت انتقاد را نداشتند. فرض کنم بدای آفای بازگان یکی از مراجع قرار داشتند، تابحال هر کدام از روزنامه‌نگاران به چندین سال حس محکوم شده بودند.

غیر دمکراتیک
دکتر مصطفی رحیمی:

۱ - مطبوعات احتیاج نه لایحه ندارد. مقداری امور هست که بایستی تنظیم شود و خود مطبوعات و سایندگان خود مطبوعات هستند که نظامهای برای کار خود تویسیدند. و به دولت پیامده است که قانون مطبوعات بتویسید و از این دخالتها بکند.

۲ - روزنامه‌نگاری نیاز به امتیاز ندارد و صرف گذاشتن شرایط برای امتیاز افاده ای است غیر دمکراتیک.

۳ - وزارت ارشاد ملی که اسم گذشته برای خود گذاشته به هیچوجه صلاحیت ندارد که به صلاحیت اخلاقی و صلاحیت علمی مقابله روزنامه‌نگاری رسیده باشد.

۴ - جمن و راریجاهای یا هیچ وزارتخانه دلگیری حق ندارد که امتیاز را لغو کند و لغو امتیاز یعنی گرفتن حق ارکمی و این صرفًا در صلاحیت دادگاههای دادگستری است.

۵ - این قانون به تنها امساری برقوایی و لواح پستی‌دار شده رهان طاعون ندارد، بلکه در موادی سر هفتگانی است.

عملیات امنیتی نظری «معروف به درسی» «امانت داری» «تلویزیون سیاسی» «حسن شهرت» ملاهم کشداری اس که هشته به تحریر مطبوعات

صرف نظر از اشکالاتی فنی اجرای چنین قانونی میتوان گفت که این موادیکی از نوشهورترین پدیدهای دیکاتوری سیاه و اختناق و نثار است و وقتی که کشیشها قانون بنویسد میتوان جز این تصور کرد که عدف نابودی سازمان یافته است و نه بازاری برآزاده است.

میتوان پرسید که شرایط عمومی که رایج ترین نوع نشریات در ایران هستند و نه بسته ارسان یک ایدئولوژی حاص بلکه هیجنون بازتاب افکار عمومی جامعه عمل میکنند در اینصورت چه باید بگذشت؟ آیا باید روش دموکراتیک خود را به یکو نهند؟

می‌بینیم که انحصارگران قالب اندیش با طرح این لایحه در صدد تعمیل روش خود به کسانی هستند که امکانات خود را به مردمان سرپرده خود محدود نمی‌کنند بلکه آسرا در اختیار متقدین خویش نیز می‌گذارند.

یکی از تصریه‌های این لایحه نشریات کوئی را موظف به تعیین امتیاز من کند و این امر از حیثیت ترفندی نه چنان زیرگاهه در جهت تصفیه مطبوعات مختلف کوئی است.

ماهه ۱۵ - بر درج نام واقعی تویسید، تاکید دارد این دیگر کامل‌بلیغ و روشن است - هم سistem پلیس در دنیا وجود ندارد که از این دست متناسب خوش باید. از سوی دیگر اعلام نام واقعی افراد و محل کار و دفتر آنها و چابخانه نشریات، تها مرای گروههای فشار ملایم و داده این دیگر کامل‌بلیغ و روشن است - هم

آنها که قصد نهیدند و تعریف دارند.

ماهه ۱۷، ۲۲ توهین و افتراء به نایابی‌گان مردم. هیات وزراء، هیات قضات و هیجیس نوشن مطالعی علیه اسلام و اتفاق اسلامی را جرم ثانی میکند. کدام حکومت دیکاتوری و مرتع بی‌گیر در جهت تحقق اهداف انسانی مردم و هم موافق کامل با کلیه اقدامات دولت و حجاج حاکمه تعریف کرد. طیف تعریف وسیع است و

آنکاه که چنین غافه‌هایی در متن میکنند می‌شود راهی آکاهاهه و ترفندی زیرگاهه است تا دست مراجع قدرت را بار بار مگذارد تا با انتکا به قدرت خود تفسیر دلخواه خویش را

از این مقاومیت تحمل کند و وزارت ارشاد ملی که در لایحه میتوان تنها مرجع تشخیص صلاحیت و صدور امتیاز معرفی می‌شود از این پس هیچجون

قضات محکم قرون و سلطه میزان نهایی صلاحیت انسان برای بیان نظرات است و تنیجه از پیش معلوم است اگر دولت قضی نهایی منتظران و مخالفان خویش باشد آنکه کی رود، جز قلسی

شکته نخواهد داشت و ساجدان امتیاز کسانی خواهد بود که از نظر دولت حاکم صلاحیت داشته باشند.

ماهه ۳ یکی از شرایط امتیاز را تعیین

داده ۱۱ می‌فرموده است این اصول فکری شریه میداند و

هدیه می‌فرموده این لایحه همچو هم می‌داند که هر شاره آن تاکید می‌ورزد.

نگاهی گزرا به پیش‌نویس لایحه مطبوعات

«ماله امتیاز» است. لایحه مطبوعات به جای امتیاز گیرنده، وزارت ارشاد ملی را نسبتان مطبوعات را برای کلیه افراد ملت ایران بررسیت بشناسد، و بدینسان یکی از روندهای جساری انقلاب را که مردم خود به جا و نثر اعلامیه‌ها روزنامه‌ها و شباهتها می‌برد اخذ نهضتی تعمیم داده و قانونی گند، با طرح ماله امتیاز، تدوین شرایط امتیاز گیرنده، وزارت ارشاد ملی را نسبتان مرجعی که ماقوی اراده ملی و مردمی فرار دارد یعنی دولت میدهنده، و از این طریق اساس‌ترین حق انسانی یعنی آزادی بیان و قلم را از مردم می‌گیرد.

صرف نظر از ماهیت ماله امتیاز، شرایط امتیاز گیرنده در لایحه مطبوعات نیز بسیار جالب و غیرت‌آموز است. ماهه ۲ امتیاز گیرنده راکس میداند که «معروف به درستی، امامت داری، تفویی سیاسی، حسن شهرت، سلامت اخلاقی و...» باشد ارزش‌گذاریهای اخلاقی از این دست که مصاديق میعنی مشخص در روابط ندات و نمی‌توان از آنها تعریف بکسان و نهایه از اینه که گرد هسته میتواند تا ولایها و تعاویسه‌گوناگون طرح شود و تفویی اساس را می‌توان هم مارزه بی‌گیر در جهت تحقق اهداف انسانی مردم و هم موافق کامل با کلیه اقدامات دولت و حجاج حاکمه تعریف کرد. طیف تعریف وسیع است و

آنکاه که چنین غافه‌هایی در متن میکنند گنجانده می‌شود راهی آکاهاهه و ترفندی زیرگاهه است تا دست مراجع قدرت را بار بار مگذارد تا با انتکا به قدرت خود تفسیر دلخواه خویش را

از این مقاومیت تحمل کند و وزارت ارشاد ملی که در لایحه میتوان تنها مرجع تشخیص صلاحیت و صدور امتیاز معرفی می‌شود از این پس هیچجون

قضات محکم قرون و سلطه میزان نهایی صلاحیت انسان برای بیان نظرات است و تنیجه از پیش معلوم است اگر دولت قضی نهایی منتظران و مخالفان خویش باشد آنکه کی رود، جز قلسی

شکته نخواهد داشت و ساجدان امتیاز کسانی خواهد بود که از نظر دولت حاکم صلاحیت داشته باشند.

ماهه ۳ یکی از شرایط امتیاز را تعیین

داده ۱۱ می‌فرموده است این اصول فکری شریه میداند و

هدیه می‌فرموده این لایحه همچو هم می‌داند که هر شاره آن تاکید می‌ورزد.

<p>این سلسله از مصالح خوب بتری است که ناید از گناهای ابدیابی به وام گرفت.</p> <p>۱۶ - در ماده ۲۸ پیش‌بینی گردیدند: هر کس نزدیک خود را به جای نزدیکی پیکری منظر گفت مجازات خواهد شد. جای ماده‌ای خالیست که به موجب آن هر کس با دیران جراید به هر نحوی از انجاء کمل و مساعدت نماید به اند مجازات محکوم خواهد شد.</p> <p>واند زمان طاغوت بزرگ پور-بعضی:</p> <p>این لایحه با آنچه در زمان طاغوت مطرح شده بود اصلاحات ماهوی ندارد. پس از انقلاب و آن پایه‌های حساس که منجر به عفونت شیشه امیرپالیس و ارتضاع شد، طبقاً انتظار مردم این است که با ایجاد به قواین انقلابی بتوانند از آزادی‌های انقلابی بهره‌مند شوند. این لایحه حتی با اعلامیه جهان حقوق بشر فرم معاشرت مشخص دارد.</p>	<p>۹ - در بصره یک ماده ۹ حکم دادگاه‌های اسناد را تحریر قابل فرجام داشتند که مطابق بیست به چه علت ۹</p> <p>۱۰ - در مواردی وزارت ارشاد علی حق لغو امسیار را برای خود پیش‌بینی کرده است، بسیار بدجه بود که حق توفیق و زندانی کردن مدیران جراید به خود اختصاص میداد و کلک کار را می‌کند.</p> <p>۱۱ - از تویینگان مقاله خواستند که نام والی خود را ذیل مقاله درج کنند بهتر بود که عکس و آدرس او را هم طالبه میکردند تا کار آسانتر شود.</p> <p>۱۲ - مجازات‌هایی که در مواد مختلف پیش‌بینی شده همکنی نامناسب و زیاد است.</p> <p>۱۳ - باید از تقطیع گفتگویان لایحه پرسید «الفیلت‌های زرادی» چه کسانی هستند؟</p> <p>۱۴ - هشتگ که در ماده ۲۸ پیش‌بینی شده که باید هشت مصنه را دعوت کند ترکیب آن کاملاً دولتی است و نه ملی.</p> <p>۱۵ - در شرایط اعتصاب هشت مصنه پیش‌بینی شده است که «معروف به اهانت و صداقت و حسن شهرت» باشد چیزی که فراموش گردیدند.</p>	<p>ار آنها سوء اسلامه شده و بعد از آن هم خواهد شد.</p> <p>۶ - وزارت ارشاد علی گمه است در مطریه به روز از اسناد، نظرها و پیشنهادها را به وزارت ارشاد علی ارسال بدارند و برای مطبوعات این اهمیت را غالب شده که لااقل مردم اهل‌بیان را به مطالعه مطلع نمایند.</p> <p>۷ - وزارت ارشاد علی جای وزارت مطابق و امثال آن را گرفته و نه تنها به صلاحیت‌های (اسولاً این اصطلاح در مورد روزنامه‌ها نکاری مطلق است) بلکه به صلاحیت علی‌سی داوطلبان هم رسیدگی می‌کند، باید دید و اکنون وزارت علوم جیب است. در واقع وزارت ارشاد ملی در این لایحه هم صلاحیت دادگاهها را به خود اختصاص داد و هم صلاحیت وزارت علوم و هم سیاری دیگر از صلاحیت‌ها را.</p> <p>۸ - یکی از موارد منحک این لایحه آن است که مدیر مسئول و سردبیر باید «اصول فکری و انتقادی و روش نزدیکی» را در مالیات صلحه اول کلینه کند. حالا اگر اصول فکری و انتقادی نزدیکی یا کنسته نمایند تا نکلند چیز?</p>
---	--	--

نظر مردم و لایحه قانون مطبوعات

می‌دانم... بتوانید شخص اول بیاست... تازه آنهم حرف دارد. بگذریم یاد آزیماهه افانم.

آقای پاشائی - دبیر - لایحه مطبوعات سی‌عنوان است، شخص اول روحانیت یعنی چه؟

سی‌عنوان است، اقای خمیس ارشاد پیدا کردند. از نظر آقای خمیس ارشاد می‌توانند از نظر روحانیت شخصیت اول بیستند. پس مراجع تقدیم دیگر چه هستند. این لایحه از بیچ و بن غلط باشد. چون هم‌زمان ۹۰٪ مردم مثل بیل‌دین‌الاروی هم کنند. پس لایحه مطبوعات دیگر برای محدود شده است و نه درست. اصلاً جرا افایان اعلام نمیکند که سطیم کندگان لایحه چه کسانی هستند؟

رهبر پوراورد - دانخو - چرا سنت دست و ندارند بکاره شکوند، نایابان اداره سانور را می‌خواهند دار کشم؟ از اتفاقیون! بیشتر از این اسنلا بر شهامت داشتم.

علی فروزان - متکار - لایحه مطبوعات خوب است، چرا شهامت داشتم.

ربای مطبوعات از اراد است.

ربای مطبوعات مسالوژی - قابوی ارتحاعی اس و خود لامکی و اخبارات شخصی و زیر را زیاد می‌کند.

علی‌مردانه سایلی - کارمند - آنچه در لایحه مطبوعات امده مخصوصاً ماده ۱۸ کویا قرار است در قانون اساسی جدید هم باشد و این درست است. روزی قابی هم این چیز ماده‌ای داشت و آنهم نایش ماده ریزان به ۳ سال.

فریده بختیاری - حافظه دار - لایحه مطبوعات که همچوں سوالی دارم. شدید اول روحانیت دیگر چه مسیه‌ای است؟ ممکن سطیم از آن‌الله علوی است، شخص اول روحانیت هم ایشان را

دولات چهارمی اسلامی بکت مطالعه و مساجی پیش چه در باره مطبوعات و چه در موارد دیگر.

آقای علی‌پور - کارمند - انتقادی که محدود کنده است مطبوعات باید کاملاً از اراد باشد و این خود ملت و روزنامه‌گزاران هست که شنجیس میدهد، نه وزارت ارشاد ملی با وزارت‌نمایه دیگر.

عبدالی - دانخو - اگر غایبی لازم باشد خود مطبوعاتیها به کنک خودندازان نظیم می‌کند.

دعا و وزارت ارشاد علی دیگر چیز؟

کمال - کارمند سمت نیست - حسونشان می‌بینند، خودندازان می‌درند دیگر لازم نیست که لایحه‌ندازان را در معرض مطر جوانی سکاره اند.

محمد پور‌میرزا - محصل - اسکه شرطی ری و را کم کردند حوب است ولی کل لایحه از رمان مطبوعات هم ندر است.

احمدزاده - ایساهه راسمه ناکسری - در عرض ادب وقتی آن لایحه را حواس محسکی نه ماده بود. حبیب آن جویها که سران این دولت ریخته شد.

حاجم مولوی - السه نایام موافق نیست ولی سطر لایحه جویی می‌آید.

آقای سدیمی - ساراری - هر کاری که

معرفی روزنامه‌ها و نشریه‌های تازه - ۶

نگاهی به مطبوعات پس از انقلاب

حضور برخی از چهره‌های دولتی و غیردولتی، اما سرشاس رژیم جدید در میان همراههای آهمنگا، چنان‌رسودانی در کشور بیا کرد که نویسنده‌گان آهمنگر به علت هجوم عوامل تحریک شده، ناچار «حل نشیه را ترک کردند و در پیش از این در سرمهاله اولین شاوره در راه راندن، روش آدمگر نوشته شده «اکنون اگر چه نام ما چلنگر نیست، اما سوگند چلنگر را تکرار هی کنیم و تا قلم در دست داریم خود را خدمندگار و دادخواه رنجبران را دانیم و روش افسارگرانه خود را در مقابله با امپریالیسم و کارگران را در داخلی اش، با ارتقای و خداوندانی از این آزادی خلق‌های ایران و استقلال میهن ادامه خواهیم داد».

آهمنگر که تاکنون در ۸ و ۱۲ صفحه منتشر شده است، چنانکه بیشتر گفته‌اند دارای زبانی طنزآمیز است، اما طازی ریشه‌دار و موثر، طنزی که در عین حال جدی است و آدمی را به تقدیر و اعیاد دارد. طنزی کم و بیش یادآور فیلم‌های چاپلین است. آدمی را می‌خنداند، اما در مجموع به وضع خود و گرفتاریها و بیچارگی‌های خود می‌خنداند. آهمنگر در مطالب و نوشته‌ها، از نظم و نثر، هر دو استفاده می‌کند. اما نظم و نثری که چاشنی هر دو همان طرز است. در آهمنگر تنها به فارسی مطلب و شعر نوشته نمی‌شود. تاکنون نوشته‌ها و شعرهایی به زبانهای ترکی و کردی و گویش گلکی در آن جای شده است. مطالب آهمنگر متعدد است، اما همه اجتماعی و بیشتر مربوط به مسائل روز است.

آهمنگر حواله‌گوش و کتاب‌کشور



آهمنگر

هفت‌نامه طنزآمیز و جنجال‌آفرین پس از سقوط رژیم دیکتاتوری بی‌تردید یکی از خوش‌افعال‌ترین نشریه‌های ۷۵ سال گذشته است. آهمنگر به دلیل «بزوی پربار و طنز نیش‌دار و داریکانورهای زنده، اکنون در حالیکه فقط ۶ شماره از نشر شده است، یکی از مطبوعات اشنا با تیراژ بسیار خوب است. این نشریه بر تیراژ و معروف‌سالهای سی که نشریه بزرگ‌تری «معبد علی افراشته شاعر توهدای هشت‌می‌شد، انتشار یابد. اما پس از مخالفت‌هایی که حزب توهد با انتشار چلنگر با روش و خطایشی گردید نظر نویسنده‌گان جدید آن کرد. این نشریه به نام آهمنگر انتشار یافت. همین‌جا باید گفت که بی‌تردید بدست کشیدن نام پرجذبه چلنگر از این آهمنگر تازه کار اقبال‌آفرین بوده است. اما محتوی پربار و زبان نیش‌دار و طنزآمیز و چشمداشت به مانند زنده به جای پرداختن به مردگان و گذشتگان، خود از عوامل و شاید بزرگ‌ترین عامل «وفقت آهمنگر بوده است.

در سر کلیشه آهمنگر، در کنارنامه هماره تصویری از «افراشته» در میان ستاره سرخی و نیز شعر «معروف‌افراشته بشکنی ای فلم ای دست اگر، بیچی از خده محرومان س» که زدت‌بخش سرمهاله چلنگر نیز بود، دیده می‌شد. اولین شماره آهمنگر براستی خواندنی و جنجال‌آفرین بود. در کاریکاتور صفحه اول همین شماره در دو سوی عرصه شطرنج علت و امریکا در یات با همراههای خود به نبردنشته‌اند.

پیشرفت فن و تکنولوژی و هرج و هرج در امر تولید، علل اصلی بیکاری در جواه سرمهایه داری قلمداد شده و در ایران بویزه، علاوه بر اینها، از میان رفتن «محیط امن برای سرمایه‌گذاری» علت اصلی بیکاری عنوان شده است و در ادامه مطلب آمده است. محیط امن برای سرمایه‌گذاری یعنی محیط امن برای چایدین زحمتکشان.

بررسی نوشته‌های حدای کارگر به خوبی نشانگر می‌کوئیست دست‌اندر کاران این نظریه است. در مطلبی که در شماره دوم این نظریه تحت عنوان «درس‌های از هراس برگزاری اول ماه مه در پرتو انقلاب» به جاپ رسید، ضمن تحلیل از رادیویانی کارگران و زحمتکشان که به دعوت نورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه انجام شد، به رادیویائی اول ماه رسید که در هفین روز به دعوت حزب جمهوری اسلامی انجام شد. اشاره شده و آمده است، که در رادیویائی این حزب از خواسته‌ای گروه اول، خبری نبود و در واقع این حزب با عنوان کسردن شواره‌های مانند «شعار های غیر علی و فریبینه اغتشاش در میان انقلاب اسلامی است» انقلاب را تمام شده تلقی می‌کند. در صدای کارگر در کنار عقایلات، اخبار و گزارش‌های کارگری نیز نوشته می‌شود. صدای کارگر عناصر شوراهای کارگری است و اینکه تبا دلت با انتکا به کارگران و اطیبان به شوراهای کارگری می‌تواند ساعتی به اقتصاد ناسایان کنونی بدد. صدای کارگر مخالف وضع گیری‌ها و گراشی‌های راست روانه حزب نموده است و انتقاد دارد که «حقوق خویش را تبا به انتکا و حدت طبقه خود و نیروی مستقل خویش میتوان بدست آورده و نه با گذانی و چاکری در آستان صاحب قدرتان». صدای کارگر در مطلبی که تاکنون نوشته، ترور فردی و ترور آزادی، هر تو را در خدمت امپریالیسم عی داند. به عالم ملی توجه دارد و خواستار، خود بختاری خلقهای ایران در چارچوب ایران آزاد است.

ضرورتی از انقلاب فرهنگی و تعییرات ملیان تاکید داشته باشد نیز از علتهای انتشار «جوان دماغ» عوان شده است. ایدئوژی دست‌اندر کاران انتشار این نظریه اسلام است و مطالب و نوشته های آن یا بیشتر جنبه اسلامی داشته و یا با دید و ایدئوژی اسلامی نوشته می‌شود.

«جهاد معلم» در دقالدای تحت عنوان «چرا سازمان ملیان ایجاد گردید» پس از بررسی شتابزده و گذارای علتهای عدم تشكیل و عمل نیافرایی‌های اسلامان در سالهای گذشته نوشته است: «سازمان ملیان مسلمان بوجود آمده تا با سیاست نیروهای آگاه و مبارز و پیغمبر مسلمان مقیمد و متول بتواند سهمی شایست و دوثر در تحقق انقلاب فرهنگی و آهوزشی برآسان ارزش‌های توحیدی بر عهده گیرد».

در جهاد معلم برخی تحایل‌ها و از جمله «ویژگی‌های تاریخی انقلاب» (با توجه به دیدگاه این نظریه) و تحلیل‌هایی از برخی دوره‌های ذرآن نوشته می‌شود.

جهاد معلم زیر نظر شورای نویسنده‌گان اداره می‌شود، دارای قلم متوسط است و بدقتیت ۵ ریال به فروش رسید.

در پای صفحات آن معمولاً شعار – عائی در ارتباط با مسائل فرهنگی و آهوزشی و از جمله «مستمر باد انقلاب ما تا تحقق انقلاب فرهنگی» نوشته می‌شود.

صدای کارگر

صدای کارگر ارگان سازمان ملیان است. این نظریه همچنانکه از نادش برهی آید بیشتر به مسائل آهوزشی و تربیتی می‌پردازد. در سرمهقاله اولین شماره جهاد معلم در باره انتگریهای انتشار این نظریه ذرشنده است: «انتشار جهاد معلم این‌گذشتگر این واقعیت است که می‌خواهیم ارتباطی گسترده‌تر با همه کسانی که خود را در راه تحقق انقلاب فرهنگی و آهوزشی مسئول و تعیید می‌شانند، برقرار کیم».

هدچنین فندان یاک نظریه که بد را با چنان آب و تاب و همارتی و با چنان طنزی بیان می‌کند که بسیاری از اوقات مسئله از آنچه واقعاً هست جذاب‌تر و دلچسب‌تر نمکنس می‌شود. قطب‌زاده بی‌زیست و بنی‌صدر و امپریالیسم امریکا بی‌اگراق تاکنون در همه شماره‌های آهنگری‌همیه قابل توجیه داشته‌اند. آهنگرچنانکه بیشتر و در اولین شارداش اعلام کرده بود، تاکنون شان داده است که واقعاً خند امپریالیسم است کاریکاتور در این هفته نامه جای‌عده‌ای دارد و در حقیقت آه‌نگر تا حدود زیادی نان کاریکاتورهایش را می‌خورد. گذشته از کاریکاتورهای مریوط به نبرد شعار نجات ایران و امریکا تاکنون آه‌نگر کاریکاتورهایی در باره روز جمی‌انی کارگر، اندر نبرد امیر طوفان (قطب‌زاده) با مطبوعات و اختایوس امریکا داشته است. در صفحه اول آخرین شماره‌آه‌نگر، امریکا به صورت اختایوسی با دستهای سیار چاپ شده که ملت ایران تاکنون موفق به برین چند دست آن شده است. در آهنگر قصه و اخبار و گزارش نیز چاپ می‌شود اما شمه باطن و با سکی تازه. هدچنین در هر شماره آهنگر معقولایاک یا چند شعر از افرادش به چاپ می‌رسد. آهنگر اکنون یکی از برترین هفته‌نامه‌های ایران است. تیراز آن به روایتی از حد دزار تجاوز کرده است. قیمت آهنگر ۳۰ ریال و دارای قطع متوسط است.

جهاد معلم

جهاد معلم ارگان سازمان ملیان نادش برهی آید بیشتر به مسائل آهوزشی و تربیتی می‌پردازد. در سرمهقاله اولین شماره جهاد معلم در باره انتگریهای انتشار این نظریه ذرشنده است: «انتشار جهاد معلم این‌گذشتگر این واقعیت است که می‌خواهیم ارتباطی گسترده‌تر با همه کسانی که خود را در راه تحقق انقلاب فرهنگی و آهوزشی مسئول و تعیید می‌شانند، برقرار کیم».

نامه‌ها



چون هفنم یک کلمه داستانها داشت، من گه نشه تحریر بودم می خواستم از کوله بار او چندانی نجربه بودم که او فریاد رد چسرا درخانه بعرفت برم که او فریاد ردم گز من دوست خوب من ، امرور روز مرگ من نشایی به جمع کارگران بیکار برو، میان آنها که افکار پوییده خود را برلوای اسلام آب و رنگ روز یا یکنونی کنیم، دوماء پیش از ان جشن بزرگی گرفت برای نولد آزادی ، و که چه عرضش گوته شعارهای تحریرات آفرین میدهد بسرو، به میان دانشجویان گروههای مختلف سایی برو و نشان را بین و نجربه بپادور ! رفتم و نالان بر گشته زیرا آزادی را یافتم و امرور بدرین با چشماني خوبیار به خانه بر گشت. او هر روز صحیح به من چیزهای فنگی برایم از آزادی تعریف می کرد، رهایی از بند استبداد ، طرد زور ، استفاده و خلاصه چه خواهیها فنگی می دید. هفتاد سال نوشی نیست . و او را دیدم که در روز آزادی اشک شوق از چشمانت می ریخت ، زمانی که شاه رفت شیرین به خانه آورد ، تبریک می گفت همانسان که در روزهای عیدی کرد . و چن بزرگتر را ایران گرفت ، از بجهنا بزرگ هم در این جشن شهیم بودم . چه لذت بود. بسدر پیر من مصمم می خواست این همه را هرچه بیکار این قتل قربانی اتفاقات از شا به عنوان حامی پایره های کار در ریا نام می برد .

شما که هاظره می دانید که جمهوری اسلامی ایران سخن از امیر پاییم ، صهیونیم ، که در آن سخن از امیر پاییم ، صهیونیم ، متفاوت و غیره غیره بود . نوچه را نهعن داد و گفت از اینها بر هیر که خاری است بر ریشه آزادی . زندگی ای نوآغاز گردیدم بخشن از بیکاری ، ظاهرات ، ارتاجع و متفاوت و غیره بود ، ندای بارگان را می شنیدم که ما را هم چون خود بسکون و تحمل دعوت می گردیم. از هنلت بیق سخن می اندیم که در راشن قطبزاده خودنمایی می کرد. و سیر خود را پایره هنگان . و ماتشک نظری به روشنگران پایره که می سرای آزادی بست نیاذه هنوز نقا می گشند بدیده تحقیر می نکریست ... کسی می بایست انتقادها را شروع می کرد، هردم ما یا پدر بیش من را باید نهاده است؟ شما متخصص پسر زیرین نیستید . شما متخصص پندخلان مسلمان و متخصص نشان درین گروههای اتفاقی هستید . شما که پرچمدار تحریر نهادن میور و آهک با جمل فرمان امام شدید در مبارک خواست خود دارد که فوق قدرت فرزندان این آب و خاک است؟ شما متخصص پسر زیرین نیستید . شما متخصص پندخلان مسلمان و متخصص نشان درین گروههای اتفاقی هستید . شما که پرچمدار تحریر نهادن میور و آهک با جمل فرمان امام شدید در مبارک خواست خلق قهرمان ایران که تحریر می سدا و میسای غیر آزادان است. چه نظری دارید. باند که از سر نوشت نام فاشیست عربت گیرید و بدصر امام میکنی؟ گفت به آزادی ا دیگر چیزی نگفت ، روزهای بهتر .

نشرین عباسی - تهران

علی روزبه عقلم - ساری

آقای قطبزاده شما که می گویند رادبو و تلویزیون سانور ندارد . جگونه من باور کم وقتی که سخنرانی آیات‌الله‌عالی را سانور می کنید ، سخنان بارگان را در تیرمسز سانور می کنید ، ساطره می‌صدر و زهرابی را قطعی می کنید ، شما که حتی مرای نموده یاک دیفنه‌فیلم از نقدی ، سند و خرمنه و گبد بصدار آرامش تهیه نکردید ، با توجه به امکانات وسیع شما برای این گونه برنامه‌ها چه فرقی باقطبی و همکارانش دارید؟ شما که از مراسم برگزاری خسرو روزهای قهرمان ملی ما فیلم‌سازی نمی کنید، چه ارزشی برای شهادای ما قائل هستید؟ او که مورد تحسین تمام مسلمانان مازر ما هست چطور مورد تائید شما نیست؟

چه احساس دارید هنگامی که نایانده کارگران بیکار این قتل قربانی اتفاقات از شا به عنوان حامی پایره های کار در ریا نام می برد .

شما که هاظره می دانید که جمهوری اسلامی ما را قطعی می کنید می دانید که جمهوری اسلامی و اتفاقاً میزینید؟ شما که شورای موسس کارگران رادبو و تلویزیون را به رسیت نمی شناسید، چه خوب و طبعی خود را در مقابل رهبر اتفاقات ادا می کنید. برادر قطبزاده، شما به چه چیزی هستید؟ بمطهارهای قلابی نان؟ شما که پیش از هیچ یک از آناد ملت را از استاندار گیلان تا انجمن دانش آموزان و دانشجویان مسلمان تهران، سازمان مجاهدین خلق، چه ریشه های فدایی خلق و نویه امام را بیش سر خود ندارید بر جه کسی هستید؟ آیا ابرقدرتی شما را زیر بستر حیات خود دارد که فوق قدرت فرزندان این آب و خاک است؟ شما متخصص پسر زیرین نیستید . شما متخصص پندخلان مسلمان و متخصص نشان درین گروههای اتفاقی هستید . شما که پرچمدار تحریر نهادن میور و آهک با جمل فرمان امام شدید در مبارک خواست خلق قهرمان ایران که تحریر می سدا و میسای غیر آزادان است. چه نظری دارید. باند که از سر نوشت نام فاشیست عربت گیرید و بدصر امام میکنی؟ گفت به آزادی ا دیگر چیزی نگفت ، روزهای بهتر .

رجعت الله یز چمی - اصفهان

در شماره های گذشته نعمسلاتی در مورد عکس اختصاری آقای قطبزاده داشتید لازم داشتم مطالبی را به املاع بررسیم ، امید است مورد توجه فرار گیرد.

در روزنامه بامداد مورخه بیست اردیبهشت سایقه ای در خانه چون مجاهدین ، فدائیان ، شایگانها، بارگانها ، وغیره وغیره می خواهد. قطبزاده لب قبطانی است بنام سروان محمد نصیف انتظاری کارشاس رسی جمل اسد منکوک و محبوث اداره تشخیص هویت و پلیس بنی‌الطالبی که ایشان به دلیل عکس ارائه شده توپط محله

رزیم گذشته ماندشن را صلاح داشت، رزیم فعل هم صلاح نمی داد! آهکر که گرداند گانش ۲۵ سال با زندان بودند با آواره و بخوبی در گوشه و کار اکون نیز روزگار بهتری ندارند و چنین است حال و پور بیمام امروز و آینده‌گان و اخیراً کیهان و ... پس ستاوره ملت و من معلم و نوی روزنامه‌گزار و ... از انقلاب عظیم که در دنیا سابقه ندارد چه شده است و به کجا رفته است؟ عده‌ای از کارکنان کیهان که روزنامه‌ای است محاافظه کارو محصراً خبری، مانع ورود ۲۰ نفری از اعصاب تحریبی به محل کارشان می‌شوند، برای عرض شرپیکاری به قم می‌روند و جریان را با آستان به استحضار امام می‌رسانند. گویی بالازسان و ولیان و نهادنی و ... را دستگیر کرده‌اند! رهبر انقلاب بدلون ایسکه تحقیق کنند که این ۲۰ نفر کیانند و ایان که مانع ورودشان شده‌اند، کی؟ کار جماعت را می‌ستایند و طبعاً رهنهود افراد که شدن‌انقلاب را مخالف می‌دانند و می‌بنند که این ۲۰ نفر شان در زمان از هزار آب خنک باشانه را خوردند و چند ناین نیز از ترس و بیم دستگاه سابق متواتر و پیهان و چند نفری نیز قرار بوده است همراه با هزار اسلحه دیگر توسط شدن‌انقلاب از میان برداشته شوند! خوب، در صدیت این ۲۰ نفر را بازیم بهلوی که شک و شهادت نیست. من ماند این مثله که فلان ایسرا داراید. مگر امام خمینی، رهبر انقلاب بدکرات اعلام نکرده‌اند که همه گروهها و حتی مارکسیست‌ها از این که سلک و مردم دلخواه خود را داشته باشد! هر چند دون‌هیچ تحقیق و مطالعه‌ی سرود پامستان من دهد! این دیگر چه مصیبی است! قبل از آنکه در بهار آزادی نفس بکشیم، خزان حفظان واختناق را باعده ایندش لس می‌کیم. انقلاب دیگری نداشید.

آن تصور برایان پیش‌آمده است که باید با هر رزیمی و لو مردمی می‌باید مبارزه کرد؟

مصطفی روحانی - تربیت حیدریه

امیدوارم تاریخین این محصر، چیاداران اسلامی، شمارا نیز چون دیگران و اداره‌زندگانی محض نکرده و محل کار و چایخانه‌تان بهتر نمی‌بازوی سلاح انقلاب در بیانده باشد! این چه اوسع است؟ به کجا مارا می‌برند؟ این بود، آنچه ملت مراییم شهید دادند! این بود و عده‌های رهبر انقلاب قبل از رسیدن بقدرت و در تبعید گاء؟ امروز هیچکس امانت شمل و حیثیتی ندارد و عصباً و حد افسوس در بین که کسان بیشتر در مطان تهمت و بهان و مورد هنگ حرم و وزربو شم و اخراج از کارگر قرار گرفته و می‌گیرند که برپاره، بازیم گذشته بیشترین اشاره میکنیم به سخان شما در باره تحريم رفراندوم (و امریکا) که دور ابر تعداد رای‌دهندگان رای آورده‌اند...) شما با این صراحت و بیشمری دولتی راکه برگزیده توهه مردم است و در اس آن رهبر انقلاب را به تقلب در فرائد می‌سازید. تعجب میکنیم که جطیور شما صنفهای مردم مشتاقی را که حتی قلی از طلوع آفتاب جلو حوزه‌های رای گیری برای تعیین سرنشست خوبیم به انتظار انسانه بودند ندیده‌اید؟ باز جای شکوش باقیست که این را قول گردید که در اقلیت هستید و رای ندادن شما هیچ تائیری در نتیجه رفراندوم نخواهد داشت. پس چه اسراری دارد که با خواست توهد مردم محالت کنید؟ و باز می‌بریم که برای این اهمیت ای اساس چه دهارکسی دارید؟ به چسب می‌خواهید مردم را نسب برهبر انقلاب بدینی کنید و از این کار چه نفع می‌برید؟ ما اینقدر مطلق داریم که شما را به هدستی بارزیم سابق مفہم نکیم ولی خود این اعمالان را به چه توجه میکنید آیا غیر از این است که خدا انقلاب سعی دارد اطمینان مردم را از رهبر انقلاب سل کند؟ پس به چه جهت شماست همکاری به عوامل خدا انقلاب داد و خود را در اختیار خواسته‌ای آنان نهاده‌اید. ما از ساقه شما با اطلاعیم و میدانیم که مردم بازه هستند و در لشان خنثان دوران ساه پهلوی نیز سربست‌حریفهایان را زدند و لی آیا فکر نمی‌کند

شما را نکذیب کرده و به شوت رسانده‌اند حسان بدنبیت بدانید که عکس مذکور توسط خود اینجاح با دستگاه‌های میکروکوب و تلفیق مررسی که خوشبختانه اطهارات سروان انتظاری را مورد تأیید قرار داده و پیشنهاد می‌نمایم که در کار آنهمه تهمت و افرا نست به قفل‌زاده مد رکیم مستند به نفع نامنده چاپ بفرمائید والسلام. رحمت الله برجیعی عکاس - اداره تشخیص هوت شهرمانی استان اصفهان

سازمان توحیدی شهادت - ارویه

آفای شاملو شما که در مصاحبه نان تعصب را محاکوم گردیده‌اید لاقل خود می‌بایست تعصب را کار می‌گذارندید و سعی نمیکرددید سا لجاجت عناید خوبیم را تعجیل نهایت اشاره میکنیم به سخان شما در باره تحريم رفراندوم (و امریکا) که دور ابر تعداد رای‌دهندگان رای آورده‌اند...) شما با این صراحت و بیشمری دولتی راکه برگزیده توهه مردم است و در اس آن رهبر انقلاب را به تقلب در فرائد می‌سازید. تعجب میکنیم که جطیور شما صنفهای مردم مشتاقی را که حتی قلی از طلوع آفتاب جلو حوزه‌های رای گیری برای تعیین سرنشست خوبیم به انتظار انسانه بودند ندیده‌اید؟ باز جای شکوش باقیست که این را قول گردید که در اقلیت هستید و رای ندادن شما هیچ تائیری در نتیجه رفراندوم نخواهد داشت. پس چه اسراری دارد که با خواست توهد مردم محالت کنید؟ و باز می‌بریم که برای این اهمیت ای اساس چه دهارکسی دارید؟ به چسب می‌خواهید مردم را نسب برهبر انقلاب بدینی کنید و از این کار چه نفع می‌برید؟ ما اینقدر مطلق داریم که شما را به هدستی بارزیم سابق مفہم نکیم ولی خود این اعمالان را به چه توجه میکنید آیا غیر از این است که خدا انقلاب سعی دارد اطمینان مردم را از رهبر انقلاب سل کند؟ پس به چه جهت شماست همکاری به عوامل خدا انقلاب داد و خود را در اختیار خواسته‌ای آنان نهاده‌اید. ما از ساقه شما با اطلاعیم و میدانیم که مردم بازه هستند و در لشان خنثان دوران ساه پهلوی نیز سربست‌حریفهایان را زدند و لی آیا فکر نمی‌کند

پراکنده‌ها

روحی فکر کرد، شنیدی مرد چدوپولوس میزد؟
هیر که دلنهایش را پاک نمیکرد، با تعجب
برسید: ها؟ – او نمی‌شنید! –

□ بخوانید از آهنگر درباره هنفی‌شدن
مجلس مؤسان :

هر دم از این باغ بزی می‌رسد
تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد
تازه خبر چیست؟ تر حلوای زان
فاتحه‌ی مجلس مؤسان!

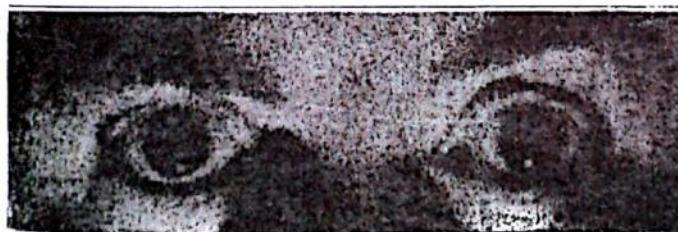
سبلتو کردن وعد و عید
رفع و رجو کردن جنس نمید
گرمهک بی‌مزه‌تر از کمبوزه
(شربت قند آورده‌ام، خربزه)
بیر که صاب باغ داره مفلس میشه!
بیا داداش طلات داره مس میشه!

من نوازد . . .
دومی گفت: انتخاب خوبی هم کسره
موزارت . . .
سومی گفت: لذت می‌بیرم . . . بزن . . . مرد . . .
بزن! . . .
مرد به نواختن و بیولون ادامه داد. ناتکان
شیر دیگری غرش کیان از راه رسید و برید و
مرد و بیولویست را خورد!
شیرها افتراس کردند:
اولی – این جه‌کاری مود!
دومی – چقدر من تو نقع . . . آخرهای مومن
بود . . .
سومی – آقای شیر عزیز . . . جرا ایستگار را
گردی . . . چه من مشتولیت! شیر که همه‌اش ناید
به فکر شک خود نباشد، کمی هم ناید به غذای
توضیح بیشتر بدھید . . . خواهش میکنم . . .

□ خیر تکاری پس از کوشش بسیار توانست
از دیوید راکفلر وقت مصاحبه بگیرد . . . برسید:
– چیزی که من و خوشنده‌ها می‌خواهیم
بدالیم، ایست که چنور به این تروت رسیده‌دیده
– کار ... عزیزم . . . کار
– توضیح بیشتر بدھید . . . خواهش میکنم . . .
– بجه بودم، روزی در کوچه به یک سکه
دوستی برخوردم، با آن یک سبب خریدم، بجای
آن که بعورتم آنرا برق اندامختم و به چهار
ست فروختم، با آن چهار سنت ۴ سبب خریدم
و باز آنرا نخوردم و برق اندامختم و بیخواستم
نفروشم و هست بدت آورم، که نلگرانی
رسید و خسدار شدم، یعنی بزرگ هرده، از آنیه
کلانی به من رسیده است!

□ هوابسانی در وسط سحر را سقوط کرد،
از صدی سرشنیان آن فقط یک و بیولویست زنده
ماند که بالایش تمام رسمی و ویولون سالم مانده‌اش
براء افتاد . . . دفینه شد به ۱۰ شیر برخورد
پیش خود گفت: اگر قرار است خورده شو،
بهتر است با موسیقی بیبرم . . . پس شروع به زدن
کرد. شیرها سرمت شدند. آن مرد موزارت
من نواخت . . .

یکی از شیرها گفت: چقدر این مرد خوب



کلاس خود هیپنو تیزم و یوگا

تأسیس شد

در اجمان کابوک تحت نظر استاد کابوک منحصر
هیپنو تیزم و یوگا از آمریکا تلفن ۹۸۱۱۹۷ و ۹۵۰۳۲۰
کلاس بازیان از آقایان مجزا میباشد.

آن می‌رود نایار دیگر بحران افزایی و حساسی را برداشت نجیل کند که لاجرم دوست به جنم همه خواهد رفت. اما بدینیست بدایم که غربی‌ها، که امن روزها سبب تکران دیسایسی به‌این‌ماده گرانها و - رفته‌رفته - نادر هستند، بسیار پیش از آنکه اویک و هفت‌خواهان نفت به وجود باید و بسیار بسیار ارتقا کارن و شل‌دیگر و رکی‌سالی و آقای نزیه و دیگران به‌یاری سطرنیز پیچیده خود بپردازند، عزم حرم گرده بودند که بعدن و بشوف خود را برپایه نفت با کند و معهنج قمت ازان دل تکند. از جمله در کنایی که خرسنگاری به‌نام «حی، اچ، بون» در سال ۱۸۶۵ به‌نام «نفت و جاهانی نفت» نوشته، می‌خوانیم: «از من نا کاپیفرلیا، نفت منازل ما را روش می‌کند، عاشیش آلامان را هرمه می‌اندارد و در بسیاری از بخش‌های هری، صحنی و خانوادگی احباب نایدیر شده است.

در همین زمینه بد نیست، به‌ین‌تی ارسخان «آرب بوخوالد» طنز نویس معرفت در دانشگاه جورج‌تاون خطاب به دانشجویان نیر نوچه کیم: «می‌دانم که بسیاری از شناخت‌ها، سل مارا به‌خاطر مصرف همه شایع نشی که در دوره‌مان وجود داشت سرزنش می‌کشد. اما باید یک‌نکه را بعنای یادآوری کم. آنچه‌ما صرف گردید نفت و گاز خودمان بود و حق داشتم هر کار می‌حوافیم با آن بکنم. نسل شناهم باید ببرود نفت و گاز خودش را پیدا کند.

هر گز فاتح زندان قصر

سرهنگ «آرتربیوزر» خست‌الله، صفت به «گاو و خشی»، قیصرمان افسوس‌ای جنگ‌نیزی‌مود جهانی و وطن، هنئی پیش در اثر کشکله کلاه‌سرمهای در گذشته‌سیونز که زمانی فرمانده کلاه‌سرمهای امریکایی بود، در سال ۱۹۷۰ پس از رهبری بل حمله کامل و بی‌نقص باهی کوپر به یات‌اردوگاه نظامی کاملاً محاکمه شده در نزدیکی هانوی مدل ایجاد ایستاد. سرمه خلیل خدمت را دریافت کرد. اما شاید مهمترین ماموریت او از نظر ما ایرانیان، حمله موتفتیت آمریز بزندان قصر نیز این در پیش‌نامه گذشته و هم‌مان بازوهای خود را نموده بود. در این عطایات، سرهنگ سیونز باز نشسته، به‌خاطر دوست قدیمیش «راپ‌برون» که از او خواسته بود دونفر از کارمندان شرکت «الکترونک‌دی‌پائیست» را از زندان قلعه مانند قصر تهران نجات مهدد؛ طرحی برای حمله به زندان تهران ریخت. «سیونز» تریبون یک تظاهرات خسارتی ریخت. «سیونز» تریبون یک تظاهرات خسارتی ریخت. «سیونز» تریبون یک تظاهرات خسارتی ریخت.



کی‌ریلنکو و در عین حال پراهمیت تر کردن نقش «گریشن» در جریان است.

نفرات انگیزترین و محبوب‌ترین شخصیت‌های تاریخ

موزه «مادام توسو» لندن‌هال برستون‌ای در میان بیش از ۳۵۰۰ نفر از برآورده‌کنندگان خود که از کنورهای «گوناگون» بدیدن موزه می‌آید توسعه می‌کند که در آن پرستیده شده: بین از همه از کدام شخصیت‌های یهودی - زنده یا مرد - متفاوتند. نتیجه در سال ۱۹۷۱ به شرح زیر بوده است:

- ۱ - آدولف هیتلر
- ۲ - ایدی امین
- ۳ - جان کریسی
- ۴ - جیمی کارتر
- ۵ - کنت دراکولا

از میان شخصیت‌های مشهور دیگری که در سالهای پیش در این فهرست بوده‌اند می‌توان از ریچارد نیکون، مونه‌دایان، معرف‌فدا، ماؤنستون‌لک، اسپروانگو و ادوارد هست نام برد. جالب آنکه در سال ۱۹۷۲، حتاب افکای «شیطان رحم» هم به‌فهرست این شخصیت‌های منور افزوده شد.

نبرد بی‌رحمانه قدرت در مسکو

بین از همه این شخصیت‌های دروغ‌گشان هر چهار و پیجیده «کریلنکو» در واشینگتن مشغول بررسی مساله‌ای بسیار جالب و حیرت‌آورند. مساله‌ای که مگرچه تاکنون باخت تهای آن به دست یافته‌اند، اما در مقامات بلندپایه امریکایی این اطمینان را به وجود آورده که نبردی کاملاً سری، اما بی‌رحمانه و بی‌امان برسر جانشین «ثنویه برزن» سدرهیت‌ریشه خواری عالی در جریان است. برزنف هنرمندو دوواله و بیمار، از سال ۱۹۶۴ این سنت را که معانی دیگری رهبری کشور را بر عهده دارد. قضیه، برای سیاست‌داران امریکایی، باید رسمی مکنی از برگزاری مراسم اول ماه مه که در مطبوعات شوروی جا به جا شده بود آغاز شد. بررسی دقیق عکس این روزنامه این روزنامه که تصویر نفرات دوم و سوم ترتیب اهیمت، یعنی نخست وزیر «الکسی کوسبیگین» و «میخائل سولف» فرضیه‌پذار، بعداً به عکس اصلی چبانده شده - اما اینبار «لهمای» که در عکس اصلی بینه‌ایندو بود، وجود ندارد!

تحصیل امریکایی عکاسی و مونتاز عقیده دارند که برین تصویر «کی‌ریلنکو» از عکس روزنامه عصر، باعث خرابشدن تفاور «کوسبیگین» و «سولف» که به‌لوی «کی‌ریلنکو» ایستاده بودند شده. بنابراین جراحان مکن ناجا، شهادت تصویر ایندو را از عکس مربوط به‌یک مراسم دیگر فیجی کند و به عکس مراسم اول ماه مه بجایاند.

نتیجه‌ای که از حدف و افزودن تصویر «کی‌ریلنکو» در دوروزنامه مسکو بدوقیله آذی «گریشن» می‌توان گرفت آست که در نهایت نبرد سخت و حتی برای لمله‌زدن به مطلعی



دیجیتال کننده مجله : نینا پویان

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library